

قانون اساسی اسپانیا

ترجمه رسمی، مقدمه و گزاره:

رسول پدram

Constitución Española en Persa

Traducción jurada, prólogo y comentarios:

Rassoul Pedram

فهرست مطالب

۱۰	یادداشتی از مترجم.....
۲۸	قانون اساسی اسپانیا.....
۲۸	دیباجه.....
۲۹	بخش مقدمه.....
۲۹	ماده ۱.....
۳۰	ماده ۲.....
۳۰	ماده ۳.....
۳۱	ماده ۴.....
۳۱	ماده ۵.....
۳۱	ماده ۶.....
۳۲	ماده ۷.....
۳۲	ماده ۸.....
۳۲	ماده ۹.....
۳۳	بخش یکم.....
۳۳	در باره حقوق و تکالیف اساسی.....
۳۳	ماده ۱۰.....
۳۳	فصل اول.....
۳۳	در باره اسپانیائی ها و خارجیان.....
۳۳	ماده ۱۱.....
۳۴	ماده ۱۲.....
۳۴	ماده ۱۳.....
۳۵	فصل دوم.....
۳۵	در باره حقوق و آزادی ها.....
۳۵	ماده ۱۴.....
۳۵	قسمت یک.....
۳۵	در باره حقوق اساسی و آزادی های عمومی.....
۳۵	ماده ۱۵.....

۳۵.....	ماده ۱۶
۳۶.....	ماده ۱۷
۳۷.....	ماده ۱۸
۳۷.....	ماده ۱۹
۳۷.....	ماده ۲۰
۳۸.....	ماده ۲۱
۳۹.....	ماده ۲۲
۳۹.....	ماده ۲۳
۴۰.....	ماده ۲۴
۴۰.....	ماده ۲۵
۴۱.....	ماده ۲۶
۴۱.....	ماده ۲۷
۴۲.....	ماده ۲۸
۴۳.....	ماده ۲۹
۴۳.....	قسمت دوم
۴۳.....	در باره حقوق و وظایف شهروندان
۴۳.....	ماده ۳۱
۴۴.....	ماده ۳۲
۴۴.....	ماده ۳۳
۴۴.....	ماده ۳۴
۴۵.....	ماده ۳۵
۴۵.....	ماده ۳۶
۴۵.....	ماده ۳۷
۴۶.....	ماده ۳۸
۴۶.....	فصل سوم
۴۶.....	در باره اصول حاکم بر سیاست اجتماعی و اقتصادی
۴۶.....	ماده ۳۹
۴۷.....	ماده ۴۰
۴۷.....	ماده ۴۱
۴۷.....	ماده ۴۲
۴۷.....	ماده ۴۳
۴۸.....	ماده ۴۴
۴۸.....	ماده ۴۵
۴۸.....	ماده ۴۶

۴۹	ماده ۴۷
۴۹	ماده ۴۸
۴۹	ماده ۴۹
۴۹	ماده ۵۰
۵۰	ماده ۵۱
۵۰	ماده ۵۲
۵۰	در باره تضمین های مربوط به حقوق و آزادی های اساسی
۵۰	ماده ۵۳
۵۱	ماده ۵۴
۵۱	در باره تعلیق حقوق و آزادی ها
۵۱	ماده ۵۵

بخش دوم ۵۲

۵۲	در باره مقام سلطنت
۵۳	ماده ۵۷
۵۴	ماده ۵۸
۵۴	ماده ۵۹
۵۵	ماده ۶۰
۵۶	ماده ۶۱
۵۶	ماده ۶۲
۵۷	ماده ۶۳
۵۷	ماده ۶۴
۵۷	ماده ۶۵

بخش سوم ۵۸

۵۸	در باره مجالس قانونگذاری
۵۸	فصل یکم
۵۸	در باره مجلس نمایندگان و مجلس سنا
۵۸	ماده ۶۶
۵۸	ماده ۶۷
۵۹	ماده ۶۸
۶۰	ماده ۶۹
۶۱	ماده ۷۰
۶۱	ماده ۷۱

۶۲.....	مادّه ۷۲
۶۳.....	مادّه ۷۳
۶۳.....	مادّه ۷۴
۶۴.....	مادّه ۷۵
۶۴.....	مادّه ۷۶
۶۴.....	مادّه ۷۷
۶۵.....	مادّه ۷۸
۶۵.....	مادّه ۷۹
۶۶.....	مادّه ۸۰
۶۶.....	فصل دوم
۶۶.....	مادّه ۸۱
۶۶.....	مادّه ۸۲
۶۷.....	مادّه ۸۳
۶۸.....	مادّه ۸۴
۶۸.....	مادّه ۸۵
۶۸.....	مادّه ۸۶
۶۹.....	مادّه ۸۷
۶۹.....	مادّه ۸۸
۶۹.....	مادّه ۸۹
۷۰.....	مادّه ۹۰
۷۰.....	مادّه ۹۱
۷۰.....	مادّه ۹۲
۷۱.....	مادّه ۹۳
۷۱.....	مادّه ۹۴
۷۲.....	مادّه ۹۵
۷۲.....	مادّه ۹۶

۷۲..... بخش چهارم

۷۲.....	درباره دولت و تشکیلات اداری کشور
۷۳.....	مادّه ۹۷
۷۳.....	مادّه ۹۸
۷۳.....	مادّه ۹۹
۷۴.....	مادّه ۱۰۰
۷۴.....	مادّه ۱۰۱

۷۵	ماده ۱۰۲
۷۵	ماده ۱۰۳
۷۵	ماده ۱۰۴
۷۶	ماده ۱۰۵
۷۶	ماده ۱۰۶
۷۷	ماده ۱۰۷

بخش پنجم.....

۷۷	در باره روابط دولت با مجالس قانونگذاری
۷۷	ماده ۱۰۸
۷۷	ماده ۱۰۹
۷۷	ماده ۱۱۰
۷۸	ماده ۱۱۱
۷۸	ماده ۱۱۲
۷۸	ماده ۱۱۳
۷۹	ماده ۱۱۴
۷۹	ماده ۱۱۵
۷۹	ماده ۱۱۶

بخش ششم.....

۸۱	در باره قوه قضائیه
۸۱	ماده ۱۱۷
۸۲	ماده ۱۱۸
۸۲	ماده ۱۱۹
۸۲	ماده ۱۲۰
۸۳	ماده ۱۲۱
۸۳	ماده ۱۲۲
۸۴	ماده ۱۲۳
۸۴	ماده ۱۲۴
۸۴	ماده ۱۲۵
۸۵	ماده ۱۲۶
۸۵	ماده ۱۲۷

بخش هفتم.....

۱۵	اقتصاد و دارائی
۱۵	مادّه ۱۲۸
۱۶	مادّه ۱۲۹
۱۶	مادّه ۱۳۰
۱۶	مادّه ۱۳۱
۱۷	مادّه ۱۳۲
۱۷	مادّه ۱۳۳
۱۸	مادّه ۱۳۴
۱۹	مادّه ۱۳۵
۱۹	مادّه ۱۳۶

بخش هشتم..... ۹۰

۹۰	در باره تقسیمات و تشکیلات کشور
۹۰	مادّه ۱۳۷
۹۰	مادّه ۱۳۸
۹۰	مادّه ۱۳۹
۹۱	فصل دوم
۹۱	در باره اداره شهر داریها
۹۱	مادّه ۱۴۰
۹۱	مادّه ۱۴۱
۹۲	مادّه ۱۴۲
۹۲	فصل سوم
۹۲	در باره ایالت های خود مختار
۹۲	مادّه ۱۴۳
۹۳	مادّه ۱۴۴
۹۳	مادّه ۱۴۵
۹۳	مادّه ۱۴۶
۹۴	مادّه ۱۴۷
۹۴	مادّه ۱۴۸
۹۶	مادّه ۱۴۹
۹۹	مادّه ۱۵۰
۱۰۰	مادّه ۱۵۱
۱۰۱	مادّه ۱۵۲
۱۰۲	مادّه ۱۵۳

۱۰۲	ماده ۱۵۴
۱۰۳	ماده ۱۵۵
۱۰۳	ماده ۱۵۶
۱۰۳	ماده ۱۵۷
۱۰۴	ماده ۱۵۸
۱۰۵	بخش نهم
۱۰۵	در باره دادگاه قانون اساسی
۱۰۵	ماده ۱۵۹
۱۰۵	ماده ۱۶۰
۱۰۶	ماده ۱۶۱
۱۰۶	ماده ۱۶۲
۱۰۸	بخش دهم
۱۰۸	در باره اصلاح قانون اساسی
۱۰۹	ضمیمه الحاقی
۱۱۰	ضمیمه موقت
۱۱۳	ضمیمه الغائی
۱۱۴	ضمیمه نهائی

یادداشتی از مترجم

جمهوری دوم و رژیم فرانکو

" ما دیگر مُد نیستیم "، این جمله ای بود که آلفونسوی سیزدهم، پدر بزرگ پادشاه کنونی اسپانیا، گفت و راه تبعید در پیش گرفت. دو روز پس از رفتن او، یعنی روز چهاردهم آوریل ۱۹۳۱، برقراری «جمهوری دوم»، در سراسر اسپانیا و به ویژه در مادرید با شور و شوق فراوان جشن گرفته شد. سران جمهوری دوم که با آراء احزاب چپ به قدرت رسیده بودند، تا ۱۸ ژوئیه ۱۹۳۶ (روز آغاز جنگ داخلی) دست به انجام اصلاحات اجتماعی و سیاسی چشمگیری در جامعه زدند. بهبود وضع کشاورزی، اعطای خود مختاری به برخی از ایالت ها، بهبود حقوق زنان، تصویب قوانین کارگری و کوتاه کردن دست روحانیان از اداره امور کشور از طریق ملی کردن اموال کلیسا؛ از اصلاحات عمده جمهوری دوم به شمار می آید.

این دوره کوتاه در تاریخ اسپانیا را باید عصر طلایی شکوفایی دموکراسی در این کشور دانست. متأسفانه، تند روی های جمهوریخواهان به ویژه در انجام اقدامات ضدّ مذهبی، موجب کاهش محبوبیت شان در میان مردم عادی و از دست دادن پشتیبانی توده ای شد. نیروهای جمهوری، علاوه بر گنجاندن موادی کاملاً ضدّ کلیسائی و ضدّ مذهبی در قانون اساسی سال ۱۹۳۱ - که جمهوری دوم را، جمهوری همه کارگران می نامید- حتّی در نقاط بسیاری از جمله در خود مادرید، تندیس های حضرت مسیح را از کلیسا ها بیرون آوردند و با بستن به پشت جیب، آن ها را در خیابان ها بر روی زمین کشیدند. و یا شمایل های مقدّس را در ملاء عام و در جلو چشم مردم آتش زدند و کلیسا ها را طعمه حریق ساختند.

روز ۱۸ ژوئیه ۱۹۳۶، عدّه ای از نظامیان مأمور خدمت در افریقا که مخالف حکومت نیرو های چپ بودند، به فرماندهی ژنرال فرانسیسکو فرانکو و با حمایت کلیسای کاتولیک و پشتیبانی سایر نظامیان ناراضی در دیگر نقاط کشور، علیه حکومت مرکزی قیام کردند.

از همین روز جنگ های داخلی اسپانیا که یکی از خون بار ترین جنگ های داخلی دنیا ست، آغاز شد. در طول سه سال جنگ داخلی، کشور های بلوک کمونیست، و احزاب چپ و روشنفکران کشورهای مختلف جهان، از «جبهه مردمی» (*El Frente Popular*)¹ که حزب طرفدار جمهوری بود، حمایت می کردند. در عوض مخالفان جمهوری که خود را «نیروی های ناسیونالیست» می نامیدند، مورد حمایت نظامی و عملی رژیم فاشیستی ایتالیا، و آلمان نازی قرار داشتند.

جنگ های داخلی، روز اول آوریل ۱۹۳۶، با پیروزی ارتش فرانکو به پایان رسید و جمهوری دوم شکست خورد.

با روی کار آمدن رژیم دیکتاتوری فرانکو، همه قوانین و از جمله قانون اساسی زمان جمهوری، باطل اعلام شد. خود فرانکو، متنی را به عنوان قانون اساسی به تصویب رساند و آن را به رفراندوم عمومی گذاشت.

با آغاز زمامداری فرانکو، جامعه اسپانیا به دو بخش «خودی» و «غیر خودی» تقسیم شد. «غیر خودی ها» عبارت بودند از هواداران رژیم سابق، سُرُخ ها (اعم از سوسیالیست ها، کمونیست ها و تمامی نیروهای چپ)، روشنفکران و دگراندیشان، فراماسون ها، یهودی ها، کولی ها و هم جنس گرایان، که از همه آنان به عنوان «دست نشانندگان فریب خورده دشمن خارجی» یاد می کردند. در همان آغاز حکومت فرانکو، بسیاری از نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران اسپانیایی، راه دیار غربت در پیش گرفتند و تتی چند هم که ماندند یا روانه زندان شدند و یا در جلو جوخه های اعدام تیرباران شدند. در نبود ای افراد چنان لطمه ای بر پیکر نظام آموزشی و دانشگاهی کشور وارد شد، که تا کنون پس از گذشت بیش از ۲۵ سال، هنوز نتوانسته است کمر راست کند.

یکی از ارکان پایداری رژیم فرانکو، «جنبش ملی» نام داشت که حزب فالانژ و بسیجی های ملی - سندیکائی (تتها حزب مجاز دولتی) نیز جزو آن بود. اعضای «جنبش» و «بسیجی ها» که معمولاً پیراهن سرمه ای تیره بر تن می کردند اهرم اصلی سرکوب مخالفان رژیم بودند. آنان با حمله به دانشجویان و به هم ریختن کلاس های درس و کتک زدن معلم های بخت برگشته دانشگاه ها، وفاداری خود را به «مقام معظم

¹ - سیاست مدار ایرانی، شادروان دکتر شاپور بختیار در زمان دانشجویی در پاریس، از هواداران این جبهه بوده است و تتی چند از کمونیست های ایرانی نیز در دفاع از آن، جان خود را از دست داده اند.

رهبری» و «نظام» ابراز می کردند. این جوانان «پر شور»، «ایثار گر» و «همیشه در صحنه» که اکثراً به چاقو و زنجیر و چماق مسلح بودند، هر جا که فرانکو و یا یکی از سران رژیم سخنرانی می کردند، با سر دادن فریاد های «فرانکو، فرانکو» و «زنده باد اسپانیا»، به قول خود لوزه بر اندام دشمنان رژیم می انداختند. دشمنانی که فقط ساخته و پرداخته ذهن رهبران رژیم بودند و دیگر حضوری فیزیکی در جامعه نداشتند. این «عاشقان سینه چاک شهادت» و «ره روان راستین راه رهبری» با سر دادن شعار بی معنی «زنده باد مرگ^۲» و خواندن سرود «محبوب منی ای مرگ^۳» هر چه را که به تشخیص خود، مخالف نظام تشخیص می دادند، می کوفتند و می سوختند و نا بود می کردند.

زندان ها پر شد از زندانیان سیاسی و دانشگاه ها و مراکز آموزشی مملو از مأموران پنهان و آشکار دستگاه و گماشتگان آن ها. جوخه های اعدام نیز بدون توجه به اعتراض های بین المللی به کار خود ادامه می داد. تا جائیکه در آخرین تیر باران های رژیم، فرانکو، حتی دستور داد تلفن پاپ را هم که می خواست وساطت کند به محل اقامت او وصل نکنند.

در همین سال ها، کشورهای دیگر اروپایی که ویرانه های ناشی از جنگ دوم جهانی را بازسازی کرده بودند، به سرعت در راه پیشرفت و ترقی پیش می رفتند. نخستین سنگ بنای «اتحادیه اروپا» گذاشته شده بود ولی اسپانیا در اثر تحریم ها و انزوای بین المللی با فقر و جهل و عقب ماندگی دست و پنجه نرم می کرد؛ و اگر سفر آیزنهاور و کمک مالی امریکا به آن نبود، وضعی به مراتب اسفناک تری پیدا می کرد.

در طول سالهای حکومت فرانکو، خانواده سلطنتی اسپانیا، به حالت تبعید در پرتغال و ایتالیا به سر می برد و اجازه بازگشت به اسپانیا را نداشت. **دون خوان د بوربون کنت پارسلون** (*Don Juan de Borbón Conde de Barcelona*)، پدر پادشاه کنونی هر چند در آغاز «قیام»، حمایت خود را از آن اعلام کرد، ولی تقاضایش پذیرفته نشد و تا پس از مرگ فرانکو اجازه آمدن به اسپانیا را پیدا نکرد.

در سال ۱۹۴۸ طبق توافقی که بین خانواده سلطنتی و حکومت فرانکو به عمل آمد، فرانکو اجازه داد که پادشاه فعلی برای انجام

^۲ - ¡Arriba España!

^۳ - ¡Viva la Muerte!

^۴ - Soy novio de la muerte.

تحصیلات اسپانیایی ولی بدون داشتن اجازه مداخله در امور سیاسی به این کشور بیاید.

فرانکو در طول حکومت خود، نه خود را رئیس جمهور می دانست و نه پادشاه، بلکه عنوان رسمی وی عبارت بود از: «فرانسیسکو فرانکو بامونده، رهبر اسپانیا، رئیس کل کشور، بزرگ ارتشتاران فرمانده ارتش های میهن». که بر روی سکه های او، به دنبال عنوان های بالا، عبارت «تحت توجهات الهی» نیز اضافه می شد. سران رژیم بار ها در سخنرانی ها و نوشته های خود پا را از این نیز فراتر نهاده و او را به مقام «قدیسی» و حتی شبه خدائی نیز رسانده اند.

فرانکو، جز یک دختر، فرزند دیگری نداشت و با نزدیک شدن سال های پایانی زندگی او، بر نگرانی سران رژیم برای گزینش جانشینی برای «مقام رهبری» و ادامه عمر نظام افزوده می شد.

سرانجام پس از انجام مشورت های زیاد و به منظور جلوگیری از تجدید جنگ داخلی و کشت و کشتار های دوباره، مجلس نمایندگان در جلسه ای در سال ۱۹۶۹ تصمیم گرفت، اعلیحضرت **خوان کارلوس** را که در آن هنگام عنوان «شاهزاده آستوریاس»^۵ را داشت، به جانشینی فرانکو بر گزینند.

انتخاب اعلیحضرت خوان کارلوس از یک سو مورد بد بینی نیروهای چپ (که او را ادامه دهنده راه فرانکو تصور می کردند) و از طرفی دیگر مورد مخالفت فرماندهان ارتش و سیاستمداران قدیمی رژیم قرار داشت. آنان دریا سالار **لونیس کاررو بلانکو** (Luis Carrero Blanco) از فرماندهان قدیمی نیروی دریائی، که خود را از هواداران راستین مقام رهبری و دنباله رو راه او می دانست، و رئیس دولت و مورد اعتماد فرانکو هم بود، برای جانشینی شایسته تر می دانستند.

تیمسار منزل تشریف دارند؟

کاررو بلانکو (Luis Carrero Blanco) روز ۲۰ دسامبر ۱۹۷۳ (درست دو سال پیش از مرگ فرانکو) طی یک عمل بسیار سنجیده و پیچیده تروریستی جان خود را از دست داد. او که هر روز پیش از رفتن به دفتر نخست وزیری برای نماز و انجام فرائض مذهبی به کلیسائی واقع

⁵ - بخش دوم قانون اساسی دیده شود.

در نزدیکی محل کار خود می رفت، آن روز هم در داخل اتومبیل نخست وزیری به طرف کلیسا در حرکت بود که هرگز به آنجا نرسید. تروریست ها از چند روز پیش، از داخل مغازه ای، تونلی در زیر خیابان محل آمد و شد کاررو پلاتکو حفر و مقدار زیادی مواد منفجره در آن جا سازی کرده بودند. آنان به طور دقیق پیش بینی همه چیز را کرده بودند. چند گونی شنی پشت جعبه های مواد منفجره قرار می دهند که جلو عقب زنی موج انفجار را بگیرد و اتومبیلی را هم درست در آن سوی خیابان و رو به روی مغازه دوبله پارک می کنند، تا اتومبیل حامل کاررو پلاتکو موقع عبور از آن جا، از راه خود منحرف شود و درست از روی تونل محل مواد منفجره بگذرد. آن ها حتی یکی از کارکنان کلیسا را نیز مسلح کرده بودند که در صورت عمل نکردن مواد منفجره، پلاتکو را در آن جا ترور کند.

دو نفر که لباس کار کارگران شرکت تلفن را بر تن داشتند و به نظر می رسید که مشغول تعمیر خطوط تلفن هستند، موقع عبور اتومبیل نخست وزیر با اتصال سیم ها، چاشنی را منفجر می کنند. حفره بزرگی در وسط خیابان ایجاد می شود و گرد و غبار زیادی به هوا بر می خیزد. مأموران محافظی که در داخل یک اتومبیل اسکورت در پشت سر حرکت می کردند، پس از فرو نشستن گرد و غبار، چون اثری از اتومبیل نخست وزیر نمی بینند به خانه او تلفن می کنند و می پرسند: "تیمسار منزل تشریف دارند؟". در همین موقع راهبه ای به اداره پلیس تلفن می کند و خبر می دهد که اتومبیلی در بالکن طبقه سوم ساختمانی واقع در محل انفجار در حال سوختن است.

در آن موقع سازمان «اِتا» (ETA) مسئولیت انفجار را به عهده گرفت. ولی با توجه به ابعاد این عمل و با در نظر گرفتن اوضاع اجتماعی و قدرت پلیسی رژیم در آن موقع، مشکل می توان قبول کرد که «اِتا» در آن زمان، توان و ابزار انجام چنین کاری را داشته باشد.

هر چند برخی قتل کاررو پلاتکو را به «کا گ ب» و یا سازمان «سیا» نسبت داده اند، ولی پس از گذشت سی سال، به نظر این جانب و برخی دیگر از کسانی که در این زمینه تحقیق کرده اند، نشانه هایی از دست داشتن عوامل خود رژیم در طرح ریزی و انجام این عمل تروریستی به چشم می خورد.

⁶ - مخفف Euskadi Ta Askatasuna که به باسکی یعنی «آزادی برای سرزمین باسک»، که سازمانی به همین نام است.

ترور کاررو بلانکو بزرگترین ضربه را بر رژیم فرانکو وارد کرد.

فرانکو مُرد!

دو سال بعد، در روز ۲۰ نوامبر ۱۹۷۵، کارلوس آریاس ناواررو (Carlos Arias Navarro)، نخست وزیرى که به جای کاررو بلانکو به این سمت برگزیده شده بود، در جلو میکروفون های رادیو و دوربین تلویزیون قرار گرفت و با صدائی لرزان گفت:
- "Franco ha muerto" (فرانکو مرد!).

البته فرانکو چندین روز پیش مرده بود، ولی رژیم اعلام مرگ او را تا روز بیستم نوامبر عقب انداخت تا تاریخ مرگ او با سال روز تیر باران خوسه آنتونیو^۷، بنیان گذار حزب فالانژ و بسیجی های اسپانیا (یعنی ستون فقرات رژیم فرانکو) یکی باشد، که همین طور هم شد. فرانکو، در طول زندگی نظامی خود، فرماندهی بود به تمام معنی نابغه که جوان ترین ژنرال ارتش های اروپا نیز به شمار می آید^۸. او تمامی درجات نظامی را از زمان دانشجویی در دانشکده افسری با ابراز لیاقت، یکی پس از دیگری طی کرد. در زندگی شخصی نیز مردی بود به تمام معنی پاکدامن و به دور از هر گونه آلودگی. انسانی بود مؤمن، متعهد و مذهبی که هرگز نماز روزانه و عبادتش حتی در جبهه های نبرد هم، ترک نشد. دیناری از خزانه اسپانیا را صرف تجملات شخصی خود و خانواده اش نکرد. ولی همکاری او با رژیم فاشیستی ایتالیا و رژیم هیتلری، بستن دهان ها و شکستن قلم ها، فراری دادن مغز ها و حکم های اعدامی که در کمال خون سردی و پس از صرف قهوه بعد از ناهار امضاء می کرد، او را به شخصیتی مبدل کرد، که تاریخ اسپانیا و جهان به خوبی از او یاد نکند. ایکاش در امور سیاسی دخالت نمی کرد و باعث چهل سال اختناق و عقب ماندگی کشور نمی شد. فرانکو در دره شهدا و در مقبره ای که در زمان حیاتش برایش در پای صلیبی بلند و بد قواره که به دست زندانیان سیاسی و به یاد جان

⁷ - José Antonio Primo Rivera، بنیاد گذار حزب فالانژ اسپانیا و رهبر بسیجی های این کشور، به جرم بر هم زدن نظم عمومی توسط جمهوری خواهان دستگیر و روز ۲۰ نوامبر ۱۹۳۶ (سال اول آغاز جنگ داخلی) در زندان آلیکانته تیر باران شد.

⁸ - در ۳۴ سالگی درجه سرتیپی گرفت.

باختگان راه وطن، ساخته شده، در کنار آرامگاه خوسه آنتونیو به خاک سپرده شد.

دو روز پس از مرگ فرانکو، اعلیحضرت **خوان کارلوس اول** با حضور در پارلمان و پس از ادای سوگند در برابر نمایندگان ملت، به عنوان پادشاه اسپانیا، زمام اداره امور کشور را در دست گرفت.

پادشاهی خوان کارلوس اول

کارلوس آریاس ناواررو که دو روز پیش، مرگ فرانکو را اعلام کرده بود، روز ۲۲ نوامبر ۱۹۷۵ دوباره در برابر میکروفون ها قرار گرفت و گفت:

" **جلوس خوان کارلوس بوربون و بوربون** را به عنوان **خوان کارلوس اول**، پادشاه اسپانیا اعلام می دارم."

و بدینسان دوره ای نوین، حساس و پر فراز و نشیب در تاریخ معاصر اسپانیا آغاز گردید. ولی همان طوریکه در بالا اشاره کردم، گروه های چپ، پادشاه را ادامه دهنده راه فرانکو، و بسیاری از فرماندهان ارتش نیز او را فردی فاقد شایستگی برای جانشینی می دانستند.

از این تاریخ به بعد رفته، رفته تبعیدیان و پناهندگان اسپانیا، در میان بُهت و نا باوری، شروع به بازگشت کردند و بسیاری از آنان پس از نزدیک به چهل سال دوری از وطن، دوباره به خاک اسپانیا قدم نهادند. قلم های شکسته بار دیگر جان گرفتند، روزنامه ها و کتاب های تازه در پشت ویترین روزنامه فروشی ها و کتابفروشی ها به روی رهگذران لیخنند زدند و دهان های بسته، توانستند آزادی را فریاد بزنند. در آن خزان سرد سال ۱۹۷۵ از دامنه های پوشیده از برف **پیرینه** تا کرانه های گرم **جزایر قناری**، همه جا گل های آزادی شکفت و یک ماه و ده روز پس از درگذشت دیکتاتور، فرارسیدن سال جدید را مردم در پای کاج های رهائی و در پرتو شمع های آزادی جشن گرفتند.

آغاز دوره انتقالی

هنوز بیست و پنج روز از آغاز سال ۱۹۷۶ نگذشته بود، که برای نخستین بار پس از جمهوری دوم، انتخابات آزاد شهرداری ها برگزار شد. اندکی بعد، پادشاه، آقای **آدولفو سوارز (Adolfo Suárez)** را که سیاستمداری میانه رو بود، به پیشنهاد شورای سلطنت به نخست وزیری

برگزید و به دنبال آن فرمان عفو عمومی در باره زندانیان سیاسی صادر شد. **آدولفو سوارز** از همان لحظه اول تمامی سعی خود را بر روی انجام انتقالی آرام از دیکتاتوری به دموکراسی و به دور از اقدامات هیجان زده، معطوف کرد. خود او حزبی به نام «اتحاد میانه رو دموکراتیک» (UCD) تشکیل داد، که در انتخابات عمومی سال بعد برنده شد. به منظور بازسازی ساختار ارتش و نیروهای مسلح و جلوگیری از بروز حرکت های پیش بینی نشده، **سوارز** یکی نظامیان خوش نام ارتش به نام **مانوئل گوتیه رز میادو** (Manuel Gutiérrez Mellado) را، که درجه سر لشگری داشت به سمت معاونت خود برگزید. این شخص در نهایت شایستگی توانست در سطح ارتش و پلیس دست به تغییرات دامنه داری بزند. ولی همانطوری که در صفحات بعد ملاحظه خواهیم کرد، نظامیان هوادار رژیم سابق که جز فرانکو کسی را به فرماندهی خود نمی پذیرفتند، دنبال فرصت مناسبی می گشتند تا ضربه ای کاری بر پیکر این دموکراسی نو پا وارد سازند. قانونی اعلام شدن حزب کمونیست توسط مجلس، می توانست بهانه خوبی در دست آنان باشد.

از جمله اقدامات فراموش نشدنی دیگر **آدولفو سوارز**، تقدیم لایحه انجام «اصلاحات سیاسی» بود که به تصویب پارلمان رسید و به فراندن عمومی گذاشته شد. پارلمانی که هنوز چند ماهی به پایان عمر آن باقی بود و اعضای آن در زمان فرانکو و با تأیید صلاحیت سازمان های امنیتی آن رژیم انتخاب شده بودند.

قانون «اصلاحات سیاسی»، در ماه ژانویه ۱۹۷۷ به مرحله اجرا در آمد. و به دنبال آن در تابستان همان سال اولین انتخابات عمومی آزاد برای انتخاب سناتور ها و اعضای مجلس نمایندگان برگزار شد. احزاب عمده ای که در این انتخابات، کاندیدا های خود را به مجلس فرستادند عبارت بودند از: «حزب کمونیست اسپانیا» (PCE) به رهبری آقای **سانتیاگو کارریو** (Santiago Carrillo)، حزب «سوسیالیست کارگری» (PSOE) به رهبری آقای **فلیپه گونزالس** (Felipe González)، حزب دست راستی و دارای تمایلات فرانکیستی «اتحاد مردمی» (Alianza Popular) به رهبری آقای **مانوئل فراگا** (Manuel Fraga)، که در دولت های فرانکو دارای پست های مهم سفارت و وزارت بوده است، و بالأخره حزب راست میان رو موسوم به «اتحاد میانه رو دموکراتیک» (UCD) به رهبری خود آقای **آدولفو سوارز**.

پس از انجام انتخابات و افتتاح پارلمان، مجالس جدید قانونگذاری، تنظیم یک قانون اساسی را برای مشخص کردن شکل حکومت جدید اسپانیا، در صدر فعالیت های خود قرار دادند.

قانون اساسی جدید اسپانیا

یک کمیسیون پارلمانی متشکل از شش تن از حقوق دانان برجسته اسپانیا به پیشنهاد احزاب دارای کرسی، مأمور تنظیم متن پیش نویس قانون اساسی شد. این عده دو متن متفاوت را آماده کرد و برای تصویب تقدیم مجلس نمایندگان نمود. قانون اساسی حاضر اسپانیا که به باور بسیاری از استادان حقوق، یکی از جامع ترین قوانین اساسی دنیا است، محصول تلاش و دانش و از خود گذشتگی همین گروه شش نفره می باشد که از آنان به عنوان «پدران قانون اساسی» یاد می شود. این گروه علیرغم تفاوت های ایدئولوژیک موجود در میان خود (از نماینده حزب کمونیست گرفته تا حزب کاملاً دست راستی «اتحاد مردمی»)، با گذشت و فداکاری توانستند در باره یک متن پیشنهادی جهت تسلیم به مجلس به توافق برسند.

قانون اساسی فعلی اسپانیا، سرانجام پس از ۳۱۰۰ اصلاحیه وارد بر آن، روز ۳۱ اکتبر ۱۹۷۸ به تصویب مجالس قانونگذاری رسید و پس از تأیید ملت اسپانیا در فرآیند روز ۶ دسامبر و به دنبال توشیح پادشاه، روز ۲۹ دسامبر همان سال^۹ در روز نامه رسمی کشور منتشر شد و از همان روز قدرت اجرایی پیدا کرد.

امسال مصادف است با بیست و پنجمین سالگرد تصویب قانون اساسی اسپانیا. به همین مناسبت برنامه های ویژه ای در سراسر اسپانیا برگزار می شود و من هم با استفاده از همین فرصت، ترجمه فارسی آن را تقدیم خوانندگان فارسی زبان می کنم.

در عرض این بیست و پنج سال، قانون اساسی و دموکراسی اسپانیا، خطر های زیادی را از سر گذرانده است که مهم ترین آنها کودتای ۲۳ فوریه ۱۹۸۱ بود.

^۹ - برابر با ۲۸ آذر ماه ۱۳۵۷.

آن شب هولناک و دهشت‌زا

همانطوری که قبلاً اشاره کردم، هواداران رژیم فرانکو، به ویژه فرماندهان ارتش که از برقراری دموکراسی و آزادی احزاب سیاسی، دل‌خوشی نداشتند، دنبال فرصت مناسبی می‌گشتند تا ضربه مهلکی بر پیکر این رژیم دموکراتیک نوپا وارد سازند.

بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۳ فوریه ۱۹۸۱ (برابر با چهارم اسفند ۱۳۵۹) مراسم برگزاری جلسه‌ای از مجلس نمایندگان به صورت مستقیم از شبکه‌های سراسری تلویزیون پخش می‌شد. در آن جلسه قرار بود که آقای **لئوپولدو کالوو سوتلو** (Leopoldo Calvo Sotelo) به عنوان رئیس جدید دولت و به جای آقای **آدولفو سوارز** تقاضای رأی اعتماد بکند.

درست رس ساعت شش و بیست دقیقه، یک گردان ژاندارم (که در اسپانیا «گارد سیویل» نام دارد) به فرماندهی سرهنگ دوم **آنتونیو ته‌خه‌رو** (Antonio Tejero) پارلمان را به اشغال خود در آورد. سرهنگ مزبور، هفت تیر به دست پشت تریبون مجلس قرار گرفت و با لحنی خشن و تهدیدآمیز فریاد زد: "ساکت! همگی زمین گیر بشوید، گفتم همگی...".

تمامی نمایندگان و سایر افراد حاضر در جلسه در زیر کرسی‌های مجلس قایم شدند جز دو نفر. یکی از آن‌ها آقای **سانتیاگو کارریو** رئیس حزب کمونیست بود که می‌دانست در صورت پیروزی کودتا، بلافاصله تیر باران خواهد شد و دیگری ژنرال **گوتیه‌رر میادو** بود که نمی‌خواست از زیر بار مسئولیتی که در برابر تاریخ بر عهده گرفته بود شانه خالی کند.

ژنرال **مانوئل گوتیه‌رر میادو** (Manuel Gutiérrez Mellado) که با لباس شخصی در جلسه پارلمان حضور داشت با پرخاش به نظامیان فریاد زد: "جای شما اینجا نیست، بروید بیرون...". یکی از آن‌ها با او گلاویز شد و او و **آدولفو سوارز** را که به دفاع از او برخاسته بود بر روی پیش‌خوان یکی از کرسی‌های مجلس انداخت. نفر دیگر با مسلسل دستی چند تیر به سقف پارلمان شلیک کرد. در این هنگام سروانی پشت تریبون رفت و اعلام کرد که تحولاتی در جریان است و یکی از مقامات ذیربط - که البته نظامی خواهد بود - به زودی مراتب را به اطلاع ملت خواهد رساند.

تمامی نمایندگان ملت و وزراء و همه مسئولان طراز اول کشور و رهبران احزاب سیاسی به گروگان گرفته شده بودند. همان موقع معاونان وزارت خانه‌ها در غیاب وزراء و به منظور جلوگیری از ایجاد خلأ در اداره مملکت، کابینه‌ای اضطراری تشکیل دادند.

چند لحظه بعد یکی از رادیو های محلی خبر داد، که شهر والنسیا (واقع در یکی از ایالات شرقی اسپانیا) به اشغال تانک های ژنرال خایمه میلانس دل بوش (Jaime Milans del Bosch)، فرمانده یک واحد موتوریزه از سپاه شرق، در آمده است. خود او طی اعلامیه ای که از رادیو والنسیا پخش شد، از مردم عادی خواست که از تشکیل اجتماعات خود داری کنند و به پرسنل نظامی نزدیک نشوند.

همه چیز از وقوع یک کودتای نظامی تمام عیار خبر می داد. ساعتی بعد، روز نامه «ال پائیس» (El País) که صبح ها منتشر می شود، فوق العاده ای بیرون داد و از مردم خواست که صفوف خود را فشرده تر سازند. اندکی بعد شبکهء سراسری رادیویی کشور برنامه های عادی خود را قطع کرد و شروع به پخش موسیقی معمولی نمود. تلویزیون هم یک فیلم سینمایی عادی را به آنتن برد. ولی پیش از اشغال استودیو های مرکزی تلویزیون توسط دو نفر بر زرهی، چند تن از کارکنان آن توانسته بوده بودند به موقع یک فرستندهء سیار را به خارج از محوطه منتقل کنند. رفته، رفته ارتباطات تلفنی نیز در بسیاری از نقاط مادرید مختل شد. با تاریک تر شدن هوا، خیابان ها به سرعت از جمعیت و وسائله نقلیه خالی می شد و کسی نمیدانست چه اتفاقی دارد می افتد.

حدود ساعت هشت شب، من هم یک تاکسی کرایه کردم و راهی منزل شدم. رانندهء تاکسی گفت که من، آخرین مسافر ش بودم و پس از پیاده کردن من، او هم راهی خانه اش می شد تا به همراه خانواده اش چشم به راه حوادث بنشیند. وقتی که به خانه رسیدم تنی چند از جوانان همسایه را دیدم که با چشمان گریان دم در ایستاده بودند. یکی از آنها که با من دوستی داشت و می دانست که من به رادیو های خارجی گوش می کنم، همراه سه تن دیگر به آپارتمان من آمدند. به رادیو های فرانسه گوش کردیم ولی آن ها هم اطلاعی بیشتر از ما از رویداد های مادرید نداشتند. رادیو «بی بی سی» در اخبار ساعت نه فقط اعلام کرد که پارلمان اسپانیا به اشغال گروهی شبه نظامی در آمده است. معلوم می شد که خبرنگار آن رادیو، اونیفورم ژاندارم های اسپانیا را با اونیفورم اعضای حزب فالانژ عوضی گرفته است. کسی هم از درون مجلس خبر نداشت و معلوم نبود چه بلایی بر سر رهبران سیاسی کشور و نمایندگان ملت آمده است. لحظه ها به کندی و با دلهره می گذشت. هر کدام از جوانان حاضر ابراز عقیده ای می کرد. ولی کسی در بارهء وقوع کودتا تردیدی نداشت.

نشست آن روز مجلس نظر به اهمیتی که داشت، به طور زنده از تلویزیون پخش می شد و مردم ورود آن سر هنگ هفت تیر به دست را به

آن جا و قرار گرفتن او در پشت تریبون را به چشم خود دیده بودند. آن ها می دانستند که واحد ژاندارم از وفادارترین واحد ها، در بین نیروهای مسلح، به ژنرال فرانکو بود. تنها مایه دل خوشی ما در سکوت آن شب تاریک و خوفناک این بود، که از هیچ نقطه ای از پایتخت شلیک تیر به گوش نمی رسید و صدای رفت و آمد آمبولانس ها هم شنیده نمی شد. سکوتی مرگبار بر آسمان ابری مادرید حکمفرما بود و تلفن ها همچنان کار نمی کرد.

تلویزیون، فیلم سینمایی تازه ای روی آنتن برده بود و ما عقبهه رادیو را از روی فرستنده ای به فرستنده دیگر می لغزاندیم. حدود ساعت ده و نیم شب یکی از فرستنده های غیر دولتی محلی مطلبی پخش کرد که باعث دلهرهء بیشتر شد. ژنرال میلانس دل پوش از دستور پادشاه برای بازگرداندن تانک ها به پادگان هایشان سر پیچی کرده بود. عده ای از بسیجی ها و اعضای حزب فالانژ هم - به قول همان رادیو - در جلو مجلس جمع شده بودند و با دادن سلام فاشیستی و خواندن سرود های مخصوص به خود، نظامیانی را که پارلمان را در محاصره و اشغال خود داشتند تشویق می کردند. یکی از بچه های حاضر در منزل من که پدرش تازه از تبعید ۳۵ ساله در فرانسه به وطن بازگشته بود، تیر باران او را در صورت پیروزی کودتا قطعی می دانست. به دنبال حرف آن جوان، بچه های دیگر هم شروع کردند به تعریف کردن خاطرات وحشتناکی که از بزرگتر های خود در باره جنگ های داخلی و جنایات رژیم فرانکو شنیده بودند.

هنوز چند ماه بیشتر از ورود من به اسپانیا نمی گذشت و معلومات اسپانیایی من متأسفانه در آن حد نبود که بتوانم در بحث هایشان شرکت کنم. ولی هر طوری بود به آن ها حالی کردم که من به پیروزی کودتا امیدوار نبودم. وقتی که دلیل مرا پرسیدند، توانستم توضیح دهم که در کودتا های نظامی، معمولاً نیروی هوایی دست بالا را دارد. من اضافه کردم که ما از زمان اشغال پارلمان تا آن لحظه دیر وقت از شب، شاهد پرواز هیچ هواپیمایی در آسمان مادرید نبوده ایم. به آن ها گفتم اگر چند هواپیما و حتی چند هلیکوپتر تانک های کودتاچیان را در والنسیا به گلوله ببندند و یا بر روی پارلمان چتر باز پیاده کنند، نظامیان اشغالگر کاری نمی توانند بکنند. وانگهی همان طوریکه آن فرستنده محلی دارد می گوید ژاندارم ها غیر از سلاح کمربندی و مسلسل دستی کوچک، سلاح دیگری برای دفاع از خود در اختیار ندارند. مگر آن ها می توانند تمامی ۳۵۰ نفر نمایندگان مجلس و سایر اعضای دولت را در یک شب اعدام کنند. و

بعد مثال هائی از کودتای شیلی، کودتای نظامیان ترکیه، کودتای های وحشیانه عراق و ... و ... برایشان تعریف کردم و اضافه کردم بر فرض هم اگر کودتا پیروز شود، کدام کشور در موقعیت فعلی بین المللی حکومت روی کار آمده از طریق آن کودتا را به رسمیت خواهد شناخت؟ حرف های من باعث دلگرمی بچه شد.

همه ما ساکت چشم به صفحه تلویزیون دوخته بودیم. بعد از چند دقیقه فیلمی که از تلویزیون پخش قطع شد. حدود ساعت یک و نیم بامداد بود. چند لحظه بعد، ناگهان پادشاه اسپانیا در حالیکه اونیفورم فرماندهی گل قوا را بر تن داشت، بر صفحه تلویزیون ظاهر شد. او اعلام کرد که حرکت انجام شده مورد تأیید او نیست و خطاب به افراد نیروهای مسلح گفت که مطیع قانون باشند.

کودتا شکست خورد و بار دیگر دموکراسی پیروز گردید.¹⁰ معلوم شد بچه هائی که آن فرستنده سیار را از مرکز تلویزیون خارج کرده بودند، آن را به کاخ محل اقامت پادشاه برده بودند و او از طریق آن فرستنده سیار و با همکاری سایر بر و بچه ها در قسمت فنی توانست پیام خود را به گوش ملت برساند.

مداخله به موقع پادشاه در شکست کودتا و نجات دوباره کشور از چنگال دیکتاتوری و اقدامات بعدی او در چهارچوب اختیار اتی که قانون اساسی به او داده است، و همچنین احترام به دیگر نهاد های مملکتی و نیروهای سیاسی، موجب شد که اسپانیا در مدت زمان کوتاهی به صورت یکی از چند کشور بسیار پیشرفته دنیا در آید.

- اصلاح تشکیلات اداری کشور در تمامی سطوح.
- اصلاح و توسعه سیستم بیمه های اجتماعی، برقراری و بهبود حقوق ایام بیکاری و بازنشستگی، اصلاح امور بهداشتی و تندرستی (ماده ۴۱).

¹⁰ - تا ساعت دوازده روز بعد همه نظامیانی که کاخ مجلس را در اشغال خود داشتند، خود را تسلیم کردند، بی آنکه قطره ای خون از دماغ کسی بریزد و یا کسی در صدد انتقام جویی از آن ها بر آید. مدتی بعد فقط آمران و عاملان مستقیم کودتا، خلع درجه و برخی از آن ها به مجازات زندان محکوم شدند. کسی اعدام نشد و آخرین آن ها که همان سرهنگ دوم ته خه رو بود دو سال پیش، پس از پایان دوران محکومیت از زندان آزاد شد. در باره این کودتا، گفتنی های نا گفته زیادی هست که علاقمندان می توانند تفصیل آن و تفصیل رویداد هائی که در این گفتار به آن ها اشاره شده است در کتاب «تاریخ معاصر اسپانیا» تألیف این جانب که به زودی منتشر می شود، مطالعه کنند.

- اعطای خود مختاری به هفده ایالت و دو شهر و انتقال اختیارات حکومت مرکزی به آن ها، در موارد ضروری و مُشَخَّص در قانون اساسی، با به رسمیت شناختن آموزش و استفاده از زبان های محلی در محدوده آن ایالات (مواد ۲ و ۳).
- ممنوعیت اعمال سانسور بر مطبوعات و سایر رسانه های اطلاع رسانی (جز به هنگام برقراری وضعیتی فوق العاده و حکومت نظامی) (ماده ۵۵).
- تضمین آزادی بیان و اندیشه به معنای وسیع کلمه (ماده ۲۰).
- ممنوعیت تشکیل دادگاه های ویژه (مانند دادگاه ویژه روزنامه نگاران، دادگاه ویژه روحانیت و غیره) (ماده ۲۶ و بند ۶ از ماده ۱۱۶).
- نبودن مذهبی به عنوان مذهب رسمی کشور و آزادی کلیه مذاهب و انجام فرائض مذهبی برای پیروان تمامی ادیان در حد مجاز و نیاز (ماده ۱۶).
- ممنوعیت استفاده از شکنجه و اعمال تحقیرآمیز و موهن در مورد افراد بازداشتی و زندانی (ماده ۱۵).
- لغو مجازات اعدام (حتی در زمان جنگ) (ماده ۱۵).
- تشکیل نهاد مدعی اعمام با انتخاب پارلمان به منظور نظارت بر رعایت حقوق شهروندان توسط مأموران دولتی و سایر مسئولان اداره مملکت در سراسر کشور (ماده ۵۴).
- آزادی تشکیل سندیکا های کارگری و حق عضویت در آن ها با در نظر گرفتن محدودیت های مربوط به عضویت پرسنل نظامی و انتظامی، قضات و برخی از صاحبان مشاغل معدود دیگر به منظور حفظ بی طرفی و به خاطر مسئولیت ویژه آنها (مواد ۷ و ۲۸ و ۱۲۷).
- به رسمیت شناختن حق اعتصاب به منظور دفاع از حقوق کارگری (بند ۲ از ماده ۲۸).
- تفکیک کامل قوای مملکتی و تعیین و تحدید وظایف هر یک از آن ها.
- استقلال کامل قوه قضائیه و قضات شاغل در تمامی سطوح قضائی.

- تعیین وظایف افراد در دفاع از کشور و به هنگام بروز سوانح و فاجعه های عظیم طبیعی و غیر طبیعی.
- تصویب بعدی قانون لغو انجام خدمت نظام وظیفه (به هر نحو و شکلی)، و تشکیل ارتشی نوین و حرفه ای، که هم اکنون در اکثر نقاط بحرانی جهان (از بوسنی، افغانستان و عراق گرفته تا کشورهای امریکای لاتین و افریقا) حضوری مؤثر دارد.
- توسعه شبکه راه های زمینی و راه آهن و فرودگاه ها و بنادر.
- اعطای استقلال و آزادی عمل به شهرداری ها و انجمن های شهر در چهار چوب مُشَخَّص در قانون اساسی.
- آزادی تعلیم و تربیت، آزادی آموزش دانشگاهی و اجباری و رایگان بودن آموزش ابتدائی (ماده ۲۷).
- توسعه روابط بین المللی و حضور مؤثر در مجامع جهانی.
- تساوی کامل حقوق زن و مرد در تمامی مشاغل کشوری و لشکری.
- تساوی کامل همه افراد اسپانیائی از هر مقام و موقعیت فردی و اجتماعی در برابر قانون (ماده ۱۴).
- حمایت از حقوق همه کودکان متولد در اسپانیا، اعم از اینکه ثمره ازدواج باشند و یا نباشند (بند ۴ از ماده ۳۹).

همه آن چه که به طور مختصر در سطور بالا اشاره شد و بسیاری موارد دیگر جملگی از مواهبی است که قانون اساسی فعلی اسپانیا نصیب مردم این کشور ساخته است و خوانندگان می توانند متن کامل آن را در صفحات بعد مطالعه کنند.

در باره ترجمه فارسی قانون اساسی

ارائه ترجمه رسمی قانون اساسی اسپانیا به زبان فارسی، به خاطر گنگ بودن و کلی گوئی متن اصلی (که از ویژگی ها و امتیازهای آن به شمار می آید)، و همچنین عدم وجود تشابه میان سیستم حقوقی کشورهای فارسی زبان (ایران، افغانستان و تاجیکستان) و سیستم حقوقی اسپانیا، کاری بود بس دشوار و پر مسئولیت، که خوشبختانه در حد مقدور موفق به انجام آن شدم. در ترجمه فارسی نهایت دقت و وسواس به عمل

آمده است تا ترجمه ای رسا و کامل تقدیم خوانندگان فارسی زبان و به ویژه حقوقدان محترم شده باشد. در همه موارد سعی شده است که پیوسته لفظ فدای معنا شود و از به کار بردن کلمات زائد و خارج از متن خودداری گردد و اگر در چند مورد ضرورت داشته است برای رسا بودن متن مواد قانون، واژه های اضافی در داخل [...] قید شده است. ازینرو، جای تعجب نخواهد بود، که قرائت و درک آن برای خوانندگان عادی، به ویژه کسانی که آشنا با اصطلاحات حقوقی نباشند، دشوار باشد. همان حالتی که خواننده عادی اسپانیائی نیز در قرائت متن آن به زبان اصلی دارد.

توضیحات اضافی مترجم که ربطی به متن قانون ندارد در قسمت پانویس صفحات با حرف «م.» مشخص شده است. هر جا که لازم بوده است، معادل واژه ها، عبارات و اصطلاحاتی که معادل دقیق فارسی نداشته اند، برای روشنی مطلب به فرانسه (F.) و حتی در صورت لزوم به انگلیسی (E.) نیز قید است.

به امید اینکه، متن حاضر مورد توجه استادان، دانشجویان و وکلای محترم قرار گیرد، از همه آنان استعفا دارم در صورت برخورد به مواردی در خور توضیح، بر بنده منت نهادن و آن را اطلاع دهند.

مادرید - رسول پدram

نشانی پست الکترونیکی: rpnuri@yahoo.es

فهرست مطالب

- **دبیاچه**
- **بخش مقدمه،** از ماده ۱ تا ماده ۹
- **بخش یکم -** در باره حقوق و تکالیف اساسی، از ماده ۱۰ تا ماده ۵۵
 - فصل یکم - در باره اسپانیایی ها و خارجیان
 - فصل دوم - در باره حقوق و آزادی ها
 - قسمت اول - در باره حقوق اساسی و آزادی های عمومی
 - قسمت دوم - در باره حقوق و وظایف شهروندان
 - فصل سوم - در باره اصول حاکم بر سیاست اجتماعی و اقتصادی
 - فصل چهارم - در باره تضمین های مربوط به آزادی ها و حقوق اساسی
 - فصل پنجم - در باره تعلیق حقوق و آزادی ها
- **بخش دوم -** در باره مقام سلطنت، از ماده ۵۶ تا ماده ۶۵
- **بخش سوم -** در باره مجالس قانونگذاری، از ماده ۶۶ تا ماده ۹۶
 - فصل یکم - در باره مجلس نمایندگان و مجلس سنا
 - فصل دوم - در باره تدوین قوانین
 - فصل سوم - در باره قرارداد های بین المللی
- **بخش چهارم -** در باره دولت و تشکیلات اداری کشور، از ماده ۹۷ تا ماده ۱۰۷

- * **بخش پنجم** - در باره روابط دولت با مجالس قانونگذاری، از ماده ۱۰۸ تا ماده ۱۱۶
- * **بخش ششم** - در باره قوه قضائیه، از ماده ۱۱۷ تا ماده ۱۲۷
- * **بخش هفتم** - اقتصاد و دارائی، از ماده ۱۲۸ تا ماده ۱۳۶
- * **بخش هشتم** - در باره تقسیمات و تشکیلات کشور، از ماده ۱۳۷ تا ماده ۱۵۸
 - فصل یکم - اصول کلی
 - فصل دوم - در باره شهرداری ها
 - فصل سوم - در باره ایالات خود مختار
- * **بخش نهم** - در باره دادگاه قانون اساسی، از ماده ۱۵۹ تا ماده ۱۶۵
- * **بخش دهم** - در باره اصلاح قانون اساسی، از ماده ۱۶۶ تا ماده ۱۶۹
 - * **ضمیمه الحاقی**
 - * **ضمیمه موقت**
 - * **ضمیمه الغائی**
 - * **ضمیمه نهائی**

قانون اساسی اسپانیا

قانون اساسی اسپانیا که در جلسه مشترک روز ۳۱ اکتبر ۱۹۷۸^{۱۱} به تصویب اعضای مجلس نمایندگان و سنا^{۱۲} رسیده بود، در فرآیند روز هفتم دسامبر همان سال مورد تأیید ملت قرار گرفت و پس از توشیح توسط اعلیحضرت خوان کارلوس اول، پادشاه این کشور، به مرحله اجرا گذاشته شد.

ما خوان کارلوس اول، پادشاه اسپانیا، به آگاهی همه آنان که این متن را دیده و آن را درک می کنند می رسانیم:
بدانید که قانون اساسی زیر به تصویب مجلسین و تأیید مردم اسپانیا رسیده است.^{۱۳}

دیباچه

ملت اسپانیا به منظور برقراری عدالت، آزادی، امنیت و حفظ منافع یکایک افراد آن، در راستای ایفای حق حاکمیت و استقلال، خواست خود را جهت نیل به مقاصد زیر اعلام می دارد:

¹¹ - برابر با نهم آبان ماه ۱۳۵۷ شمسی. م
¹² - *las Cortes* ، نظام پارلمانی اسپانیا از دو مجلس، یکی به نام *Cámara Baja* («مجلس نمایندگان» یا «مجلس شورا» یا «مجلس پائین») و دیگری *Cámara Alta* («مجلس سنا» یا «مجلس اعلا») تشکیل می شود که به مجموع آنها *las Cortes Generales* گفته می شود. م
¹³ - جمله ای است که به همین صورت از زمان های قدیم بر صدر قوانینی که به توشیح پادشاه می رسد، درج می شود. م

- تضمین همزیستی دمکراتیک تحت لوای قانون اساسی و سایر قوانین منطبق با یک نظام عادلانه اقتصادی و اجتماعی؛
- ایجاد حکومتی قانونمند که سلطهء قانون را به عنوان بیانگر ارادهء مردم تضمین کند؛
- حمایت از همهء افراد و خلق های اسپانیا در جهت برخورداری از حقوق انسانی، فرهنگ، سنن، زبان و نهاد های مربوط به خود؛
- کوشش در جهت اعتلای فرهنگی و اقتصادی به منظور تأمین زندگی بهتر برای همه؛
- ایجاد جامعه ای آزاد و پیشرفته؛
- تشریک مساعی در جهت تشبید روابط صلح آمیز و همیاری کارآمد در میان همهء مردم جهان؛

علیهذا مراتب زیر را مجلسین تصویب و مردم اسپانیا نیز تأیید می کند:

بخش مقدمه

مادهء ۱ - Artículo 1

بند ۱ - اسپانیا کشوری است دمکراتیک^{۱۴} و سوسیال^{۱۵} قانون مدار^{۱۶}، که آزادی، عدالت، برابری و کثرت گرائی سیاسی^{۱۷} در رأس ارزش های والای نظام حقوقی آن قرار دارد.

¹⁴ - بیش از هشت بار در متن قانون اساسی بر روی کلمهء «دمکراتیک» تأکید شده است که در متن فارسی نیز به منظور حفظ روح قانون به همین صورت تکرار گردید. در یک نظام دمکراتیک (مردم سالار) ارگان های سیاسی کشور، از طریق برگزاری انتخابات عمومی و با تضمین مشارکت تمامی شهروندان واجد شرایط، انتخاب و گمارده می شوند. م

¹⁵ - وابسته به طبقات و یا فعالیت های اجتماعی. به منظور احتراز از تعبیر های دلخواهی، این کلمه به همین صورت در متن فارسی نیز تکرار شد و نباید آن را با «کشور سوسیالیستی» اشتباه کرد. منظور از سوسیال بودن حکومت در اسپانیا، تأمین و تضمین و

بند ۲ - حاکمیت ملی منبعث از مردم اسپانیا است که قوای مملکت نیز از آن ناشی می شود.

بند ۳ - نظام سیاسی حکومتی اسپانیا، مشروطه سلطنتی است.

ماده ۲ - Artículo 2

قانون اساسی حاضر بر یکپارچگی بی چون و چرای کشور اسپانیا به عنوان سرزمین مشترک و لایتجزای همه مردم آن مبتنی است که حق خود مختاری ملیت ها^{۱۸} و مناطق تشکیل دهنده آن را با حفظ همبستگی در میان آنها، به رسمیت شناخته و تضمین می کند.

ماده ۳ - Artículo 3

بند ۱ - اسپانیایی کاستیانی^{۱۹} زبان رسمی کشور است. همه مردم اسپانیا وظیفه دارند که آن را فرا گرفته و حق استفاده از آن را داشته باشند.

ارائه خدمات اجتماعی (بهداشت عمومی، حقوق بازنشستگی، بیمه زمان بیکاری، مدد معاش خانواده، توسعه اشتغال و ...) می باشد و در عین حال برنامه های مربوط به توزیع منطقه ای و اجتماعی درآمد، از طریق اعمال سیاست های مالیاتی را نیز شامل می شود. م

¹⁶ - مشخصات اساسی یک حکومت قانون مدار عبارت است از:
- ملزم و مقید بودن مسئولان امور مملکتی (اعم از نظامی و غیر نظامی) به اطاعت از قانون.

- تفکیک قوای مملکت.
- به رسمیت شناختن حقوق و آزادی های فردی و برقراری تضمین های لازم برای حمایت از آن ها. م

¹⁷ - *Pluralismo político*: عقیده مثبتی بر لزوم دخالت کلی و عملی موسسات و مجامع غیر حکومتی (اعم از مذهبی، اجتماعی و سیاسی) در اداره امور کشور. م
¹⁸ - از آن جهت در این جا از کلمه «ملیت» استفاده شده است که برخی از ایالت های خود مختار کنونی، در گذشته کشوری دارای حکومت مستقل بوده اند. در حال حاضر، هفده ایالت خود مختار و دو شهر خود مختار در اسپانیا وجود دارد. م

¹⁹ - *Castellano*: از این زبان در متون قدیم و زبان عربی به عنوان زبان «قشتاله ای» یاد شده است. طبق قانون، در ایالت های خود مختار دارای زبان محلی، شهروندان موقع مراجعه به و یا مکاتبه با ادارات تابع حکومت مرکزی مستقر در ایالت خود مختار،

بند ۲ - دیگر زبان های اسپانیایی نیز در ایالات خود مختار مربوط به خود و بر اساس منشور خود مختاری آن ایالت ها به رسمیت شناخته می شود.^{۲۰}

بند ۳ - گنجینه غنی زبان های مختلف اسپانیا، میراثی است فرهنگی که مورد توجه و حراست خاص قرار خواهد گرفت.

ماده ۴ - Artículo 4

بند ۱ - پرچم اسپانیا از سه قسمت افقی به رنگ های سُرُخ و زرد و سُرُخ تشکیل می شود که پهنای قسمت زرد آن دو برابر قسمت های سُرُخ رنگ است.

بند ۲ - در منشور خودمختاری ایالات، می توان نوع درفش مربوط به هر ایالت را مشخص کرد. این درفش ها، در کنار پرچم اسپانیا در ساختمان های دولتی و هنگام برگزاری مراسم رسمی به اهتزاز در می آید.

ماده ۵ - Artículo 5

شهر مادرید پایتخت کشور است.

ماده ۶ - Artículo 6

می توانند از زبان محلی خود و یا زبان رسمی کشور استفاده کنند، و مسئولان اداری تابع حکومت مرکزی نیز موظف هستند به زبان انتخابی شهروند، پاسخگو باشند. چنانچه در امری اداری که طرف های ذیربط متعددی وجود داشته و توافقی در مورد انتخاب زبان وجود نداشته باشد، از زبان رسمی کشور استفاده می شود. در صورتی که امری اداری به مناطقی خارج از ایالت خود مختار مربوط باشد، اسناد و مدارک به زبان رسمی کشور، تنظیم و یا ترجمه خواهد شد. م

²⁰ - این زبان ها عبارتند از: کاتالان (Catalán)، باسکی (Vasco)، گالیسیایی (Gallego) و والنسیایی (Valenciano). م

احزاب سیاسی، مظهر کثرت گرائی^{۲۱} سیاسی هستند که به شکل گیری و تجلی اراده ملی کمک می کنند و وسیله ای مؤثر جهت مشارکت در شئون سیاسی به شمار می آیند. تشکیل احزاب و فعالیت آنها به شرط احترام به قانون اساسی و سایر قوانین، آزاد است. ساختار درونی و عملکرد احزاب باید دمکراتیک باشد.

ماده ۷ - Artículo 7

اتحادیه های کارگری و انجمن های صنفی کارفرمایان به حفظ و توسعه منافع اقتصادی و اجتماعی مربوط به خود کمک می کنند. تشکیل و فعالیت این مؤسسات به شرط احترام به قانون اساسی و قوانین، آزاد است. ساختار درونی و عملکرد این گونه مؤسسات باید دمکراتیک باشد.

ماده ۸ - Artículo 8

بند ۱ - نیروهای مسلح متشکل از نیروی زمینی، دریایی و هوایی مأموریت حفظ حاکمیت و استقلال اسپانیا را عهده دار بوده و مدافع تمامیت ارضی و نظام مشروطه آن می باشند.

بند ۲ - قانونی ارگانی^{۲۲} میان تشکیلات نظامی را در محدوده اصول قانون اساسی حاضر مشخص خواهد کرد.

ماده ۹ - Artículo 9

بند ۱ - شهروندان و مسئولان اداری مملکتی ملزم به رعایت قانون اساسی و سایر قوانین می باشند.

²¹ - *Pluralismo*

²² - عمداً به صورت " قانون بنیادی " ترجمه نشده است چون « قانون ارگانی » (*ley orgánica*) از اصطلاحات جدیدی است که همراه با قانونی اساسی حاضر وارد فرهنگ حقوقی اسپانیا شده است. منظور از « قوانین ارگانی » آن دسته از قوانینی هستند که عمدتاً ناظر بر حقوق اساسی و آزادیهای فردی بوده و تصویب، تغییر و فسخ آن مستلزم احراز رأی اکثریت مطلق مجلس نمایندگان می باشد. متن ماده ۸۱ دیده شود. در صفحات بعدی در باره رأی اکثریت مطلق و ساده توضیح داده خواهد شد. م

بند ۲ - ایجاد شرایط لازم جهت تحقق آزادی و برابری فردی و گروهی، رفع موانع و دشواری های موجود بر سر راه تحقق آن ها و تسهیل مشارکت همه شهروندان در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به عهده مسئولان اداری مملکت است.

بند ۳ - قانون اساسی ضامن اصل قانون مندی، رعایت سلسله مراتب قانونی، علانیت قوانین، عطف به ما سبق نکردن مصوبات نامطلوب و یا محدود کننده حقوق فردی، امنیت قضائی، و پاسخگویی مسئولان اداری مملکتی و منع تفسیرهای متناقض از قوانین و انجام اقدامات خودسرانه از ناحیه آنان می باشد.

بخش یکم **درباره حقوق و تکالیف اساسی**

ماده ۱۰ - Artículo 10

بند ۱ - شرافت فردی، حقوق ذاتی و غیر قابل تخطی انسانی، پرورش آزادانه شخصیت، احترام به قانون و حقوق دیگران، مبانی نظام سیاسی و امنیت اجتماعی را تشکیل می دهد.

بند ۲ - اصول مربوط به حقوق اساسی و آزادی های تصریح شده در قانون اساسی بایستی در چهار چوب اعلامیه جهانی حقوقی بشر و معاهدات و مقاله های نامه های بین المللی مربوطه و مورد تأیید اسپانیا، تأویل و تفسیر گردد.

فصل اول **در باره اسپانیایی ها و خارجیان**

ماده ۱۱ - Artículo 11

بند ۱ - تابعیت اسپانیایی به موجب قانون، کسب، حفظ و سلب می شود.

بند ۲ - هیچ فرد اسپانیایی الاصل را نمی توان از تابعیت خود محروم کرد.

بند ۳ - دولت می تواند معاهداتی در مورد تابعیت مضاعف با کشور های امریکای لاتین و یا کشورهای که دارای پیوند های ویژه ای با اسپانیا بوده اند، منعقد سازد. چنانچه اصل معامله به مثل در این کشور ها به رسمیت شناخته نشده باشد، اتباع اسپانیایی می توانند بدون از دست دادن تابعیت اسپانیایی خود تابعیت این کشور ها را کسب کنند.^{۲۳}

ماده ۱۲ - Artículo 12

اتباع اسپانیایی^{۲۴} در ۱۸ سالگی به سن قانونی می رسند.

ماده ۱۳ - Artículo 13

بند ۱ - خارجیان، طبق این بخش از قانون اساسی و با توجه به مفاد ملحوظ در قوانین و پیمان های منعقد، از آزادی های عمومی در اسپانیا برخوردار خواهند بود.

بند ۲ - فقط اتباع اسپانیایی از حقوق ملحوظ در ماده ۲۳ بر خوردار خواهند بود، به استثنای موارد پیش بینی شده در معاهدات و قوانین مربوط به داشتن حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در انتخابات شهرداری ها و با توجه به اصل معامله به مثل.

بند ۳ - استرداد مجرمین فقط در چهارچوب پیمان های منعقد و طبق قانون و بر اساس اصل معامله به مثل، صورت خواهد گرفت. استرداد مجرمین شامل تخلفات سیاسی نبوده و اعمال تروریستی تخلف سیاسی محسوب نمی شود.

²³ - در حال حاضر کشور هایی که اسپانیا معاهده مربوط به تابعیت مضاعف با آن ها را امضاء کرده است، دوازده کشور هستند که عبارتند از: شیلی، پرو، پاراگوئه، نیکاراگوئه، گواتمالا، بلیوی، اکوادور، کستاریکا، هندوراس، جمهوری دومینیکن، آرژانتین و کلمبیا. م

²⁴ - اعم از زن و مرد. م

بند ۴ - شرایط و موارد مربوط به پناهندگی اتباع کشورهای دیگر و افراد فاقد تابعیت^{۲۵} را قانون مشخص می کند.

فصل دوم در باره حقوق و آزادی ها

ماده ۱۴ - Artículo 14

اتباع اسپانیایی، صرف نظر از منشاء تولد، نژاد، جنسیت، مذهب، طرز فکر و یا مقام و موقعیت فردی و اجتماعی؛ در برابر قانون یکسان بوده و نمی توان در حق آنان تبعیض قائل شد.

قسمت یک در باره حقوق اساسی و آزادی های عمومی

ماده ۱۵ - Artículo 15

تمامی افراد دارای حق حیات و برخورداری کامل از سلامت جسمی و روحی بوده و تحت هیچ شرایطی نمی توان آنان را مورد شکنجه، رفتار و یا مجازات های غیر انسانی و تحقیر آمیز قرار داد^{۲۶}. مجازات اعدام جز در موارد ملحوظ در آئین دادرسی کیفری نظامی مربوط به زمان جنگ، لغو می شود^{۲۷}.

ماده ۱۶ - Artículo 16

بند ۱ - آزادی عقیده، مذهب، عبادت و مراعات شعائر مذهبی افراد و جوامع در حد مجاز و بدون هیچگونه محدودیتی، تضمین می شود به شرط اینکه محل نظم عمومی تصریح شده در قانون نباشد.

²⁵ *Apartida = F. Apatride = E. Stateless*

²⁶ - مجازات ترذیلی. م

²⁷ - بعد ها طبق قانونی که به تصویب رسید، این مورد نیز ملغی شد، و در حال حاضر در هیچ موردی اعم از زمان جنگ و یا صلح مجازات اعدام در اسپانیا وجود ندارد. م

بند ۲ - کسی را نمی توان در مورد مذهب، باور و اعتقادات شخصی مجبور به اعتراف کرد.

بند ۳ - مذهبی، به عنوان مذهب رسمی کشور وجود ندارد. مسئولان اداری مملکتی مکلف به رعایت باورهای مذهبی جامعه اسپانیایی بوده و معاضدت های لازم را با کلیسای کاتولیک و سایر ادیان و مذاهب به عمل خواهند آورد.

ماده ۱۷ - Artículo 17

بند ۱ - برخورداری از آزادی و امنیت حق هر فردی است. نمی توان کسی را از حق آزادی محروم ساخت، مگر در چهار چوب مفاد ماده حاضر و در موارد و به آنحاء تصریح شده در قانون.

بند ۲ - مدت زمان بازداشت های احتیاطی نبایستی مشخصاً از مدت زمان لازم برای انجام بازجویی های ضروری برای کشف حقیقت، بیشتر باشد؛ در غیر این صورت فرد بازداشتی باید حداکثر در عرض هفتاد و دو ساعت (۷۲ ساعت) آزاد شده و یا به مقامات قضائی تحویل گردد.

بند ۳ - حقوق فرد بازداشتی و علل دستگیری وی، بی آنکه مجبور به اعتراف باشد می بایست در اسرع وقت به او ابلاغ و به زبانی قابل درک به وی تفهیم اتهام گردد. حق برخورداری از وکیل توسط فرد بازداشتی چه در زمان بازجویی در دواير شهرداری و یا در طول انجام باز پرسى قضائى، طبق قانون تضمین می شود.

بند ۴ - نحوه رسیدگی به وضع فردی که بازداشت خود را غیر قانونی می داند^{۲۸}، به منظور تحویل سریع به مقامات قضائی، قانون ویژه

28 - *habeas corpus*، دستوری است که دادگاه به زندان محل توقیف زندانی ای که توقیف خود را غیر قانونی می داند، می دهد مُشعر بر اینکه وی را در محضر دادگاه جهت رسیدگی به ادعایش حاضر کنند. چنین موردی در حقوق ایران وجود ندارد. م

ای مُشَخَّص خواهد کرد. در ضمن، حداکثر مدت زمان زندان موقت را نیز قانون معین می کند.

ماده ۱۸ - Artículo 18

بند ۱ - شرف و حفظ آسرار فردی و خانوادگی و آبروی شخصی تضمین می شود.

بند ۲ - حریم مسکن از تعرض مصون است. نمی توان بدون رضایت صاحب و یا ساکن آن، به خانه ای وارد شد و آن را مورد بازرسی قرار داد، مگر در حین زمان وقوع جرم و یا به حکم دادگاه.

بند ۳ - حفظ آسرار ارتباطی، به ویژه در مورد ارتباطات پستی، تلگرافی و تلفنی تضمین می شود، مگر به حکم دادگاه.

بند ۴ - قانون ویژه ای حدود استفاده رایانه ای، به منظور تضمین شرافت فردی و خانوادگی شهروندان و برخورداری کامل از حقوق آنان را مُشَخَّص خواهد کرد.

ماده ۱۹ - Artículo 19

تمامی افراد اسپانیایی در انتخاب محل سکونت آزاد بوده و حق دارند که آزادانه در داخل کشور رفت و آمد نمایند.
در همین حال افراد اسپانیایی حق دارند که آزادانه و در محدوده قانون به اسپانیا وارد و یا از آن خارج شوند. به خاطر انگیزه های سیاسی و یا عقیدتی نمی توان استفاده از این حق را محدود کرد.

ماده ۲۰ - Artículo 20

بند ۱ - حقوق زیر به رسمیت شناخته شده و از آنها حمایت می شود:

الف) حقّ نشر و ترویج آزادانه اندیشه، عقیده و بیان، در قالب کلمات، به صورت کتبی و یا به هر وسیله ارتباطی و انتشاراتی دیگر.

ب) حقّ تولید و آفرینش های ادبی، هنری، علمی و فنی

ج) حقّ آزادی آموزش در دانشگاه

د) حقّ مبادله و دریافت آزادانه اطلاعات متعارف از طریق هر گونه وسیله ارتباطی و یا رسانه ای؛ حدود رعایت مسئولیت های فردی و اسرار حرفه ای در ارتباط با استفاده از این حقوق را قانون تعیین می کند.

بند ۲ - بر خورداری از این حقوق را با اعمال هیچ گونه سانسوری نمی توان محدود نمود.

بند ۳ - ساختار سازمانی و همچنین نحوه نظارت پارلمانی بر رسانه ها و یا هر سازمان [رسانه ای] دولتی دیگر را قانون مشخص کرده و دسترسی تمامی گروه های مهم سیاسی و اجتماعی به این رسانه ها را تضمین می کند^{۲۹}؛ به شرط رعایت اصل کثرت گرائی در جامعه و در چهار چوب زبان های مختلف موجود در اسپانیا.

بند ۴ - این آزادی ها محدود است به احترام به حقوق شناخته شده در این فصل از قانون اساسی، مقررات ناظر بر اجرای آن ها، علی الخصوص حقوق مربوط به احترام به شرافت، اسرار و آبروی شخصی و حمایت از کودکان و جوانان.

بند ۵ - توقیف نشریات، و سایر آثار تصویری و یا صوتی اطلاع رسانی فقط به دستور دادگاه امکان پذیر است.

ماده ۲۱ - Artículo 21

29 - تمامی احزاب مهم سیاسی دارای کرسی در پارلمان، نماینده و یا نمایندگانی در هیأت مدیره سازمان رادیو تلویزیون ملی اسپانیا دارند. م

بند ۱ - حق تشکیل اجتماعات و گردهم آیی های آرام و بدون حمل سلاح، به رسمیت شناخته می شود. تشکیل چنین اجتماعاتی به کسب مجوز قبلی نیازی ندارد.

بند ۲ - برای برگزاری اجتماعات و تظاهرات در معابر عمومی، مراتب باید قبلاً به اطلاع مسئولان امر رسیده باشد. فقط زمانی می توان از برگزاری چنین اجتماعات و تظاهراتی جلوگیری کرد که متضمن خطری جدی از نظر اختلال در نظم عمومی و یا علیه افراد و یا اموال باشد.

ماده ۲۲ - Artículo 22

بند ۱ - حق تشکیل جمعیت و انجمن ها به رسمیت شناخته می شود.

بند ۲ - تشکیل جمعیت و انجمن ها با هدف ارتکاب جرم و یا با استفاده از وسایلی که آلت جرم تشخیص داده شده باشد، غیر قانونی است.

بند ۳ - جمعیت و انجمن هایی که طبق مفاد ماده حاضر تشکیل می شوند فقط به منظور آگاهی از موجودیت خود، باید به ثبت برسند.

بند ۴ - فقط به حکم دادگاه می توان جمعیت و انجمنی را منحل و یا فعالیت آن را به حالت تعلیق در آورد.

بند ۵ - ایجاد جمعیت و انجمن های سری و یا شبه نظامی ممنوع است.

ماده ۲۳ - Artículo 23

بند ۱ - مشارکت در امور دولتی، به طور مستقیم و یا از طریق نمایندگان که آزادانه و طی انتخابات عمومی ادواری انتخاب شده باشند، حق افراد کشور است.

بند ۲ - همچنین افراد کشور حق دارند که در شرایط مساوی و طبق موازین قانونی، در پست های دولتی انجام وظیفه کرده و به مقامات دولتی نائل آیند.

ماده ۲۴ - Artículo 24

بند ۱ - هر کسی حق دارد که در ایفای حقوق و منافع خود زیر چتر حمایت مؤثر قضات و دادگاه ها قرار گیرد و در هیچ موردی بلا دفاع نماند.

بند ۲ - علیهذا، مراجعه به قاضی عادی مشخص شده در قانون، حق برخورداری از وکیل مدافع، آگاهی از اتهامات وارده، شرکت در محاکمات بدون اتلاف وقت و با استفاده از کلیه تضمینات لازم، ارائه ادله و شواهد لازم به منظور دفاع از خود، عدم اعتراف بر محکومیت خود، و مشمول اصل برائت بودن؛ حق تمامی افراد است. مواردی کیفری را که الزاماً به خاطر دلائل مربوط به قرابت خانوادگی و یا حفظ اسرار شغلی نتوان در آن ادای توضیحات علنی کرد، قانون مشخص می کند.

ماده ۲۵ - Artículo 25

بند ۱ - کسی را نمی توان به خاطر انجام و یا عدم انجام عملی که در لحظه وقوع، طبق قوانین جاری، جرم، جنحه و یا تخلف اداری محسوب نمی شود، مجرم شناخت و یا جریمه کرد.

بند ۲ - مجازات محرومیت از آزادی و یا برقراری اقدامات تأمینی باید در جهت باز آموزی و تربیت اجتماعی بوده و نمی تواند شامل انجام کارهای اجباری^{۳۰} گردد. فردی که دوران محکومیت زندان را می گذراند از تمامی حقوق اساسی موضوع این بخش از قانون اساسی بر خوردار خواهد بود به جز در مورد محدودیت های مقرر و تصریح شده در رأی صادره، نفس و نوع محکومیت و یا قانون مربوط به زندان ها.

³⁰ - اعمال شاقه. م

بند ۳ - ادارات غیر نظامی دولتی نمی توانند مجازاتی را که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم محدود کننده آزادی باشند، اعمال کنند.

ماده ۲۶ - Artículo 26

تشکیل دادگاه های ویژه در محدوده ادارات غیر نظامی دولتی و سازمانهای صنفی ممنوع است.^{۳۱}

ماده ۲۷ - Artículo 27

بند ۱ - هر کسی حق تحصیل دارد. آزادی آموزش و تحصیل به رسمیت شناخته می شود.

بند ۲ - پرورش کامل شخصیت انسانی بر اساس احترام به اصول دموکراتیک مربوط به همزیستی و سایر حقوق و آزادی های اساسی هدف اصلی آموزش و پرورش خواهد بود.

بند ۳ - مسئولان اداری مملکتی^{۳۲} موظف به کمک به والدین اطفال در جهت کسب تعالیم مذهبی و اخلاقی طبق اعتقادات شناخته شده آنان خواهند بود.

بند ۴ - آموزش ابتدائی، اجباری و رایگان خواهد بود.

بند ۵ - دولت موظف است که حق تمامی افراد را جهت کسب تعلیم و تربیت از طریق برنامه های عمومی آموزشی، مشارکت مؤثر بخش های ذینفع و تأسیس مراکز آموزشی تضمین نماید.

31 - از قبیل دادگاه ویژه روحانیت، دادگاه ویژه مطبوعات، دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم کارمندان دولت و... هر دادگاهی که منحصراً به منظور رسیدگی به جرائم و تخلفات طبقه و یا صنف خاصی تشکیل شود. م

32 - جز در موارد خاص، به مقام و یا سازمان دولتی مشخصی در قانون اساسی اشاره نشده است، بلکه همه جا عبارت «مسئولان اداری مملکتی» به کار رفته است که دارای معنای عام تری بوده و تمامی مسئولان اداری مملکتی از رئیس دولت گرفته تا یک کارمند ساده و اعم از نظامی و یا غیر نظامی را در بر می گیرد. م

بند ۶ - حقّ افراد حقیقی و حقوقی در تأسیس مؤسسات آموزشی به شرط احترام به اصول قانون اساسی، به رسمیت شناخته می شود.

بند ۷ - معلمان، اولیاء اطفال، و در برخی موارد خود محصلان نیز به کیفیتی که در قانون مُشَخَّص شده باشد، بر نحوه اداره و مدیریت مراکز آموزشی که با هزینه دولت تأسیس شده باشد، نظارت و در آن ها مباشرت خواهند کرد.

بند ۸ - مسئولان اداری مملکتی به منظور تضمین هماهنگی با قانون و استاندارد کردن آن، سیستم آموزشی را مورد بازبینی و ارزیابی قرار خواهند داد.

بند ۹ - مسئولان اداری مملکتی به مراکز آموزشی واجد شرایط قانونی مساعدت خواهند کرد.

بند ۱۰ - استقلال دانشگاه ها در چهار چوب قانون به رسمیت شناخته می شود.

ماده ۲۸ - Artículo 28

بند ۱ - عضویت آزادانه در اتحادیه های کارگری حق همه افراد است. محدودیت استفاده از این حق به خاطر مستثنی بودن افراد نیرو های مسلح، سازمان ها و یا دیگر نهاد های مشمول دیسپلین نظامی و همچنین شرایط استفاده از آن توسط مأموران دولتی را، قانون مُشَخَّص می کند. آزادی مربوط به اتحادیه های کارگری، تشکیل سندیکا، نمایندگی در سندیکای مورد انتخاب، حق سندیکا ها در ایجاد کنفدراسیون و ایجاد سندیکا های بین المللی و عضویت در آن ها را نیز شامل می شود. کسی را نمی به عضویت در سندیکائی مجبور کرد.

بند ۲ - حقّ اعتصاب به عنوان وسیله ای برای دفاع از منافع کارگری به رسمیت شناخته می شود. نحوه استفاده از این حق را با برقراری تضمین های دقیق و به منظور تأمین خدمات اساسی مورد نیاز جامعه، قانون مُشَخَّص می کند.

ماده ۲۹ - Artículo 29

بند ۱ - کلیه اتباع اسپانیایی، به صورت کتبی و یا به هر شکل دیگری که قانون مقرر کرده باشد، به طور فردی و یا گروهی حق داد خواهی دارند.

بند ۲ - پرسنل نیروهای مسلح و یا سازمان های مشمول مقررات نظامی تنها و به صورت انفرادی و طبق قوانین ویژه مربوط به خود می توانند از این حق بر خوردار باشند.

قسمت دوم در باره حقوق و وظایف شهروندان

ماده ۳۰ - Artículo 30

بند ۱ - تمامی افراد اسپانیایی حق و وظیفه دفاع از اسپانیا را دارند.

بند ۲ - تکالیف نظامی اتباع اسپانیایی با قید تضمین های لازم، از جمله امتناع از انجام خدمت زیر پرچم و همچنین سایر انواع معافیت از خدمت اجباری و جایگزینی خدمات اجتماعی به جای آن را قانون مشخص می کند.^{۳۳}

بند ۳ - می توان خدماتی اجتماعی با توجه به نیاز ها و منافع جامعه، جایگزین خدمت سربازی کرد.

بند ۴ - به هنگام بروز خطرات عظیم، سوانح و فاجعه های عمومی، وظایف شهروندان به موجب قانون مشخص می شود.

ماده ۳۱ - Artículo 31

³³ - از اول سال میلادی ۲۰۰۱ خدمت سربازی به هر شکل و کیفیتی در اسپانیا از بین رفت. م

بند ۱ - همهء افراد مکلفند که به تناسب استطاعت مالی خود، از طریق یک سیستم عادلانه مالیاتی و پیشرفته و مبتنی بر اصل مساوات که به هیچ وجه جنبهء اجحاف نداشته باشد، به تأمین هزینه های مملکت کمک کند.

بند ۲ - در آمد های دولت، به صورتی منصفانه و متوازن و با در نظر گرفتن منابع تحصیل آنها و بر مبنای معیارهای اقتصادی کار آمد، هزینه خواهد شد.

بند ۳ - فقط به موجب قانون می توان از دارائی های شخصی برای انجام مقاصد دولتی استفاده کرد.

ماده ۳۲ - Artículo 32

بند ۱ - هر زن و مردی در شرایط کاملاً مساوی حقوقی حق تشکیل خانواده دارد.

بند ۲ - نوع ازدواج، سن، و صلاحیت مربوط به عقد آن، حقوق و تکالیف هر یک از زوجین و موجبات طلاق و فسخ و تبعات آن را قانون مشخص می کند.

ماده ۳۳ - Artículo 33

۱ - حقوق مربوط به مالکیت شخصی و وراثت به رسمیت شناخته می شود.

۲ - اثرات اجتماعی این حقوق، طبق قانون مشخص کننده حدود محتوای آنها خواهد بود.

۳ - احدی را نمی توان از حق مالکیت اموال و حقوق خود محروم کرد مگر به دلیلی موجه برای استفاده عامه و یا منافع اجتماعی، در قبال پرداخت غرامت و به نحوی که قانون مشخص کرده باشد.

ماده ۳۴ - Artículo 34

بند ۱ - حق ایجاد مؤسسات عام المنفعه برای استفاده همگانی به نحوی که قانون معین کرده باشد، به رسمیت شناخته می شود.

بند ۲ - مفاد مُندَرَج در بند های ۲ و ۴ ماده ۲۲، شامل این گونه مؤسسات نیز می شود.

ماده ۳۵ - Artículo 35

بند ۱ - تمامی افراد اسپانیایی، موکلف به کار کردن بوده، و حق کار، انتخاب آزادانه حرفه و شغل، پیشرفت در مدارج شغلی و دریافت حقوق کافی برای رفع مایحتاج خود و خانواده خود را دارند، بی آنکه بتوان آن ها را به خاطر جنسیت^{۳۴} و نژاد مورد تبعیض قرار داد.

بند ۲ - قانونی، آئین نامهء کارگری^{۳۵} را تنظیم و به مرحلهء اجراء خواهد گذاشت.

ماده ۳۶ - Artículo 36

ویژگیهای حقوقی مربوط به هر یک از کانون های صنفی و شغلی^{۳۶} و حدود وظایف آنها را قانون مُشَخَّص می کند. ساختار درونی و طرز کار این گونه کانون ها باید دمکراتیک باشد.

ماده ۳۷ - Artículo 37

بند ۱ - حق مربوط به مذاکره و تهیه و تنظیم پیمان های جمعی کارگری توسط نمایندگان کارگران و کارفرمایان را قانون تضمین کرده و در عین حال حدود ظرفیت اجرائی پیمان های کارگری را نیز مُشَخَّص می کند.

34 - زن و مرد بودن. م

35 - قانون کار. م

36 - مانند کانون وکلاء، کانون نویسندگان و مانند آن. م

بند ۲ - حقّ مربوط به انجام اقدامات جمعی جهت رفع اختلاف میان کارگران و کارفرمایان به رسمیت شناخته می شود. قانون ناظر بر ایفای این حقّ صرف نظر از محدودیت هائی که ممکن است در این زمینه بر قرار کند، بایستی با دادن تضمین های دقیق، ضامن تداوم و تأمین خدمات اساسی مورد نیاز جامعه باشد.

ماده ۳۸ - Artículo 38

آزادی فعالیت شرکت ها در چهار چوب اقتصاد بازار آزاد، به رسمیت شناخته می شود. مسئولان اداری مملکتی با توجه به نیاز های اقتصاد عمومی و برنامه ریزی اقتصادی، فعالیت و قابلیت تولید این شرکت ها را تضمین و از آن ها حمایت خواهند کرد.

فصل سوم

در باره اصول حاکم بر سیاست اجتماعی و اقتصادی

ماده ۳۹ - Artículo 39

بند ۱ - مسئولان اداری مملکتی، ضامن حفظ حمایت اجتماعی، اقتصادی و قضائی از خانواده می باشند.

بند ۲ - کودکان، صرف نظر از نَسَب و قرابت خود با پدران و یا مادرانشان اعم از اینکه این مادران ازدواج کرده باشند و یا نه، با داشتن حقوق مساوی در برابر قانون، زیر پوشش حمایت کامل دولت قرار می گیرند. موارد مربوط به تحقیق در باره هم خونی پدری را قانون امکان پذیر می سازد.

بند ۳ - والدین اطفال موظفند، تا زمانی که کودکان به سن قانونی نرسیده اند و یا در سایر موارد قانونی دیگر، از بذل هیچ گونه مساعدت به آنان دریغ نوزند، اعم از اینکه این کودکان ثمره ازدواج باشند یا خیر.

بند ۴ - کودکان مشمول پیمان های بین المللی ناظر بر حقوق اطفال خواهند بود.

ماده ۴۰ - Artículo 40

بند ۱ - مسئولان اداری مملکتی شرایط مساعد لازم را برای توسعه اقتصادی و اجتماعی و به منظور توزیع کاملاً مساوی درآمد های شخصی و ناحیه ای در چهارچوب یک سیاست ثابت اقتصادی ، فراهم خواهند آورد.

بند ۲ - در همین حال، مسئولان اداری مملکتی موظف به تنظیم سیاستی جهت بازآموزی و کار آموزی حرفه ای بوده، و رعایت کافی ایمنی و بهداشت در محیط کار، تضمین استراحت لازم با محدود کردن ساعات کار، و برقراری تعطیلات ادواری توأم با حقوق و توسعه مراکز کاری را تضمین خواهند کرد.

ماده ۴۱ - Artículo 41

مسئولان اداری مملکتی سیستمی از بیمه های اجتماعی برای کلیه شهروندان به وجود خواهند آورد که استفاده از مساعدت و خدمات لازم اجتماعی را در حد نیاز، در موارد اضطراری و به ویژه در ایام بیکاری تضمین نماید. استفاده از بیمه ها و خدمات جنبی، آزاد خواهد بود.

ماده ۴۲ - Artículo 42

دفاع از حقوق اجتماعی و اقتصادی کارگران اسپانیائی در خارج از کشور مورد توجه خاص حکومت خواهد بود که سیاست خود را معطوف به بازگرداندن آنان خواهد نمود.

ماده ۴۳ - Artículo 43

بند ۱ - حق حفظ تندرستی به رسمیت شناخته می شود.

بند ۲ - سازمان دهی و نظارت بر بهداشت همگانی با انجام اقدامات پیشگیرانه و ارائه خدمات و بذل توجهات لازم در صلاحیت مسئولان اداری مملکتی است. حقوق و تکالیف همه را در این مورد، قانون مُشَخَّص خواهد کرد.

بند ۳ - مسئولان اداری مملکتی ضامن توسعه آموزش های بهداشتی و درمانی، تربیت بدنی و ورزش می باشند. همین مسئولان در ضمن، نحوه استفاده صحیح از اوقات فراغت را نیز تسهیل خواهند کرد.

ماده ۴۴ - Artículo 44

بند ۱ - مسئولان اداری مملکتی، دسترسی به فرهنگ را که حق همه است تسهیل، و بر آن نظارت خواهند کرد.

بند ۲ - مسئولان اداری مملکتی، موظف به توسعه علوم و انجام پژوهش های علمی و فنی عام المنفعه می باشند.

ماده ۴۵ - Artículo 45

بند ۱ - برخورداری از یک محیط زیست مناسب برای پرورش انسانی و حفاظت از آن حق همه است.

بند ۲ - مسئولان اداری مملکتی نظارت بر استفاده منطقی از تمامی منابع طبیعی به منظور حفاظت و بهبود کیفیت زندگی و دفاع و بازسازی محیط زیست با اتکاء به همیاری عمومی لازم را، عهده دار خواهند بود.

بند ۳ - متخلفین از مفاد بند فوق، در مواردی که قانون مُشَخَّص کرده باشد، به جزای کیفری و یا پرداخت جریمه محکوم شده و در صورت لزوم مجبور به جبران و تعمیر خسارات وارده خواهند گردید.

ماده ۴۶ - Artículo 46

حفاظت و غنی سازی میراث تاریخی، فرهنگی و هنری مربوط به خلق های اسپانیا و متعلقات آن را صرف نظر از وضع حقوقی و مالکیت آن ها، مسئولان اداری مملکتی تضمین می کنند. هر گونه اقدام در جهت تخریب و نابودی آنها، طبق قانون کیفری مشمول مجازات خواهد بود.

ماده ۴۷ - Artículo 47

تمامی اسپانیایی ها حق بر خورداری از یک مسکن مناسب و آبرومند را دارند. مسئولان اداری مملکتی شرایط لازم و مقررات مربوط به برخورداری از این حق را فراهم آورده و بر نحوه استفاده از زمین در جهت حفظ منافع عمومی و جلوگیری از سفته بازی نظارت خواهند کرد.

جامعه در ارزش افزوده حاصله از فعالیت های عمرانی سازمان های دولتی، سهم خواهد بود.

ماده ۴۸ - Artículo 48

مسئولان اداری مملکتی، شرایط لازم برای مشارکت مؤثر و آزادانه جوانان در توسعه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را فراهم خواهند آورد.

ماده ۴۹ - Artículo 49

مسئولان اداری مملکتی سیاستی در جهت پیشگیری، معالجه و توان بخشی افراد مبتلا به عقب ماندگی، نارسائی و یا ناتوانی جسمی و روحی با تمهید مراقبت های خاص مربوط به این گونه افراد، آنان را به منظور برخورداری از حقوق ملحوظ در این بخش برای سایر شهروندان، مورد حمایت ویژه قرار خواهند گرفت.

ماده ۵۰ - Artículo 50

مسئولان اداری مملکتی موظفند که حقوق بازنشستگی ایام پیری افراد سالمند را با انجام تجدید نظرهای ادواری و تأمین اعتبارات لازم مالی، تضمین نمایند. علاوه بر این، و جدا از تعهدات خانوادگی، این مسئولان از طریق ارائه خدمات اجتماعی مراقب مسائل خاص مربوط به تندرستی، مسکن، فرهنگ و اوقات آسایش سالمندان خواهند بود.

ماده ۵۱ - Artículo 51

بند ۱ - مسئولان اداری مملکتی دفاع از مصرف کنندگان و کاربران را تضمین کرده و با انجام اقدامات مؤثر، ایمنی، سلامت و منافع حقه اقتصادی آنان را مورد حمایت قرار خواهند کرد.

بند ۲ - مسئولان اداری مملکتی طبق موارد مشخص در قانون، به امر آموزش و اطلاع رسانی به مصرف کنندگان و کاربران توجه کرده، نهاد های مربوط به آنان را گسترش می بخشید و به مسائلی که ممکن است مبتلابه مصرف کنندگان و کاربران باشد، رسیدگی خواهند کرد.

بند ۳ - تجارت داخلی و سیستم صدور مجوز برای کالا های بازرگانی را، قانون در چهارچوب مفاد بند های فوق مشخص خواهد کرد.

ماده ۵۲ - Artículo 52

آن دسته از سازمان های حرفه ای که در جهت دفاع از منافع مخصوص به خود تأسیس می شوند، طبق قانون مشخص خواهد شد.

فصل چهارم

در باره تضمین های مربوط به حقوق و آزادی های اساسی

ماده ۵۳ - Artículo 53

بند ۱ - رعایت حقوق و آزادی های تصریح شده در فصل دوم بخش حاضر برای همه مسئولان اداری مملکت الزام آور است. فقط طبق

قانون، که در آن ماهیت این گونه حقوق و آزادی ها محترم شمرده شده باشد، می توان نحوه استفاده از این حقوق و آزادی ها را مشخص کرد که در تمامی موارد، مفاد ماده ۱۶۱، بند ۱ - الف؛ ناظر بر اجرای آن خواهد بود.

بند ۲ - تمامی شهروندان جهت استیفای حقوق و آزادی های تصریح شده در ماده ۱۴ و قسمت اول فصل دوم می توانند با مراجعه به دادگاه های عادی و با تشکیل پرونده ای که خارج از نوبت و در اسرع وقت به آن رسیدگی خواهد شد و یا با پژوهش خواهی از دادگاه قانون اساسی، دادخواهی کنند. رسیدگی به پرونده های مربوط به امتناع از انجام خدمت سربازی که در ماده ۳۰ به آن اشاره شده است در صلاحیت مرجع اخیرالذکر است.

بند ۳ - شناسائی، احترام و حمایت از اصول مصرح در فصل سوم حاکم بر قوانین جاری، رویه قضائی و عملکرد مسئولان اداری مملکت خواهد بود. این اصول فقط در چهار چوب قوانین خاص مفسر خود در دادگاه های عادی قابل طرح خواهند بود.

ماده ۵۴ - Artículo 54

قانونی آرگانی، تشکیلات و نحوه فعالیت نهاد مدعی العموم^{۳۷} را که به عنوان عالی ترین مرجع پارلمانی برای رسیدگی به شکایات شهروندان در دفاع از حقوق موضوع این فصل، و به منظور نظارت بر عملکرد تشکیلات اداری کشور در این رابطه، توسط پارلمان به این سمت گمارده شده و گزارشهای خود را تسلیم آن می کند؛ مشخص خواهد کرد.

فصل پنجم

در باره تعلیق حقوق و آزادی ها

ماده ۵۵ - Artículo 55

³⁷ Defensor del Pueblo

بند ۱ - حقوق تصریح شده در مواد ۱۷ و ۱۸؛ بند های ۲ و ۳؛^{۳۸} مواد ۱۹، ۲۰، بند های ۱ - الف) و د)^{۳۹}؛ و بند ۵؛ مواد ۲۱، ۲۸، بند ۲؛^{۴۰} و ماده ۳۷، بند ۲؛^{۴۱} می تواند به هنگام برقراری وضعیت فوق العاده و یا اعلام حکومت نظامی، در چهار چوب مفاد قانون اساسی، به حالت تعلیق در آید. مفاد بند ۳ از ماده ۱۷ در صورت برقراری وضعیت فوق العاده مشمول تعلیق نخواهد بود.

بند ۲ - یک قانون ارگانی نحوه و موارد مربوط به افراد معین، از نظر تعلیق حقوق تصریح شده در مواد ۱۷، بند ۲ و ماده ۱۸ بند های ۲ و ۳ را^{۴۲} و در ارتباط با تحقیقات در باره فعالیت باند های مسلح و عوامل تروریستی، با انجام مباشرت قضائی لازم و نظارت پارلمانی را مشخص خواهد کرد.

استفاده غیر موجه و سوء استفاده از اختیارات ملحوظ در چنین قانونی ارگانی و یا تجاوز به حقوق و آزادی های تصریح شده در قوانین، مسئولیت جنائی در بر خواهد داشت.

بخش دوم در باره مقام سلطنت

ماده ۵۶ - Artículo 56

بند ۱ - پادشاه رئیس کشور و مظهر وحدت و پایداری آن به شمار می آید. حکمیت و ایجاد تعادل در عملکرد عادی نهاد های مملکتی، نمایندگی اسپانیا در عالی ترین سطح در روابط بین المللی و به ویژه در میان کشورهای که پیوند های تاریخی مشترکی با اسپانیا داشته اند و انجام سایر اموری که قانون اساسی و دیگر قوانین مشخصاً به وی محول کرده باشد، از وظایف پادشاه است.

38 - ناظر بر حداکثر مدت زمان بازداشت موقت و اطلاع فوری از علل بازداشت. م

39 - ناظر بر آزادی رفت و آمد و آزادی اندیشه و آزادی ارتباطات و انتشارات. م

40 - آزادی اجتماعات و اعتصابات. م

41 - انجام مذاکرات مربوط به حل اختلافات بین کارگران و کارفرمایان. م

42 - ناظر بر مصونیت منازل و حفظ اسرار مکاتباتی. م

بند ۲ - پادشاه، عنوان «پادشاه اسپانیا»^{۴۳} را خواهد داشت ولی مشارالیه میتواند از سایر القاب و عناوین مربوط به مقام سلطنت نیز استفاده کند.

بند ۳ - شخص پادشاه از تعرض مصون و از مسئولیت مبرا است. بر اعمال پادشاه همیشه باید به نحوی که در ماده ۶۴ مشخص شده است صحه گذاشته شود، و بدون صحه، جز در مورد مفاد بند ۲ از ماده ۶۵ قابل تنفیذ نخواهد بود.

ماده ۵۷ - Artículo 57

بند ۱ - پادشاهی اسپانیا در میان اعقاب اعلیحضرت دون خوان کارلوس اول بوربون^{۴۴}، وارث بر حق این خاندان تاریخی^{۴۵}، موروثی

⁴³ *Rey de España*

⁴⁴ *Su Majestad Don Juan Carlos I de Borbón.*

⁴⁵ - خاندان بوربون از سال ۱۷۰۰ میلادی (برابر با ۱۰۷۹ هجری شمسی) تا کنون در اسپانیا سلطنت کرده است. علاوه بر اسپانیا و قسمت بزرگی از اروپا (فرانسه، ایتالیا و غیره) جزو قلمرو فرمانروایی این خاندان بوده است. آلفونسوی سیزدهم (*Alfonso XIII*)، پدر بزرگ پادشاه کنونی، به دنبال پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات ۱۲ آوریل ۱۹۳۱ و اعلام جمهوری دوم، مجبور به ترک اسپانیا شد. پس از سقوط جمهوری دوم و پایان جنگ های داخلی اسپانیا در سال ۱۹۳۶، ژنرال فرانسیسکو فرانکو (*General Francisco Franco*) تا بیستم نوامبر ۱۹۷۵ (زمان فوت او) به عنوان رهبر کشور و فرمانده کل قوا، زمام اداره اسپانیا را در دست داشت. هر چند مجالس قانونگذاری اسپانیا، پادشاه فعلی را در سال ۱۹۶۹ (که در آن هنگام لقب «شاهزاده آستوریاس» داشت)، به عنوان جانشین فرانکو انتخاب کرده بودند، ولی عملاً مارشال لوئیس کاررو بلانکو (*Luis Carrero Blanco*) جانشین مورد نظر فرانکو و ادامه دهنده راه او به شمار می آمد، ولی نامبرده در اثر سوء قصدی در بیستم دسامبر ۱۹۷۳ جان خود را از دست داد و با مرگ او عمر رژیم دیکتاتوری فرانکو هم به پایان رسید. پدر پادشاه کنونی، تنها پادشاهی در دنیا است که علیرغم برخورداری از تمامی حقوق پادشاهی، هرگز سلطنت نکرد. دو روز پس از مرگ فرانکو در بیستم نوامبر ۱۹۷۵، پادشاه کنونی به عنوان «پادشاه اسپانیا»، در برابر مجالس قانونگذاری سوگند وفاداری به جای آورد. برای توضیحات بیشتر، مقدمه مترجم دیده شود. م

است.^{۴۶} ترتیب جلوس بر تخت سلطنت بر حسب ارشادیت و هم خونی با پادشاه و به نحو زیر صورت می گیرد: فرزند اول مقدم بر فرزند دوم و پسر بزرگتر بر دختر بزرگتر ارجحیت خواهد داشت.

بند ۲ - ولیعهد از لحظه تولد و یا از زمانی که به این مقام منصوب می گردد، عنوان «شاهزاده آستوریاس» را^{۴۷} داشته و یا طبق سنت، از سایر القاب و یا عناوین مربوط به وارث تاج و تخت اسپانیا، برخوردار خواهد بود.

بند ۳ - در صورت مسدود بودن تمامی طرق قانونی برای انتخاب [جانشین]، مجلسین به گونه ای که منافع عمومی اسپانیا محفوظ بماند، تصمیم مقتضی را در این زمینه اتخاذ خواهند کرد.

بند ۴ - کسانی که دارای حق جانشینی بوده ولی علیرغم مخالفت صریح پادشاه و یا مجلسین، با کسی پیمان زناشویی ببندند، هم خود و هم اعقاب آنها از حق جانشینی محروم خواهند شد.

بند ۵ - تمامی شبّهات و مشکلات ناشی از کناره گیری و یا انصراف از حق جانشینی مقام سلطنت را، قانونی آرگانی حل خواهد کرد.

ماده ۵۸ - Artículo 58

ملکه مادر و یا همسر او غیر از وظایفی که قانون در مورد نیابت سلطنت به آنان محول کرده باشد نمی توانند عهده دار مسئولیت سلطنتی دیگری باشند.

ماده ۵۹ - Artículo 59

46 - در ضمن لازم به یاد آوری است که در اسپانیا، حزب جمهوری خواه هم وجود دارد که دارای نمایندگی نیز در پارلمان می باشد. م

47 - *Príncipe de Asturias*، «آستوریاس» نام ناحیه ای است در شمال اسپانیا که پیش از تشکیل پادشاهی اسپانیا دارای حکومت مستقل بوده و هرگز به تصرف اعراب و مسلمانان در نیامده است. قیام علیه سلطه اعراب نیز که سرانجام منجر به شکست مسلمانان و اخراج آنان از شبه جزیره ایبریا شد، از همین ناحیه آغاز گردید. م

بند ۱ - مادامی که پادشاه به سنّ رشد نرسیده باشد، پدر و یا مادر و یا یکی از خویشان بالغ و دارای حقّ بیشتر برای جانشینی، بلافاصله و به ترتیبی که قانون اساسی مُشَخَّص کرده است در زمان صغر سنّ پادشاه، مسئولیت نیابت سلطنت را عهده دار خواهد شد.

بند ۲ - در صورت انصراف پادشاه از تصدّی سلطنت و یا عدم توانائی او که به تأیید مجلسین رسیده باشد، ولیعهد در صورت بالغ بودن، بلافاصله عهده دار مقام نیابت خواهد شد. در غیر این صورت و تا رسیدن ولیعهد به سنّ قانونی، به ترتیبی که در بند قبل اشاره است عمل خواهد شد.

بند ۳ - در صورت نبودن کسی برای احراز مقام نیابت سلطنت، این مقام توسط مجلسین تعیین شده و متشکل از یک، سه و یا پنج نفر خواهد بود.

بند ۴ - برای احراز مقام نیابت سلطنت، فرد باید حتماً اسپانیائی بوده و به سنّ قانونی رسیده باشد.

بند ۵ - شخص نایب السلطنه طبق قانون اساسی و به نام پادشاه، انجام وظیفه خواهد کرد.

ماده ۶۰ - Artículo 60

بند ۱ - قیّم^{۴۸} پادشاه در مدّت صغر سنّ او، کسی خواهد بود که وی را پادشاه فقید در وصیّت نامه خود به این سمت گمارده باشد و باید شخصی بالغ و اسپانیائی الاصل باشد؛ چنانچه چنین شخصی مُشَخَّص نباشد، پدر و یا مادر پادشاه به شرط بیوه بودن عهده دار این سمت خواهند شد. در صورت فقدان چنین شخصی، پارلمان او را تعیین خواهد کرد؛ ولی فرد مزبور در آن واحد نمی تواند عهده دار مقام نیابت سلطنت نیز باشد؛ مگر در مورد پدر، مادر و یا یکی از اجداد مستقیم پادشاه.

48 - پیشکار، لله م.

بند ۲ - سمت قیمومیت پادشاه با داشتن هر پست دولتی و یا سیاسی انتخابی دیگری، منافات دارد.

ماده ۶۱ - Artículo 61

بند ۱ - پادشاه، پس از رسیدن به مقام سلطنت، با حضور در پارلمان ادای سوگند کرده و وفاداری به قانون اساسی و سایر قوانین و اجرای آنها و رعایت حقوق شهروندان و ایالات خود مختار را مُتعهد می شود.

بند ۲ - ولیعهد پس از رسیدن به سن قانونی و همچنین شخص و یا اشخاصی که به سمت نایب السلطنه انتخاب شده باشند نیز با اعلام وفاداری به پادشاه، همین مراسم سوگند را به جای خواهند آورد.

ماده ۶۲ - Artículo 62

تکالیف پادشاه عبارت است از:

- الف) توشیح و تنفيذ قوانین.
- ب) انحلال و انعقاد پارلمان و صدور دستور برگزاری انتخابات به صورت مقرر در قانون اساسی.
- ج) دستور برگزاری همه پرسی^۹، در موارد ملحوظ در قانون اساسی.
- د) پیشنهاد کاندیدای مقام ریاست دولت و عزل و نصب وی به ترتیب مقرر در قانون اساسی.
- ه) عزل و نصب اعضای دولت به پیشنهاد رئیس آن.
- و) تنفيذ مصوبات هیأت وزیران، اعطای مناصب و مشاغل لشکری و کشوری و اعطای مدال و نشان های افتخاری طبق قانون.
- ز) اطلاع از طرز اداره امور کشور و ریاست جلسات هیأت وزیران و شرکت در آن در صورت صلاحدید [پادشاه] و تقاضای رئیس دولت.
- ح) فرماندهی عالی نیروهای مسلح.

ط) برخورداری از حقّ عفو و بخشودگی طبق قانون، بدون داشتن حقّ اعطای عفو عمومی.
ی) ریاست عالیّه فرهنگستان های سلطنتی.

مادّه ۶۳ - Artículo 63

بند ۱ - تأیید استوارنامه های سفرا و سایر نمایندگان سیاسی به عهده پادشاه است. و نمایندگان سیاسی دولت های خارجی نیز استوارنامه های خود را به پادشاه تسلیم می کنند.

بند ۲ - وارد کردن اسپانیا در پیمان های بین المللی از طریق انعقاد قرارداد و طبق قانون اساسی و سایر قوانین از تکالیف پادشاه است.

بند ۳ - اعلان جنگ و انعقاد پیمان صلح، با تصویب قبلی مجلسین، به عهده پادشاه است.

مادّه ۶۴ - Artículo 64

بند ۱ - رئیس دولت و یا وزرای ذیربط بر اعمال پادشاه صحّه می گذرانند. پیشنهاد و نصب رئیس دولت و همچنین انحلال [مجلسین] در موارد ملحوظ در ماده ۹۹، باید با تأیید رئیس مجلس نمایندگان صورت بگیرد.

بند ۲ - مسئولیت ناشی از اعمال پادشاه، متوجّه وزرائی خواهد بود، که بر آن اعمال او صحّه گذاشته اند.

مادّه ۶۵ - Artículo 65

بند ۱ - پادشاه، میالغی را برای اداره امور خانه و خانواده خود، از بودجه کل کشور دریافت می کند که در صرف و خرج آن آزادی عمل خواهد داشت.

بند ۲ - پادشاه در عزل و نصب اعضای نظامی و غیر نظامی دربار سلطنتی، آزادی عمل دارد.

بخش سوم

در باره مجلس قانونگذاری^{۵۰}

فصل یکم

در باره مجلس نمایندگان و مجلس سنا^{۵۱}

ماده ۶۶ - Artículo 66

بند ۱ - مجلس قانونگذاری، نماینده مردم اسپانیا بوده و از دو مجلس نمایندگان^{۵۲} و سنا^{۵۳} تشکیل می شود.

بند ۲ - مجلس قانونگذاری، قوه مقننه کشور هستند که بودجه آن را به تصویب می رسانند، بر اعمال دولت نظارت می کنند و در عین حال از سایر اختیارات تصریح شده در قانون اساسی برخوردار می باشند.

بند ۳ - مجلس قانونگذاری از تعرض مصون هستند.

ماده ۶۷ - Artículo 67

بند ۱ - کسی نمیتواند در آن واحد عضو هر دو مجلس بوده و یا نمایندگی مجلس ایالتی و مجلس نمایندگان را هم زمان داشته باشد.

⁵⁰ *las Cortes Generales*

⁵¹ *las Cámaras*

⁵² *Cámara de los Diputados*

⁵³ *Senado*

بند ۲ - نمایندگان مجلسین تحت امر و نیابت اجباری^{۵۴} [کسی و یا نهادی] نخواهند بود.

بند ۳ - جلسات پارلمان که طبق نظام نامه منعقد نشده باشد، فاقد التزام و اعتبار پارلمانی خواهد بود.

ماده ۶۸ - Artículo 68

بند ۱ - تعداد اعضای مجلس نمایندگان، حداقل ۳۰۰ و حداکثر ۴۰۰ نفر نماینده خواهد بود که آزادانه، و در شرایط مساوی، با رأی مستقیم و مخفی و به صورتی که در قانون پیش بینی شده است، انتخاب می شوند^{۵۵}.

بند ۲ - استان^{۵۶}، حوزه انتخاباتی است. مناطق سنوتا^{۵۷} و ملیا^{۵۸} هر کدام دارای یک نماینده خواهند بود^{۵۹}. نحوه توزیع تعداد کل نمایندگان را قانون براساس احتساب حداقل یک نماینده مقدماتی برای هر حوزه انتخابی و توزیع مابقی را به تناسب تعداد جمعیت، تعیین میکند.

بند ۳ - انتخاب نمایندگان هر حوزه با توجه به معیار نسبی^{۶۰} نمایندگی صورت می گیرد.

بند ۴ - مجلس نمایندگان به مدت چهارسال انتخاب می شود. مدت نمایندگی اعضاء این مجلس چهارسال پس از انتخاب و یا در روز انحلال منقضی می شود.

⁵⁴ *Mandato imperativo = F. Mandat imperative = E. Compulsary mandate*

⁵⁵ - در حال حاضر، تعداد اعضای مجلس نمایندگان، ۳۵۰ نفر است. م

⁵⁶ - از نظر تقسیمات کشوری، اسپانیا به ایالات خود مختار، استان و شهرستان تقسیم می شود. م

⁵⁷ *Ceuta*

⁵⁸ *Melilla*

⁵⁹ - این دو ناحیه اسپانیایی در شمال قاره آفریقا واقع است. م

⁶⁰ - به تناسب تعداد نمایندگان به نسبت جمعیت. م

بند ۵ - تمامی افراد اسپانیائی دارای حقوق کامل سیاسی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارند.
نحوه شرکت اتباع اسپانیائی مقیم خارج در انتخابات را قانون تعیین و دولت تسهیل خواهد کرد.

بند ۶ - انتخابات بین ۳۰ تا ۶۰ روز پس از اتمام دوره قانونگذاری بر گزار می شود. مجلس انتخابی باید در عرض ۲۵ روز پس از اتمام انتخابات منعقد بشود.

ماده ۶۹ - Artículo 69

بند ۱ - مجلس سنا، مجلس نمایندگی از سراسر کشور است.

بند ۲ - از هر استان، چهار سناتور، آزادانه، در شرایط مساوی، با رأی مستقیم و مخفی و به صورت مقرر در قانون، توسط رأی دهندگان انتخاب می شوند.⁶¹

بند ۳ - در استان های واقع در جزایر، هر جزیره و یا مجموعه جزایر دارای شورای اداری جزیره⁶² و یا کابیلدو (Cabildo)⁶³، یک حوزه انتخاباتی تشکیل می شود که تعداد آن در جزایر بزرگ - گران کاناریا (Gran Canaria)، مایورکا (Mallorca) و تیریفه (Tenerife) - سه حوزه بوده و جزیره و یا هر گروه از جزایر زیر نیز دارای یک حوزه انتخاباتی خواهند بود: ایبیزا (Ibiza)، فورمنترا (Formentera)، منورکا (Menoría)، فوئرته و نتورا (Fueretentura)، گومرا (Gomera)، یه رو (Hierro)، لانزاروته (Lanzarote) و لا پالما (La Palma).

بند ۴ - هر یک از مناطق سنوتا و ملیا دارای دو سناتور خواهد بود.

61 - در حال حاضر تعداد سناتور های مجلس سنا، ۲۵۹ سناتور است. در اسپانیا نیز مانند بسیاری از کشورهای دیگر اروپایی که دارای سیستم پارلمانی دو مجلسی می باشند، «مجلس پائین و یا مجلس نمایندگان» در مقایسه با «مجلس سنا»، نقش مهم تری در اداره شئون کشور دارد. م

62 Consejo Insular

63 - جرگه، شورای داورى. م

بند ۵ - ایالت های خود مختار دارای یک سناتور بوده و برای هر یک میلیون نفر اضافی از جمعیت، یک سناتور دیگر انتخاب می شود. تعیین تعداد این سناتور ها به عهده مجلس ایالتی و در صورت نبودن چنین مجلسی، به عهده عالی ترین دستگاه ایالتی و طبق ضوابط مقرر در منشور خود مختاری مربوط به آن ایالت و به تناسب تعداد جمعیت صورت خواهد گرفت.

بند ۶ - مجلس سنا به مدت چهارسال انتخاب می شود. مدت سناتوری سناتور ها چهار سال پس از انتخاب و یا در روز انحلال آن به پایان می رسد.

ماده ۷۰ - Artículo 70

بند ۱ - قانون انتخابات، موارد منافات با شرایط نمایندگی و یا علل واجد شرایط لازم نبودن برای نمایندگی مجلس نمایندگان و سنا را مشخص می کند که به طور اعم شامل افراد و موارد زیر خواهد بود:

- الف) اعضای مجلس قانون اساسی.
- ب) مقامات عالی رتبه دولتی به تشخیص قانون و به استثنای اعضای کابینه.
- ج) مدعی العموم.
- د) قضات، رؤسای دادگاه ها و دادستان های شاغل.
- ه) نظامیان و اعضای نیروهای انتظامی، سازمانهای پلیسی و امنیتی شاغل.
- و) اعضای کمیته های انتخاباتی.

بند ۲ - اعتبار نامه ها و مدارک نمایندگان هر دو مجلس، به صورت مقرر در قانون انتخابات، مشمول ارزش یابی قضائی خواهد بود.

ماده ۷۱ - Artículo 71

بند ۱ - نمایندگان و سناتور ها در طول مدت انجام وظایف پارلمانی، از نظر ابراز عقیده در ارتباط با وظیفه نمایندگی از تعرض مصون خواهند بود.

بند ۲ - همچنین در طول مدت نمایندگی، نمایندگان و سناتور ها دارای مصونیت قضائی بوده و نمی توان آنان را بدون کسب مجوز قبلی از مجلسی که عضو آن هستند بازداشت کرد و یا تحت تعقیب قرار داد و یا به محاکمه کشید، مگر در حین ارتکاب جرم.

بند ۳ - رسیدگی به پرونده های جنائی مربوط به نمایندگان، در صلاحیت شعبه جنائی دیوان عالی کشور^{۶۴} خواهد بود.

بند ۴ - نمایندگان و سناتور ها حقوق ماهیانه دریافت خواهند کرد که مبلغ آن را مجلس مربوط به خود، مشخص می کند.

ماده ۷۲ - Artículo 72

بند ۱ - آئین نامه پرسنلی و نظام نامه داخلی و بودجه مربوط به خود را، مجلسین به طور جداگانه تنظیم و با توافق مشترک به تصویب می رسانند. نظام نامه و اصلاح کلیت آن بایستی به رأی گیری گذاشته شده و تصویب آن مستلزم احراز اکثریت مطلق^{۶۵} آراء خواهد بود.

بند ۲ - مجلسین، رؤسا و همچنین سایر اعضای هیأت رئیسه خود را انتخاب می کنند. جلسات مشترک به ریاست رئیس مجلس نمایندگان برگزار شده و طبق نظام نامه مربوط به مجالس قانونگذاری که با رأی اکثریت مطلق هر یک از مجلسین به تصویب رسیده باشد، اداره خواهد شد.

64 - شعبه دو دیوان عالی کشور. م

65 - منظور از اکثریت مطلق، مجموع آراء نصف تعداد کل نمایندگان یک مجلس به اضافه یک می باشد. به طور مثال، در مجلس نمایندگان که ۳۵۰ نفر دارد، اکثریت مطلق عبارت خواهد بود از ۱۷۶ رأی و یا بیشتر. منظور از اکثریت ساده نیز، مجموع تعداد نصف آراء نمایندگان حاضر در جلسه به اضافه یک است. م

بند ۳ - رؤسای مجلسین به نمایندگی از طرف مجلسی که ریاست آن را عهده دار هستند انجام وظیفه کرده و از کلیه اختیارات اداری و پلیسی در داخل مجلس تحت ریاست خود برخوردار خواهند بود.

ماده ۷۳ - Artículo 73

بند ۱ - مجلسین در دو دوره از سال جلسات عادی خود را تشکیل می دهند: دوره اول از ماه سپتامبر تا دسامبر و دوره دوم از ماه فوریه تا ژوئن.

بند ۲ - مجلسین می توانند به تقاضای دولت، کمیسیون دائمی و یا با اکثریت مطلق اعضاء خود، جلسه فوق العاده تشکیل دهند. جلسات فوق العاده به منظور رسیدگی به موضوع خاصی در دستور روز تشکیل شده و پس از بحث در باره آن موضوع، خاتمه خواهند یافت.

ماده ۷۴ - Artículo 74

بند ۱ - جلسات مشترک مجلسین، جهت بحث در باره موضوعاتی که جنبه قانونگذاری صرف نداشته و بخش دوم قانون اساسی بحث در باره آن ها را صریحاً در صلاحیت مجالس قانونگذاری می داند، تشکیل می شود.⁶⁶

بند ۲ - تصمیمات اتخاذ شده توسط مجالس قانونگذاری که در مواد ۹۴ بند ۱، ۱۴۵ بند ۲، و ۱۵۸ بند ۲ به آنها اشاره شده است، بایستی با اکثریت آراء در هر یک از مجالس به طور جداگانه به تصویب رسیده باشد. در مورد اول، مجلس نمایندگان و در موارد دوم و سوم، مجلس سنا ابتکار عمل خواهد داشت. در هر دو مورد چنانچه مجلس نمایندگان و سنا به توافق نرسند، کمیسیون مشترکی از سناتور ها و نمایندگان به تعداد مساوی از هر دو مجلس، جهت حصول توافق تشکیل خواهد شد. گزارش ارائه شده توسط کمیسیون مزبور، در مجلسین به رأی گیری گذاشته می شود. چنانچه نتیجه مورد نظر به این صورت نیز

⁶⁶ - موارد مربوط به انتخاب جانشین برای پادشاه و مسائل مربوط به امور سلطنت. م

حاصل نشود، تصمیم اتخاذ شده با اکثریت مطلق در مجلس نمایندگان، معتبر و ملاک خواهد بود.

ماده ۷۵ - Artículo 75

بند ۱ - مجلسین با تشکیل جلسات عمومی و یا از طریق کمیسیون های پارلمانی فعالیت خواهند کرد.

بند ۲ - مجلسین می توانند تصویب لوایح^{۶۷} و یا طرح های قانونی را به کمیسیون های دائمی قانونگذاری مَحَوَّل سازند. با وجود این، نمایندگان می توانند بحث و رأی گیری در باره لوایح و طرح های تصویب شده در کمیسیون دائمی را در جلسه عمومی خواستار شوند.

بند ۳ - بحث در باره اصلاح قانون اساسی، مسائل بین المللی، قوانین ارگانی و قوانین مبنا و همین طور بحث در باره بودجه کل کشور، از موضوع بند فوق مُسْتثنی می باشد.

ماده ۷۶ - Artículo 76

بند ۱ - مجلس نمایندگان و سنا، و یا هر دو مجلس متفقاً می توانند در باره هر موضوعی که متضمن منافع عمومی باشد، کمیسیون های تحقیق تشکیل بدهند. نتیجه تحقیقات این گونه کمیسیون ها مرتبط با کار دادگاه ها نبوده و تأثیری بر تصمیمات قضائی نخواهد داشت، هر چند که این کمیسیون ها می توانند نتیجه تحقیقات خود را جهت اقدام به دادستان کل کشور گزارش نمایند.

بند ۲ - حضور هر کسی که مجلس او را احضار کرده باشد، اجباری خواهد بود. نوع مجازات مربوط به عدم حضور را قانون مُشَخَّص خواهد کرد.

ماده ۷۷ - Artículo 77

⁶⁷ - لوایح را دولت و طرح های قانونی را نمایندگان تسلیم مجلس می کنند. م

بند ۱ - مجلسین می توانند دادخواهی شهروندان را چه به صورت فردی و یا جمعی مورد رسیدگی قرار دهند، به شرطی که کتباً ارائه شده باشد و دادخواهی شهروندان از طریق مراجعه مستقیم و یا با انجام تظاهرات ممنوع است.

بند ۲ - مجلسین می توانند دادخواست های دریافتی را به دولت ارجاع کنند. دولت در صورت تقاضای مجلس، موظف به ادای توضیح در باره محتوای آن دادخواست ها خواهد بود.

ماده ۷۸ - Artículo 78

بند ۱ - یک کمیسیون دائمی حداقل متشکل از بیست و یک نماینده و به نسبت تعداد نمایندگان هر گروه پارلمانی، در هر یک از مجالس به وجود خواهد آمد.

بند ۲ - کمیسیون های دائمی، تحت ریاست رؤسای مربوطه هر مجلس و در موارد ملحوظ در ماده ۷۳ و در حیطه اختیارات آن مجلس و در صورت انقضای دوره مقننه و یا انحلال و یا زمان تعطیلی، طبق مفاد مواد ۸۶ و ۱۱۶ جهت تداوم اختیارات مجلس فعالیت خواهند کرد.

بند ۳ - پس از انقضای دوره قانونگذاری و یا انحلال مجلسین، این کمیسیون ها تا تشکیل مجالس جدید به فعالیت خود ادامه خواهند داد.

بند ۴ - پس از تشکیل هر یک از مجالس، کمیسیون دائمی گزارش اقدامات و تصمیمات خود را به مجلس مزبور ارائه خواهد کرد.

ماده ۷۹ - Artículo 79

بند ۱ - برای تصویب قوانین و تصمیمات، مجلسین باید طبق نظام نامه و با حضور اکثریت اعضاء تشکیل جلسه داده باشند.

بند ۲ - مصوبات مزبور زمانی دارای اعتبار خواهد بود که به تصویب اکثریت اعضا حاضر رسیده باشد، اعم از اکثریت خاص مقرر در قانون اساسی و قوانین ارگانی، و یا اکثریتی که برای انتخاب افراد در نظام نامه های مجلسین به آن ها اشاره شده باشد.

بند ۳ - آراء نمایندگان و سناتور ها، شخصی و غیر قابل انتقال خواهد بود.

ماده ۸۰ - Artículo 80

جلسات مجلسین علنی خواهد بود، مگر در موارد مشخص و معین در هر مجلس که با رأی اکثریت مطلق و طبق نظام نامه مربوط به آن مجلس به تصویب رسیده باشد.

فصل دوم درباره تدوین قوانین

ماده ۸۱ - Artículo 81

بند ۱ - قوانین ناظر بر تفسیر حقوق اساسی و آزادی های عمومی، قوانین مربوط به تصویب منشور خود مختاری ایالات و سیستم انتخابات عمومی و سایر آزادی های ملحوظ در قانون اساسی، قوانین ارگانی محسوب می شوند.⁶⁸

بند ۲ - تصویب، تغییر و یا الغاء قوانین ارگانی، مستلزم رأی اکثریت مطلق در رأی گیری نهائی کابینه لایحه آن در مجلس نمایندگان می باشد.

ماده ۸۲ - Artículo 82

⁶⁸ *Leyes orgánicas*

بند ۱ - مجالس می توانند اختیارات لازم را به دولت جهت تدوین مقررات هم طراز با قانون در زمینه های نا مشخص و قید نشده در ماده فوق، تفویض کنند.

بند ۲ - این اختیار تقنینی، در صورتی که هدف از آن تنظیم یک قانون مدون⁶⁹ باشد به صورت یک قانون مینا^{۷۰} و در صورت تدوین قانونی متشکل از متون مختلف باشد، در قالب یک قانون عادی تفویض می شود.

بند ۳ - این اختیار تقنینی بایستی به طور صریح و در موارد معین و با قید محدودیت زمان اجرائی به دولت داده شود. پس از نشر قانون مذکور توسط دولت، اختیار تقنینی تفویض شده به آن از حیث اعتبار ساقط می شود. نمی توان تفویض چنین اختیاری را مطلق و یا نامحدود تلقی کرد. همینطور نمی توان آن را به مقاماتی غیر از خود هیأت دولت توکیل کرد.

بند ۴ - در قوانین مینا باید دقیقاً اهداف و حدود اختیارات تقنینی داده شده به دولت و همچنین اصول و معیارهایی که در طول اجرای آن باید در مد نظر گرفته شود، محدود و مشخص گردد.

بند ۵ - در اختیار تدوین یک متن قانونی، باید دقیقاً حدود شمول آن، و اینکه آیا منظور از تفویض آن صرفاً تدوین یک متن واحد بوده و یا تنظیم، تلفیح و یا هم آهنگی متون قانونی مختلف باشد، مشخص گردد.

بند ۶ - صرف نظر از صلاحیت حقوقی محاکم، قوانین مربوط به تفویض اختیارات تقنینی نیز، در هر مورد می توانند مشتمل شرایطی اضافی برای نظارت بر آن باشند.

ماده ۸۳ - Artículo 83

قوانین مینا به هیچ وجه نمی توانند:

⁶⁹ - متن قانونی متشکل از مواد مختلف. م

⁷⁰ Ley de bases

الف) اصلاح خود قوانین مینا را اجازه دهند.
ب) تصویب مقرراتی با عطف به ما سبق را ممکن سازند.

ماده ۸۴ - Artículo 84

در صورت تغایر یک طرح و یا اصلاحیه قانونی با یکی از اختیارات تقنینی جاری، دولت مجاز به مخالفت با تصویب آن می باشد. در چنین موردی می توان طرحی برای فسخ کلی و یا جزئی قانون مربوط به آن اختیار تقنینی، ارائه کرد.

ماده ۸۵ - Artículo 85

تصویب نامه های دولت که بر مبنای اختیارات تقنینی به تصویب رسیده باشد، «احکام قانونی»^{۷۱} نامیده می شود.

ماده ۸۶ - Artículo 86

بند ۱ - در موارد استثنائی و اضطراری فوری، دولت می تواند، مصوباتی قانونی موقت تصویب کرده و به مرحله اجرا بگذارد، که این مصوبات نمیتوانند بر نهاد های اساسی نظام حکومتی، حقوق، تکالیف و آزادی های شهروندان که در بخش یکم به آنها اشاره شده است، و همچنین سیستم ایالات خود مختار و سیستم انتخابات عمومی تأثیر گذار باشند.

بند ۲ - کلیت احکام قانونی می بایست بلافاصله در مجلس نمایندگان که در ایام تعطیلی مجلس، به همین منظور تشکیل جلسه خواهد داد و در عرض سی روز پس از انتشار آنها، به بحث و رأی گیری گذاشته شود. مجلس باید در عرض مدت مزبور در باره ترمیم و یا الغاء آن ها به نحو خاص مقرر در نظام نامه مجلس، تصمیم صریح خود را ابراز کند.

⁷¹ *Decretos legislativos*

بند ۳ - در عرض مدت فوق، مجالس می توانند احکام مزبور را به صورت لایحه قانونی و با قید فوریت به بحث بگذارند.

ماده ۸۷ - Artículo 87

۱ - ابتکار عمل تقنینی^{۷۲}، به دولت، مجالس نمایندگان و سنا، در چهار چوب قانون اساسی و نظام نامه های مجلسین مربوط می شود.

۲ - مجالس ایالتی می توانند تصویب یک لایحه قانونی را از دولت خواستار شده و یا طرحی به هیأت رئیسه مجلس نمایندگان ارسال کنند و برای دفاع از آن، حداکثر سه نفر از نمایندگان مجلس ایالتی را به نمایندگی از طرف آن مجلس اعزام دارند.

۳ - قانونی آرگانی، نحوه و شرایط لازم برای انجام ابتکار عمل تقنینی مردمی، از طریق تسلیم طرح های قانونی را، مشخص خواهد کرد. در هر صورت وجود حداقل تعداد ۵۰۰۰۰۰ (پانصد هزار) امضاء معتبر برای این منظور ضروری خواهد بود. چنین طرح هایی موضوعات خاص مشمول قوانین آرگانی، مالیاتی، بین المللی و موارد مربوط به تقاضای عفو و بخشودگی را شامل نخواهد بود.

ماده ۸۸ - Artículo 88

لوائح باید قبلاً به تصویب هیأت وزیران رسیده و همراه با ادله و مستندات لازم جهت تصمیم گیری تقدیم مجلس نمایندگان بشود.

ماده ۸۹ - Artículo 89

72 - (Iniciativa = initiative)، پیش گامی، حق پیش قدمی، آغاز گری. م

بند ۱ - تصویب طرح های قانونی طبق نظام نامهء مجالس و به نحوی صورت خواهد گرفت که فوریت لوایح قانونی مانعی بر سر راه انجام ابتکار عمل تقنینی موضوع مادهء ۸۷ ایجاد نکند.

بند ۲ - طرح های مطرح شده در سنا، طبق مفاد مادهء ۸۷، جهت تصویب به صورت طرح قانونی به مجلس نمایندگان ارسال می شود.

مادهء ۹۰ - Artículo 90

بند ۱ - پس از تصویب یک لایحهء قانونی عادی و یا آرگانی در مجلس نمایندگان، رئیس مجلس متن آن را برای بحث و رأی گیری در اختیار رئیس مجلس سنا قرار می دهد.

بند ۲ - مجلس سنا، در عرض دو ماه از روز دریافت متن می تواند با ارسال پیامی مستدل آن را وتو کرده و یا اصلاحات لازم را در آن به عمل آورد. وتوی مجلس سنا مستلزم رأی اکثریت مطلق خواهد بود. چنین لایحه ای قانونی نمی تواند به توشیح پادشاه برسد، مگر در صورت تصویب آن با رأی اکثریت مطلق در مجلس نمایندگان. در صورت وتو در مجلس سنا؛ و یا حک و اصلاح متن اولیه توسط آن مجلس، لایحهء مزبور با رأی اکثریت ساده در مجلس نمایندگان و پس از گذشت دو ماه از زمان تسلیم قابل تصویب خواهد بود.

بند ۳ - مهلت زمان دو ماهه برای تصویب و یا وتوی مجلس سنا، به مدت بیست روز عادی در مورد لوایحی که توسط دولت و یا مجلس نمایندگان، دارای فوریت باشند، تقلیل می یابد.

مادهء ۹۱ - Artículo 91

پادشاه در عرض پانزده روز قوانین تصویب شده توسط مجالس قانونگذاری را توشیح و دستور نشر فوری آن را صادر می کند.

مادهء ۹۲ - Artículo 92

بند ۱ - تصمیمات سیاسی دارای اهمیت ویژه را می توان به
فراندم عمومی گذاشت.

بند ۲ - فرمان برگزاری فراندم، به پیشنهاد رئیس دولت و با
اجازه قلمی مجلس نمایندگان، توسط پادشاه صادر می شود.

بند ۳ - یک قانون ارگانی، شرایط و نحوه برگزاری فراندم
های پیش بینی شده در قانون اساسی را مشخص خواهد کرد.

فصل سوم در باره پیمان های بین المللی

ماده ۹۳ - Artículo 93

از طریق یک قانون ارگانی، می توان انعقاد پیمان های بین
المللی را که ایفای اختیارات ناشی از قانون اساسی را به عهده یک
سازمان و یا نهاد بین المللی محول می سازد، اجازه داد. ضمانت اجرائی
این گونه پیمان ها، و یا تصمیمات مئخذة توسط ارگان های بین المللی و یا
نهاد های فرا ملی که این اختیارات به آن ها تفویض شده باشد، بر حسب
مورد به عهده مجالس قانونگذاری و دولت است.

ماده ۹۴ - Artículo 94

بند ۱ - پیش از آنکه دولت از طریق امضای پیمان و یا مقوله
نامه ای، تعهداتی را متوجه کشور سازد، اخذ اجازه قلمی پارلمان، در
موارد زیر الزامی است:

- الف) پیمان هائی که جنبه سیاسی داشته باشند.
- ب) پیمان ها و مقوله نامه های نظامی.
- ج) پیمان ها و مقوله نامه های تأثیر گذار بر تمامیت ارضی
کشور و حقوق و آزادی های تصریح شده در بخش یک قانون اساسی.

د) پیمان ها و مقاوله نامه های مُتَضَمَّن تعهدات مالی بر خزانهء کشور.

ه) پیمان ها و مقاوله نامه هایی که مُتَضَمَّن حک و اصلاح و یا نسخ یکی از قوانین بوده و یا مستلزم انجام اقدامات تقنینی برای اجرای آن باشد.

بند ۲ - مجلس نمایندگان و سنا، بلافاصله در جریان عقد سایر پیمان ها و مقاوله نامه ها قرار خواهند گرفت.

ماده ۹۵ - Artículo 95

بند ۱ - عقد یک قرارداد بین المللی مغایر با مفاد قانون اساسی، مستلزم تجدید نظر قبلی در این قانون خواهد بود.

بند ۲ - دولت و یا هر یک از مجلسین می توانند از دادگاه قانون اساسی، مغایرت و یا مطابقت آن قرارداد را با قانون اساسی درخواست نمایند.

ماده ۹۶ - Artículo 96

بند ۱ - پیمان های بین المللی معتبر که توسط دولت به امضاء رسیده باشد، به محض انتشار در روز نامهء رسمی اسپانیا، جزو نظام حقوقی داخلی مملکت محسوب می شود. مفاد این گونه پیمان ها فقط طبق شرایط مندرج در آن و یا اصول کلی حقوق بین الملل، قابل نسخ، فسخ، اصلاح و یا تعلیق خواهد بود.

بند ۲ - برای نقض پیمان ها و مقاوله نامه های بین المللی از همان شیوه ای که در ماده ۹۴ برای تصویب آن ها در نظر گرفته شده است، استفاده خواهد شد.

بخش چهارم

دربارهء دولت و تشکیلات اداری کشور

ماده ۹۷ - Artículo 97

اداره سیاست داخلی و خارجی و اداره تشکیلات لشکری و کشوری و دفاعی مملکت به عهده دولت است. دولت، طبق قانون اساسی و سایر قوانین، نقش اجرائی و اختیار تصویب و اجرای مقررات را دارد.

ماده ۹۸ - Artículo 98

بند ۱ - دولت مُتشکل است از رئیس دولت^{۷۳}، معاونان رئیس دولت، در صورت وجود چنین معاونانی، وزراء و سایر اعضاء که قانون مُشخص کرده باشد.

بند ۲ - رئیس دولت، اعمال دولت را هدایت کرده و وظایف سایر اعضاء آن را صرف نظر از مسئولیت ها و صلاحیت های مستقیم شان، هم آهنگ می کند.

بند ۳ - اعضاء دولت نمی توانند، وظایفی غیر از وظایف نمایندگی مخصوص به خود در پارلمان، مشاغل دولتی دیگری خارج از محدوده مقامی که متصدی آن هستند و یا فعالیت حرفه ای و یا تجاری داشته باشند.

بند ۴ - مقررات و شرایط مربوط به صلاحیت و منافات شغلی اعضاء دولت را، قانون مُشخص می کند.

ماده ۹۹ - Artículo 99

بند ۱ - پس از هر دوره جدید از مجلس نمایندگان، و یا در سایر موارد پیش بینی شده در قانون اساسی، پادشاه، متعاقب انجام مشورت های قبلی با نمایندگان مُنتخب گروه های سیاسی دارای کرسی در پارلمان، و از طریق رئیس مجلس نمایندگان، یک نفر را به عنوان کاندیدای ریاست دولت، پیشنهاد می کند.

⁷³ - در هیچ جای قانون اساسی واژه « نخست وزیر» به کار نرفته است. م

بند ۲ - کاندیدای پیشنهاد شده طبق مفاد بند قبل، برنامه سیاسی دولتی که قصد تشکیل آن را دارد، تقدیم مجلس نمایندگان نموده و از آن تقاضای رأی اعتماد می کند.

بند ۳ - چنانچه مجلس نمایندگان با آرای اکثریت مطلق به کاندیدای پیشنهادی رأی اعتماد بدهد، پادشاه هم او را به ریاست دولت منصوب خواهد کرد. در غیر این صورت پس از گذشت ۴۸ (چهل و هشت) ساعت از رأی گیری اول، تجدید رأی گیری شده و این بار همان کاندیدا با آراء اکثریت ساده، می تواند رأی اعتماد بگیرد.

بند ۴ - در صورت عدم احراز رأی اعتماد پس از رأی گیری های فوق، کاندیدای تازه ای به ترتیبی که در بند های بالا اشاره شده است، معرفی خواهد گردید.

بند ۵ - چنانچه پس از گذشت دو ماه، کاندیدایی برای تصدی ریاست دولت، موفق به کسب رأی اعتماد از مجلس نمایندگان نشود، پادشاه هر دو مجلس را منحل و با صحه رئیس مجلس نمایندگان دستور تجدید انتخابات را صادر می کند.

ماده ۱۰۰ - Artículo 100

عزل و نصب سایر اعضاء دولت، به پیشنهاد رئیس آن، توسط پادشاه صورت می گیرد.

ماده ۱۰۱ - Artículo 101

بند ۱ - دولت پس از انجام انتخابات عمومی و یا در صورت عدم احراز رأی اعتماد از پارلمان، به طریق مقرر در قانون اساسی؛ و یا به خاطر استعفاء و یا فوت رئیس آن، از سمت خود کنار می رود.

بند ۲ - دولت مفصول^{۷۴} تا انتصاب دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهد داد.

74 - در این جا به معنی کنار رونده به کار رفته است. م

ماده ۱۰۲ – Artículo 102

۱ - رسیدگی به مسئولیت جنائی دولت و یا سایر اعضاء آن در صلاحیت شعبه جنائی دیوان عالی کشور است.

۲ - چنانچه اتهام خیانت و یا هر جرم دیگری در جهت اقدام علیه امنیت کشور در طول انجام وظیفه^{۷۵} وجود داشته باشد، چنین اتهامی فقط به ابتکار یک چهارم اعضاء مجلس نمایندگان و با تصویب اکثریت مطلق می تواند مطرح شود.

۳ - عفو ملوكانه شامل هیچیک از موارد^{۷۶} موضوع ماده حاضر نخواهد بود.

ماده ۱۰۳ – Artículo 103

بند ۱ - تشکیلات اداری کشور با بی طرفی، از منافع عمومی دفاع، و بر اساس اصول کارائی، رعایت سلسله مراتب، عدم تمرکز و احتراز از کانون گرایی و با انجام هم آهنگی و اطاعت محض از قانون و حقوق عمل خواهند کرد.

بند ۲ - نهاد های دولتی، طبق قانون؛ ایجاد، اداره و هم آهنگ می شوند.

بند ۳ - قانون، وضعیت کارکنان دولت، دسترسی عموم به پست های دولتی را بر اساس اصول کار آمدی و صلاحیت، ویژگی های ایفای حقوق مربوط به عضویت در سندیکا ها، سیستم منافات شغلی و تضمین های مربوط به رعایت بی طرفی در طول انجام وظیفه را مشخص خواهد کرد.

ماده ۱۰۴ – Artículo 104

⁷⁵ - علیه رئیس و اعضاء دولت. م
⁷⁶ - خیانت و اقدام علیه امنیت کشور. م

بند ۱ - نیروها و دستگاهی انتظامی و امنیتی وابسته به دولت، مأموریت حمایت از برخورداری آزادانه از حقوق و آزادی ها را داشته و حفظ امنیت شهروندان را تضمین خواهند کرد.

بند ۲ - یک قانون ارگانی، وظایف، خطوط اصلی فعالیت و وضع نیروها و دستگاه های انتظامی و امنیتی را مشخص خواهد کرد.

ماده ۱۰۵ - Artículo 105

موارد زیر را قانون معین می کند:

الف) استماع نظریات شهروندان به طور مستقیم و یا از طریق سازمان ها و مجامع قانونی به هنگام تنظیم مقررات اداری مؤثر به حال آنها.

ب) دسترسی شهروندان به پرونده ها و بایگانی ادارات، جز در موارد مربوط به امنیت و دفاع کشور، تحقیق در باره جرائم و یا زندگی خصوصی افراد.

ج) تضمین نحوه استماع نظریات افراد ذیربط، در صورت لزوم به هنگام انجام اعمال اداری.

ماده ۱۰۶ - Artículo 106

بند ۱ - محاکم دادگستری ناظر بر اعمال اداری و مطابقت آن ها با قانون بوده و در عین حال بر مطابقت آنها با اهدافی که آن اعمال را توجیه کند، نظارت خواهند کرد.

بند ۲ - افراد، در موارد مشخص در قانون، در صورت وارد شدن خسارت بر اموال و حقوق خود، حق دریافت کامل غرامت خواهند داشت؛ جز در موارد قوه قاهره^{۷۷}؛ و همیشه در مواقعی که خسارت وارده ناشی از سوء جریان خدمات عمومی باشد.

⁷⁷ Fuerza mayor = F. Force majeure = E. Force majeure

ماده ۱۰۷ – Artículo 107

مجمع تشخیص مصالح کشور^{۷۸}، عالی ترین مرجع مشورتی دولت به شمار می آید. یک قانون ارگانی تشکیلات و حدود صلاحیت آن را مشخص می کند.

بخش پنجم در باره روابط دولت با مجالس قانونگذاری

ماده ۱۰۸ – Artículo 108

دولت به هیأت اتفاق از نظر عملکرد سیاسی خود در برابر مجلس نمایندگان مسئول است.

ماده ۱۰۹ – Artículo 109

مجلسین و کمیسیون های آن، می توانند از طریق رؤسای خود، اطلاعات و مساعدت های لازم را از دولت و هر یک از دستگاه های ذیربط دولتی و یا ایالات خود مختار طلب کنند.

ماده ۱۱۰ – Artículo 110

بند ۱ – مجلسین و کمیسیون های آن ها می توانند اعضای دولت را احضار کنند.

بند ۲ – اعضای دولت به جلسات مجلسین و کمیسیون های آن ها دسترسی داشته و حق اظهار نظر در آن ها را خواهند داشت، و می توانند از کارکنان تشکیلات متبوعه خود بخواهند که در آن جلسات و کمیسیون ها ادای توضیح نمایند.

⁷⁸ Consejo de Estado = F. Conseil d'État = E. Council of State

ماده ۱۱۱ – Artículo 111

بند ۱ – دولت و هر یک از اعضاء آن، موظف به پاسخگویی به سؤالاتی هستند که در مجالس خطاب به آن ها مطرح بشود. این نوع مباحثات را نظامنامه مجلسین در حداقل مدت زمان لازم در طول هفته مشخص خواهد کرد.

بند ۲ – هر پرسشی می تواند با توجه به موضعی که مجلس در قبال آن اتخاذ کند، منجر به استیضاح بشود.

ماده ۱۱۲ – Artículo 112

رئیس دولت می تواند پس از انجام مشورت های قبلی در هیأت وزیران، پیرامون برنامه و یا سیاست کلی پیشنهادی خود، از مجلس نمایندگان تقاضای تأیید اعتماد بکند. در صورت موافقت نمایندگان با آراء اکثریت ساده با آن، تأیید اعتماد حاصل خواهد شد.

ماده ۱۱۳ – Artículo 113

بند ۱ – مجلس نمایندگان می تواند دولت را در ارتباط با مسئولیت سیاسی آن و با رأی اکثریت مطلق، استیضاح نماید.

بند ۲ – عمل استیضاح بایستی به پیشنهاد حداقل یک دهم نمایندگان، مطرح شده و در آن کاندیدایی برای تصدی ریاست دولت معرفی گردد.

بند ۳ – عمل استیضاح تا گذشت مدت پنج روز از زمان ارائه آن قابل رأی گیری نخواهد بود. در دو روز اول مدت مزبور، می توان استیضاح های گزینه ای^{۷۹} ارائه کرد.

⁷⁹ *Alternativo = F. Alternative*

بند ۴ - چنانچه استیضاح، مورد تصویب مجلس نمایندگان قرار نگیرد، پیشنهاد دهندگان آن نمی توانند در همان دوره از تشکیل جلسات^{۸۰}، استیضاح دیگری مطرح نمایند.

ماده ۱۱۴ - Artículo 114

۱ - در صورت عدم کسب رأی اعتماد از مجلس نمایندگان، دولت، استعفای خود را تسلیم پادشاه نموده و متعاقب آن، رئیس تازه ای برای دولت، طبق مفاد ماده ۹۹، برگزیده خواهد شد.

بند ۲ - در صورت استیضاح دولت توسط مجلس نمایندگان، دولت، استعفای خود را تسلیم پادشاه کرده و کاندیدای معرفی شده در استیضاح، طبق ماده ۹۹ از رأی اعتماد مجلس برخوردار خواهد شد. و پادشاه نیز، کاندیدای مزبور را به ریاست دولت منصوب می کند.

ماده ۱۱۵ - Artículo 115

بند ۱ - رئیس دولت پس از انجام مشورت های قبلی در هیأت وزیران، و به مسئولیت شخص خود، می تواند انحلال مجلس نمایندگان، مجلس سنا و یا هر دو مجلس قانونگذاری را که به فرمان پادشاه صادر می شود، پیشنهاد کند. در فرمان مربوط به انحلال، تاریخ برگزاری انتخابات بعدی قید خواهد گردید.

بند ۲ - به هنگام طرح استیضاح، نمی توان پیشنهاد انحلال را ارائه کرد.

بند ۳ - تا یک سال پس از پیشنهاد انحلال، نمی توان پیشنهاد انحلال تازه ای ارائه کرد؛ مگر طبق بند ۵ از ماده ۹۹.

ماده ۱۱۶ - Artículo 116

80 - بند ۱ از ماده ۷۳ دیده شود. م

بند ۱ - یک قانون ارگانی، موارد اعلام وضعیّت خطر^{۸۱}، وضعیّت فوق العاده^{۸۲}، و اعلام حکومت نظامی^{۸۳} و همچنین حدود اختیارات و مسئولیّت های ناشی از آن ها را مشخص خواهد کرد.

بند ۲ - وضعیّت خطر^{۸۴}، توسط دولت و با تصویب نامه مصوّب هیأت وزیران، حداکثر به مدّت پانزده روز اعلام می شود؛ که بلافاصله به اطلاع مجلس نمایندگان که به همین منظور منعقد می گردد، خواهد رسید و بدون اذن مجلس، مدّت مزبور قابل تمدید نخواهد بود. در تصویب نامه هیأت وزیران می بایست محدوده ارضی و تبعات ناشی از برقراری وضعیّت خطر مشخص شده باشد.

بند ۳ - وضعیّت فوق العاده^{۸۵}، توسط دولت و با تصویب نامه مصوّب هیأت وزیران و با اذن قبلی مجلس نمایندگان، برقرار می شود. در مجوز مجلس نمایندگان، بایستی محدوده ارضی مشمول برقراری وضعیّت فوق العاده، و تبعات ناشی از برقراری و مدّت آن که بیش سی روز نبوده ولی قابل تمدید به مدّت مشابه با همان شرایط قبلی خواهد بود، به وضوح قید شده باشد.

⁸¹ Estado de alarma = F. État d' alarme = E. State of alarm

⁸² Estado de excepción = F. État d' exception = E. State of emergency

⁸³ Estado de sitio = F. État de siège = E. State of siege که در پاره ای متون «شهر بندی» ترجمه شده است.

⁸⁴ - طبق قانون Ley Orgánica 4/1981, de 1 de Junio, de los Estados de Alarma, Excepción y Sitio، طی مدّت برقراری وضعیّت خطر هیچ یک از حقوق اساسی شهروندان جز ایجاد پاره ای محدودیّت ها از نظر ترافیکی به حالت تعلیق در نمی آید و در موارد زیر اعلام می شود: به هنگام بروز سوانح و فاجعه های عظیم طبیعی گسترده از قبیل زلزله، سیل؛ آتش سوزی های مهیب شهری و جنگلی؛ بحران های بهداشتی و بروز امراض خطرناک و آگیردار در سطح وسیع، فلج شدن عرضه خدمات اساسی جامعه و ایجاد اختلال در تأمین و توزیع مایحتاج عمومی. م

⁸⁵ - طبق قانون فوق، وضعیّت فوق العاده زمانی برقرار می شود که نظم عمومی و استفاده از آزاده از حقوق و آزادی های مقرر در قانون اساسی به طور جدی در معرض خطر قرار بگیرند به طوری که مقامات دولتی قادر به ایفای عادی وظایف خود در تأمین آن ها نباشند. م

بند ۴ - حکومت نظامی^{۸۶} به پیشنهاد دولت و منحصرأ با رأی اکثریت مطلق مجلس نمایندگان برقرار می شود. مجلس نمایندگان، محدوده ارضی، مدت و شرایط برقراری آن را مشخص می کند.

بند ۵ - مجلس نمایندگان را در طول برقراری هر یک از وضعیت های موضوع ماده حاضر، که به محض اعلام هر کدام از آن ها در صورت بر خورد با ایام تعطیلی، هر دو مجلس خود به خود منعقد می شوند؛ نمی توان منحل کرد. در طول برقراری وضعیت های مورد بحث وقفه ای در کار سایر نهاد ها و قوای مملکتی ایجاد نخواهد شد. در صورت منحل بودن مجلس نمایندگان و یا انقضای دوره قانونگذاری آن، تداوم اختیارات را کمیسیون دائمی به عهده خواهد گرفت.

بند ۶ - اعلام وضعیت خطر، وضعیت فوق العاده و حکومت نظامی، تغییری در نفس مسئولیت دولت و یا کارکنان آن که طبق قانون اساسی و سایر قوانین به رسمیت شناخته شده باشند، ایجاد نمی کند.

بخش ششم **در باره قوه قضائیه**

ماده ۱۱۷ - Artículo 117

بند ۱ - عدالت از مردم ناشی است که به نام پادشاه و توسط قضات مستقل، غیر قابل تغییر و مسئول قوه قضائیه که منحصرأ از قانون تبعیت می کنند به مرحله اجراء گذاشته می شود.

بند ۲ - قضات و رؤسای دادگاه ها را فقط در موارد ملحوظ در قانون، می توان، عزل، منقل، معلق، بازنشسته و یا منتقل کرد.

⁸⁶ - طبق همان قانون، حکومت نظامی زمانی بر قرار می شود که شورش و یا تهدیدی جدی تمامیت ارضی، نظام مشروطه مملکت را به مخاطره بیندازد و نتوان آن را با استفاده از طرق دیگر، فرو نشانند. م

بند ۳ - ایفای اختیار قضائی، قضاوت و یا امر به اجرای قضیه محکوماً بها^{۸۷} منحصراً در صلاحیت دادگاه ها و محاکم مُشَخَّص در قانون و بر طبق اصول و موازین مختص به آنها می باشد.

بند ۴ - دادگاه ها و محاکم جز آنچه که در بند قبل به آن اشاره شده و یا صریحاً توسط قانون و در تضمین هر گونه حقوقی به عهده آنها مَحَوَّل شده باشد، وظیفه دیگری نخواهند داشت.

بند ۵ - اصل وحدت قضائی، مبنای تشکیلات و عملکرد دادگاه ها است. آئین دادرسی لشگری را در محدوده صرفاً نظامی و در موارد برقراری حکومت نظامی، قانون بر مبنای اصول قانون اساسی تنظیم و مُشَخَّص خواهد کرد.

بند ۶ - تشکیل محاکم استثنائی ممنوع است.

ماده ۱۱۸ - Artículo 118

احکام قطعی صادره توسط محاکم و دادگاه ها لازم الاجراء بوده، و همچنین انجام همکاری لازم با محاکم و دادگاه ها در طول برگزاری محاکمات و به هنگام اجرای احکام ضروری است.

ماده ۱۱۹ - Artículo 119

انجام امور قضائی در مواردی که قانون تصریح کرده باشد و یا در مورد کسانی که عدم استطاعت مالی خود را در دعاوی به ثبوت برسانند، رایگان خواهد بود.

ماده ۱۲۰ - Artículo 120

⁸⁷ یعنی قضیه ای که دادگاه آن را از هر لحاظ *Cosa juzgada = F. Chose jugée* مخنومه اعلام کرده و در باره آن رأی نهائی صادر کرده باشد. م

بند ۱ - محاکمات، به استثنای موارد مُشَخَّص در قانون، علنی خواهد بود.

بند ۲ - محاکمات، به ویژه در دادرسی کیفری، به صورت شفاهی برگزار خواهد شد.

بند ۳ - احکام، همیشه بایستی مستند بوده و به صورت علنی صادر شود.

ماده ۱۲۱ - Artículo 121

خسارات ناشی از اشتباه قضائی و یا سوء عملکرد عادی اداری دادگستری، طبق قانون، و به حساب دولت مشمول غرامت خواهد بود.

ماده ۱۲۲ - Artículo 122

بند ۱ - قانون ارگانی قوه قضائیه، ساختار، عملکرد و اداره دادگاه ها و محاکم و همچنین وضعیت حقوقی قضات شاغل به صورت واحد؛ و کارکنان اداری دادگستری را مُشَخَّص خواهد کرد.

بند ۲ - شورای عالی قوه قضائیه، عالی ترین مرجع اداره این قوه است. قانونی ارگانی، وضع و موارد منافات شغلی اعضاء آن و همچنین وظایف آن ها را به ویژه از نظر انتصاب، ترفیع، بازرسی و نظارت انضباطی، مُشَخَّص خواهد کرد.

بند ۳ - شورای عالی قوه قضائیه مُشکل است از رئیس دیوان عالی کشور که ریاست آن را به عهده خواهد داشت؛ و بیست عضو که انتخاب آنها به تأیید پادشاه می رسد، و به مدت پنج سال انتخاب می شوند. از این تعداد، ۱۲ (دوازده) نفر از میان قضات شاغل از تمامی سطوح قضائی، و به ترتیب مُشَخَّص در قانون ارگانی؛ و چهار تن به پیشنهاد مجلس نمایندگان، و چهار تن به پیشنهاد مجلس سنا؛ که در هر دو مجلس با اکثریت سه پنجم آراء از میان وکلای دادگستری و سایر حقوق دانان

دارای صلاحیت رسمی و بیش از پانزده سال سابقه حرفه ای؛ انتخاب می شوند.

ماده ۱۲۳ – Artículo 123

بند ۱ – دیوان عالی کشور با صلاحیت حقوقی در سراسر اسپانیا، عالی ترین مرجع قضائی در کلیه شئون، بجز موارد محفوظ برای تضمین های مربوط به قانون اساسی، محسوب می شود.

بند ۲ – رئیس دیوان عالی کشور، به پیشنهاد شورای عالی قوه قضائیه، به نحوی که در قانون مشخص شده است انتخاب، و انتخاب او به تأیید پادشاه می رسد.

ماده ۱۲۴ – Artículo 124

بند ۱ – اداره دادستانی، صرف نظر از وظایف محوله به سایر ارگان ها، مسئولیت انجام اقدامات قضائی در دفاع از قانون مندی، حقوق شهروندان و منافع عمومی مورد حمایت قانون، به ابتکار خود^{۸۸} و یا به تقاضای طرف ذینفع را دارد و در عین حال بر استقلال محاکم و تأمین رضایت جامعه در آنها، نظارت می کند.

بند ۲ – دادستانی از طریق عوامل مخصوص به خود و بر اساس اصول وحدت عمل و رعایت سلسله مراتب و با رعایت قانون و بی طرفی، انجام وظیفه می کند.

بند ۳ – ساختار تشکیلاتی [اداره] دادستانی را قانون مشخص می کند.

بند ۴ – دادستان کل کشور، به پیشنهاد دولت و با صواب دید شورای عالی قوه قضائیه توسط پادشاه به این سمت برگزیده می شود.

ماده ۱۲۵ – Artículo 125

⁸⁸ *ex officio*

شهروندان می توانند از طریق عضویت در هیأت های مُنصفه، به نحو مقرر در قانون در باره محاکمات جنائی، و همچنین مجالس مؤسسان و دادگاه های سنتی⁸⁹، در امور قضائی مشارکت نمایند.

ماده ۱۲۶ – Artículo 126

پلیس قضائی در انجام وظایف مربوط به تحقیقات جنائی، کشف جرم و دستگیری مجرم، به صورتی که قانون مُشخص کرده است، تحت امر قضات، محاکم و دادستانی ایفای وظیفه خواهد کرد.

ماده ۱۲۷ – Artículo 127

بند ۱ – قضات و دادستان های شاغل، نمی توانند عهده دار مشاغل دولتی دیگری بوده و یا در احزاب و سندیکا ها عضویت داشته باشند. سیستم و شرایط فعالیت انجمن های صنفی قضات و دادستان ها را قانون مُشخص می کند.

بند ۲ – منافات شغلی اعضای قوه قضائیه را قانون با تضمین استقلال کامل آنان مُشخص می کند.

بخش هفتم اقتصاد و دارائی

ماده ۱۲۸ – Artículo 128

بند ۱ – تمامی ثروت مملکت به هر شکل و نحوی، و صرف نظر از نوع مالکیت آن در جهت منافع عامه خواهد بود.

89 - دادگاه های سنتی، مانند دادگاه تقسیم آب که در قرون وسطی به وجود آمد و هنوز هم در پاره ای از نقاط اسپانیا، تشکیل میشود. اعضای این گونه دادگاه ها همگی توسط شهروندان و از میان آنان انتخاب می شوند. م

بند ۲ - فعالیت های اقتصادی افراد به رسمیت شناخته می شود.
تخصیص منابع و خدمات اساسی به بخش عمومی به ویژه در مورد
انحصارات و همچنین نحوه مباشرت شرکت ها در آن را در صورت
اقتضای منافع عمومی؛ قانون مشخص می کند.

ماده ۱۲۹ - Artículo 129

بند ۱ - نحوه برخورداری افراد ذینفع از بیمه های اجتماعی و
مشارکت آنان در ارگان های دولتی که در زمینه بهبود کیفیت زندگی و
رفاه عمومی فعالیت مستقیم دارند؛ قانون مشخص می کند.

بند ۲ - مسئولان اداره مملکتی به طرز کارآمد، انحاء مختلف
مشارکت در شرکت ها را ترغیب کرده و از طریق مقررات قانونی
متناسب، شرکت های تعاونی را ترویج خواهند نمود. این مسئولان در عین
حال با فراهم آوردن زمینه مساعد لازم، دسترسی کارگران به تملک
وسایل تولید را تسهیل خواهند کرد.

ماده ۱۳۰ - Artículo 130

بند ۱ - تمامی مسئولان اداره مملکتی موظفند در جهت
نوسازی و توسعه تمامی بخش های اقتصادی و به ویژه کشاورزی، دام
داری، ماهی گیری و صنایع دستی؛ به منظور ایجاد تعادل در سطح
زندگی همه مردم اسپانیا، اقدام کنند.

بند ۲ - به مناطق کوهستانی نیز، توجه خاصی به همین شیوه
مبذول خواهد شد.

ماده ۱۳۱ - Artículo 131

بند ۱ - حکومت مرکزی می تواند فعالیت کلی اقتصادی را، در
جهت کمک به توازن و هم آهنگی عمران ناحیه ای و بخشی (سکتوری)، و

تشویق افزایش درآمد و ثروت و توزیع عادلانه آن را برنامه ریزی نماید.

بند ۲ - دولت، پروژه های عمرانی را با صواب دید ایالات خود مختار و با مشورت و همکاری با سندیکا ها و دیگر سازمان های اقتصادی، صنفی و حرفه ای، و صاحبان شرکت ها، تهیه و تنظیم خواهد کرد. به همین منظور شورایی تشکیل خواهد شد که ساختار و وظایف آن را قانون مشخص می کند.

ماده ۱۳۲ - Artículo 132

بند ۱ - رژیم حقوقی مربوط به مالکیت اموال دولتی و اموال مشترک بر اساس اصل عدم سلب مالکیت، عدم مشمول مرور زمان شدن، عدم مصادره و انتقال به غیر، توسط قانون مشخص می شود.

بند ۲ - به طور کلی، پلاژ ها، مناطق زمین - دریا و مناطق دریائی محصور در خشکی، منابع طبیعی نواحی اقتصادی و واقع در ناحیه قاره ای و اموالی را که قانون تعیین کرده باشد، اموال عمومی دولتی محسوب می شود.

بند ۳ - میراث دولتی و میراث ملی و نحوه اداره، نگهداری و حفاظت از آن را قانون تنظیم خواهد کرد.

ماده ۱۳۳ - Artículo 133

بند ۱ - اختیار اصلی وضع مالیات، بر اساس قانون، در انحصار حکومت مرکزی^{۹۰} است.

بند ۲ - ایالات خود مختار و شهرداری ها، طبق قانون اساسی و قوانین دیگر، می توانند عوارضی را وضع و اخذ کنند.

90 - در همه جا کلمه (Estado = F. Etat = E. State) به صورت «حکومت و یا حکومت مرکزی» و (Gobierno = F. Gouvernement = E. Government) به صورت «دولت» ترجمه شده است. م

بند ۳ - تمامی منافع مالی حاصله از اخذ مالیات های حکومت مرکزی باید طبق قانون، مشخص و مقرر گردد.

بند ۴ - ادارات مملکت فقط طبق قانون می توانند تعهدات مالی ایجاد و هزینه نمایند

ماده ۱۳۴ - Artículo 134

بند ۱ - تنظیم بودجه کل کشور به عهده دولت و بررسی، اصلاح و تصویب آن به عهده مجالس قانونگذاری، محول خواهد بود.

بند ۲ - بودجه کل کشور، جنبه سالانه داشته و در آن کل درآمد و هزینه های بخش دولتی با در نظر گرفتن منافع حاصله از مالیات های موضوعه حکومتی ملحوظ خواهد گردید.

بند ۳ - دولت موظف است که بودجه کل کشور را حداقل سه ماه پیش از انقضای سال قبل، تقدیم مجلس نمایندگان بکند.

بند ۴ - چنانچه تا قبل از اولین روز از سال مالی مورد نظر، قانون بودجه کل کشور به تصویب نرسد، بودجه سال قبل تا تصویب بودجه جدید، به طور خود کار تمدید خواهد شد.

بند ۵ - پس از تصویب بودجه کل کشور، دولت می تواند لویحی قانونی جهت افزایش هزینه و یا کاهش در آمد دولتی در طول سال مالی مربوط به آن بودجه، ارائه نماید.

بند ۶ - تمامی طرح ها و اصلاحیه هایی که متضمن افزایش اعتبار و یا کاهش در آمد های بودجه ای باشد، جهت طرح، مستلزم موافقت دولت خواهد بود.

بند ۷ - قانون بودجه نمی تواند موجد مالیات های جدید باشد. ولی در صورتی که قانون مالیاتی مهمی اقتضا کند، می تواند مالیات های وضع شده را تغییر دهد.

ماده ۱۳۵ – Artículo 135

بند ۱ – دولت، جهت اخذ وام و یا استقراض عمومی^{۹۱}، مستلزم مجوز قانونی است.

بند ۲ – اعتبارات مربوط به تأدیه اصل و فرع ناشی از استقراض عمومی باید همیشه جزو هزینه های بودجه منظور شده و مادامی که منطبق با شرایط مندرج در قانون باشند، نمی توان آن ها را تعدیل و اصلاح نمود.

ماده ۱۳۶ – Artículo 136

بند ۱ - دیوان محاسبات^{۹۲}، عالی ترین مرجع بازرسی و رسیدگی به حساب های دولتی و عملکرد اقتصادی کشور به شمار می آید.

این نهاد مستقیماً به مجالس قانونگذاری وابسته بوده و به نمایندگی از طرف آن ها وظیفه رسیدگی به حساب های دولتی را عهده دار خواهد بود.

بند ۲ – حساب های دولتی و بخش عمومی به دیوان محاسبات عرضه شده و توسط آن مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

دیوان محاسبات، صرف نظر از صلاحیت های حقوقی مخصوص به خود، در صورت لزوم و تشخیص، طی گزارشی سالانه، موارد تخلف و نقض قانون و مسئولیت های مرتبط با آن را به اطلاع مجالس قانونگذاری می رساند.

⁹¹ *Deuda pública = F. Dette publique = E. Public debt*

⁹² *Tribunal de Cuentas = F. Cour des comptes = E. National Audit Office*

بند ۳ - اعضای دیوان محاسبات، استقلال عمل داشته و غیر قابل تغییر خواهند بود، و مانند قضات دادگستری مشمول موارد مربوط به منافع شغلی خواهند بود.

بند ۴ - قانونی ارگانی، ساختار، ترکیب اعضاء و نحوه فعالیت دیوان محاسبات را مشخص خواهد کرد.

بخش هشتم

در باره تقسیمات و تشکیلات کشور

فصل یکم اصول کلی

ماده ۱۳۷ - Artículo 137

مملکت، از نظر تقسیمات کشوری به شهرستان، استان و ایالت خود مختار تقسیم می شود. که هر یک از آنها از نظر اداره منافع مربوط به خود دارای آزادی عمل می باشند.

ماده ۱۳۸ - Artículo 138

بند ۱ - حکومت مرکزی، رعایت مؤثر اصول همبستگی موضوع ماده ۲ را با تضمین موازنه صحیح و عادلانه اقتصادی در بخش های مختلف سرزمین اسپانیا و با بذل توجهی ویژه به وضع جزایر، در مد نظر قرار می دهد.

بند ۲ - تفاوت موجود در منشور خودمختاری ایالات مختلف، منضم هیچگونه امتیاز اقتصادی و یا اجتماعی نخواهد بود.

ماده ۱۳۹ - Artículo 139

بند ۱ - تمامی اسپانیائی ها در هر نقطه ای از کشور، از حقوق و تعهداتی یکسان برخوردار خواهند بود.

بند ۲ - هیچ مقامی نمی تواند با انجام اقداماتی مانعی از نظر گردش و یا سیر آزادانه افراد و اموال و یا سکونت اشخاص در هیچ نقطه ای از خاک اسپانیا ایجاد کند.

فصل دوم در باره اداره شهرداری ها^{۹۳}

ماده ۱۴۰ - Artículo 140

قانون اساسی، استقلال عمل شهرداری ها را تضمین می کند. این گونه مؤسسات از شخصیت کامل حقوقی برخوردار خواهند بود. اداره و تشکیلات آنها، به عهده خود اداره شهرداری متشکل از شهردار و اعضای انجمن شهر مَحَوَّل خواهد بود. اعضای انجمن شهر از طریق انتخابات عمومی و با رأی مساوی، آزاد، مستقیم و مخفی، و به صورت مُشَخَّص در قانون از میان ساکنان مقیم آن شهر انتخاب می شوند. شهرداران می توانند مُنْتَخَب اعضای انجمن شهر و یا مُنْتَخَب خود ساکنان شهر باشند. شرایط مربوط به تشکیل جرگه ها^{۹۴} را قانون مُشَخَّص می کند.

ماده ۱۴۱ - Artículo 141

بند ۱ - استان، واحدی است محلی با شخصیت حقوقی خاص، که به منظور ایفای فعالیت های مملکتی، از چندین شهرستان و یا بخشی از کشور، تشکیل می شود. هر گونه تغییری در حدود استان ها باید طی یک قانون ارگانی به تصویب مجالس قانونگذاری برسد.

بند ۲ - اداره استان ها به عهده مجالس استانی و یا تشکیلات محلی که جنبه انتخابی داشته باشد، مَحَوَّل خواهد بود.

⁹³ *Administración local = E. Local administration*

⁹⁴ - شورای متشکل از ریش سفیدان، شورای اداره روستا. م

بند ۳ - می توان با گروه بندی چند شهرستان، یک استان، و یا یک بلوک از شهرستان ایجاد کرد.

بند ۴ - علاوه بر این، در مجمع الجزایر ها^{۹۵}، هر یک از جزایر دارای یک شورای اداره جزیره و یا کابیلدو^{۹۶} مخصوص به خود خواهد بود.

ماده ۱۴۲ - Artículo 142

خزانه محلی بایستی از منابع کافی جهت انجام وظایفی که قانون به عهده شهرداری ها مَحَوَّل کرده است و عمدتاً از عوارض مربوط به خود و سهم های دریافتی از دولت مرکزی و حکومت های ایالتی خود مختار تغذیه می کند، بر خوردار باشد.

فصل سوم

در باره ایالت های خود مختار

ماده ۱۴۳ - Artículo 143

بند ۱ - در ایفای حق خودمختاری که در ماده ۲ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است، استان های همجوار دارای خصوصیات مشترک تاریخی، فرهنگی و اقتصادی؛ اراضی واقع در جزایر و استان های دارای هویت تاریخی ناحیه ای، طبق مفاد ملحوظ در بخش حاضر از قانون اساسی و منشور های مربوطه، می توانند خود مختاری کسب کنند.

بند ۲ - ابتکار^{۹۷} پروسه خود مختاری مربوط می شود به تمامی مجالس ذیربط استانی و یا ارگان مربوطه در جزایر و یا دو سوم شهرهایی که جمعیت آنها، حداقل، حائز اکثریت آمار انتخاباتی در استان و یا جزیره باشند. این شرایط، باید در عرض مدت شش ماه از اتخاذ اولین تصمیمات در این زمینه، توسط شهرداریهای ذیربط، به وجود آمده باشد.

95 - منظور مجمع الجزایر قناری و بالئار می باشد. م

96 - کابیلدو: شورای داورى که فقط در جزایر قناری به این اسم خوانده می شود. م

97 - (Iniciativa = initiative)، پیش گامی، حق پیش قدمی، آغاز گری. م

۳ - این ابتکار عمل، چنانچه به نتیجه نرسد، فقط پس از گذشت پنج سال قابل تجدید خواهد بود.

ماده ۱۴۴ - Artículo

مجالس قانونگذاری، به خاطر حفظ مصالح ملی، از طریق یک قانون ارگانی می توانند:

الف) ایجاد یک ایالت خود مختار را در بخشی از خاک کشور که مساحت آن کمتر از مساحت یک استان بوده و واجد شرایط بند الف) ماده ۱۴۳ نباشد، اجازه دهند.
ب) در صورتی که شرایط ایجاب نماید، با اعطای منشور خود مختاری به سرزمین هائی که جزو تشکیلات استانی نباشند، موافقت کرده و یا آن را اجازه دهند.
ج) ابتکار عمل شهرداری ها را که در بند ۲ ماده ۱۴۳ به آن اشاره شده است، جایگزین ابتکار عمل دیگری نمایند.

ماده ۱۴۵ - Artículo 145

بند ۱ - تشکیل فدراسیونی متشکل از ایالات خود مختار، به هیچ وجه اجازه داده نخواهد شد.

بند ۲ - در منشور های خود مختاری، می توان موارد و شرایطی را در مد نظر گرفت که طی آن، ایالات خود مختار بتوانند به منظور اداره و ارائه خدمات مخصوص به خود، قرار داد هائی بین خود امضاء کرده و همچنین ویژگی و تبعات ناشی از اطلاع آن ها را به مجالس قانونگذاری، در آن قید نمایند. در سایر موارد، قرارداد های همکاری میان ایالات خود مختار، مستلزم مجوز مجالس قانونگذاری خواهد بود.

ماده ۱۴۶ - Artículo 146

پیش نویس منشور خود مختاری، توسط مجمعی مُتشکل از اعضای مجلس استان و یا نهاد ادارهء جزایر استان های ذیربط و نمایندگان مجلس و سناتور های مُنتخب از آن ها، تهیه شده و تسلیم مجالس قانونگذاری خواهد شد تا به صورت قانون، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

مادّه ۱۴۷ – Artículo 147

بند ۱ – بر اساس شرایط مندرج در قانون اساسی حاضر، منشور های خود مختاری، قانون بنیادین هر ایالت خود مختار بوده و دولت مرکزی نیز با به رسمیت شناختن و حمایت از آن، آن ها را جزو نظام حقوقی خود قرار می دهد.

بند ۲ – منشور های خود مختاری بایستی شامل نکات زیر باشد:

الف) اسمی که به بهترین وجه بیانگر هویت تاریخی، ایالت مربوطه باشد.
ب) حدود ارضی آن.
ج) اسم، سازمان و مرکز استقرار نهاد های مربوط به آن.
د) صلاحیت های مُحوّله در چهار چوب قانون اساسی و با توجه به خدمات خاصّ انتقالی به آن.

بند ۳ - هر گونه تجدید نظر و اصلاح منشور های خود مختاری با توجه به شرایط مندرج در آن ها و در همه حال با تصویب مجالس قانونگذاری و از طریق یک قانون ارگانی صورت خواهد گرفت.

مادّه ۱۴۸ – Artículo 148

بند ۱ – ایالات خود مختار می توانند در موارد زیر صلاحیت داشته باشند:

۱ – سازمان دهی نهاد های مربوط به خود مختاری.
۲ – تغییر حدود شهر های واقع در آنها و، به طور کلی وظایف مربوط به حکومت مرکزی در ارتباط با ادارهء شهرداری ها، که

انتقال آن وظایف [به ایالت خود مختار] را قانون مربوط به رژیم حکومت محلی اجازه دهد.

- ۳ - انجام عملیات ارضی، مسکن و شهر سازی.
- ۴ - انجام عملیات عامّ المنفعه در جهت منافع ایالت خود مختار و در داخل محدوده ارضی آن.
- ۵ - اداره خطوط آهن و جاده هائی که گلا در داخل ایالت خود مختار کشیده شده باشد، و همین طور حمل و نقل انجام شده از طریق آنها و یا از طریق کابل.
- ۶ - اداره اسکله ها و بنادر و فرودگاه های تفریحی که به طور کلی فاقد فعالیت تجاری باشند.
- ۷ - کشاورزی و دامداری، بر اساس نظام کلی اقتصادی.

- ۸ - اداره بیشه ها و استفاده از محصولات جنگلی.
- ۹ - انجام اقدامات در زمینه حفاظت از محیط زیست.
- ۱۰ - پروژه، ساختمان و بهره برداری از تأسیسات هیدرولیکی، کانال ها و آبیاری در ایالت خود مختار؛ آب های معدنی و چشمه های آب گرم.
- ۱۱ - ماهی گیری، شکار و صید آبزیان در رودخانه های و آب های داخلی.
- ۱۲ - نمایشگاه های محلی.
- ۱۳ - توسعه و ترویج اقتصادی ایالت خود مختار در چهار چوب اهداف سیاسی - اقتصادی کشور.
- ۱۴ - صنایع دستی.
- ۱۵ - موزه ها، کتابخانه ها و هنرستان های موسیقی دارای ارزش برای ایالت خود مختار.
- ۱۶ - میراث یادمانی^{۹۸} دارای ارزش برای ایالت خود مختار.

- ۱۷ - ترویج فرهنگ، انجام تحقیقات و همینطور آموزش زبان مربوط به ایالت خود مختار.
- ۱۸ - توسعه و ترویج توریسم در داخل محدوده خود.
- ۱۹ - توسعه ورزش و استفاده کافی از اوقات فراغت و تفریح.

⁹⁸ *monumental*

- ۲۰ - خدمات اجتماعی.
۲۱ - تندرستی و بهداشت.
۲۲ - مراقبت و حفاظت از بناها و تاسیسات خود.
ایجاد هماهنگی و انجام دیگر اختیارات در ارتباط با پلیس محلی و در چهارچوب مقرر در قانون ارگانی.

بند ۲ - پس از گذشت پنج سال، و از طریق اصلاح منشور خود، ایالات خود مختار می توانند دامنه صلاحیت های خود را بر اساس ماده ۱۴۹ توسعه دهند.

ماده ۱۴۹ - Artículo

بند ۱ - موارد زیر منحصراً در صلاحیت حکومت مرکزی است:

- ۱ - فراهم کردن شرایط اساسی برای تضمین مساوات برای تمامی اسپانیایی ها در ایفای حقوق و انجام تکالیف خود طبق قانون اساسی.
۲ - ملیت، مهاجرت و امور مربوط به اتباع خارجی و پناهندگی.
۳ - روابط بین المللی.
۴ - امور دفاعی و نیروهای مسلح.
۵ - اداره دادگستری.
۶ - قوانین تجاری، کیفری و آئین دادرسی و قانون زندان ها، صرف نظر از خصوصیات عمده حقوقی مربوط به خود ایالت خود مختار.
۷ - قوانین کارگری؛ صرف نظر از نحوه اجرای آن ها توسط ارگان های ایالت خود مختار.
۸ - قوانین مدنی، صرف نظر از حفظ و تغییر و توسعه آنها توسط ایالات خود مختار در ارتباط با حقوق مدنی، سنتی^{۹۹} و

99 - برخی از ایالت های خود مختار، مانند ایالت باسک از قدیم ایلام دارای برخی حقوق مدنی مخصوص به خود بوده است که پس از تصویب قانون اساسی حاضر نیز به رسمیت شناخته شده اند. م

مخصوص به خود، در صورت وجود. به طور کلی، اصول مربوط به اعمال و کاربرد معیار های قانونی، روابط مدنی - حقوقی در ارتباط با نحوه ازدواج، تنظیم اسناد ثبتی و دولتی، مبانی مربوط به تعهدات ناشی از قرارداد ها، اصول مربوط به حل موارد مربوط به مغایرت قانونی، و تعیین منابع حقوقی، در مورد اخیر، و در ارتباط با قوانین خاص مربوط به ایالت خود.

۹ - قوانین مربوط به مالکیت صنعتی و فکری.

۱۰ - گمرکات و تجارت خارجی.

۱۱ - سیستم پولی، ارزی، تبدیل پول و نقدینگی آن، اصول اعتباری، بانکی و بیمه.

۱۲ - قوانین مربوط به اوزان و مقیاس ها، و تعیین ساعت رسمی.

۱۳ - تمهید مبانی و ایجاد هماهنگی در برنامه ریزی کلی فعالیت های اقتصادی.

۱۴ - مالیّه عمومی و فرضهء ملی.

۱۵ - توسعه و هماهنگی کلی پژوهش های علمی و

فنی.

۱۶ - تندرستی بیرونی. اصول و هماهنگی کلی مربوط

به تندرستی. قوانین مربوط به محصولات دارویی.

۱۷ - قوانین مبنائی و سیستم اقتصادی بیمه های اجتماعی، صرف نظر از ارائه خدمات مخصوص به خود توسط ایالات خود مختار.

۱۸ - مبانی سیستم حقوقی ادارات دولتی و وضع

کارکنان آن که تضمین کننده توجهی یکسان از سوی آنان نسبت به ارباب رجوع باشد، از طریق اعمال اداری یکسان، صرف نظر از خصوصیات ویژه مربوط به تشکیلات ایالات خود مختار؛ قوانین مربوط به مصادره اجباری، قوانین مبنائی مربوط به قرارداد ها و امتیازات اداری و سیستم مسئولیت های ادارات دولتی.

۱۹ - ماهی گیری دریائی، صرف نظر از صلاحیت داده شده به ایالت خود مختار در این زمینه.

۲۰ - کشتی رانی تجاری و ثبت کشتی ها؛ تأمین روشنائی سواحل و علامت گذاری دریائی؛ بنادر دارای ارزش عمومی؛ فرودگاه های دارای ارزش عمومی؛ کنترل حریم هوائی؛ ترابری و ترانزیت؛ خدمات هواشناسی و ثبت هرگونه وسیلهء ترابری هوائی.

- ۲۱ - خطوط آهن و ترابری زمینی که از محدوده ارضی بیش از یک ایالت خود مختار عبور کند؛ شبکه عمومی ارتباطات، ترافیک و حرکت خود رو های مورتوری؛ ارتباطات پستی و راه دور؛ کابل های هوایی و دریایی و ارتباطات رادیویی.
- ۲۲ - تدوین و تنظیم قوانین مربوط به واگذاری منابع آبی و استفاده از آن در صورت جریان داشتن آب در بیش از یک ایالت خود مختار؛ و اجازه تأسیسات برقی در صورتی که ایالت خود مختار دیگری مشمول استفاده از آن بوده و خطوط انتقال نیرو از محدوده ارضی ایالت خود مختار فراتر رود.
- ۲۳ - قوانین مبنائی مربوط به حفاظت از محیط زیست، صرف نظر از اختیارات داده شده به ایالت خود مختار جهت برقراری مقررات اضافی در این زمینه. قوانین مبنائی مربوط به بیشه ها و محصولات جنگلی و جاده های مال رو.
- ۲۴ - امور عمرانی عامّ المنفعه که انجام آن بیش از یک ایالت خود مختار را شامل شود.
- ۲۵ - اصول مربوط به معادن و سیستم تأمین و استفاده از انرژی.
- ۲۶ - اصول مربوط به تولید، خرید و فروش، تملک و استفاده از سلاح و مواد منفجره.
- ۲۷ - مقررات مبنائی مربوط به مطبوعات، رادیو و تلویزیون و به طور کلی تمامی رسانه های ارتباط جمعی، صرف نظر از اختیارات داده شده به هر یک از ایالات خود مختار در توسعه و اجرای آن.
- ۲۸ - حفاظت از میراث فرهنگی، هنری و یادمانی اسپانیا در قبال تصرف و سوء استفاده؛ موزه ها، کتابخانه ها، و آرشيو های دولتی، صرف نظر از اداره آن ها توسط ایالات خود مختار.
- ۲۹ - امنیت عمومی، صرف نظر از امکان ایجاد پلیس توسط ایالات خود مختار به صورت مشخص در منشور خود مختاری آن ها و در چهارچوب قانون ارگانی مربوط به آن.
- ۳۰ - تنظیم شرایط مربوط به اخذ، صدور و ارزش یابی مدارک تحصیلی و حرفه ای و اصول مبنائی مربوط به تفسیر ماده ۲۷ قانون اساسی به منظور تضمین اجرای تعهدات توسط مسئولان اداری کشور در این زمینه.
- ۳۱ - آمار دولتی.

۳۲ - اجازه برگزاری همه پرسی از طریق رفراندوم.

بند ۲ - صرف نظر از صلاحیت هائی که ایالات خود مختار می توانند در این زمینه داشته باشند، حکومت مرکزی، ارائه خدمات فرهنگی را یک وظیفه و امری واجب تلقی کرده و ارتباطات فرهنگی در میان ایالات خود مختار را با موافقت آنان تسهیل خواهد کرد.

بند ۳ - مواردی که به صراحت در قانون اساسی به حکومت مرکزی منتسب نباشد، طبق منشور خود مختاری مربوط به هر یک از آن ها به ایالات خود مختار تعلق خواهد داشت. اختیار مواردی که طبق منشور خود مختاری به ایالات خود مختار مَحَوَّل نشده باشد به حکومت مرکزی تعلق خواهد داشت که قوانین آن، در صورت بروز اختلاف نظر در میان ایالات خود مختار و در مواردی که در صلاحیت انحصاری آن ها نباشد، حاکم خواهد بود. قوانین حکومت مرکزی در کلیه موارد مکمل قوانین ایالات خود مختار خواهد بود.

ماده ۱۵۰ - Artículo 150

بند ۱ - مجالس قانونگذاری، در موارد مربوط به صلاحیت حکومت مرکزی، می توانند به همه و یا برخی از ایالات خود مختار، اختیاراتی جهت تدوین قوانین در چهارچوب اصول، مبانی و خطوط مشخص در قالب یک قانون مملکتی، تفویض کنند. صرف نظر از صلاحیت دادگاه ها، در هر یک از این قوانین، نحوه نظارت مجالس قانونگذاری بر قوانین وضع شده توسط ایالات خود مختار، مشخص خواهد شد.

بند ۲ - حکومت مرکزی می تواند، از طریق یک قانون ارگانی، اختیاراتی را که در صلاحیت حکومت مرکزی است، و در صورتی که ماهیت آن اختیارات ايجاب کند، به ایالات خود مختار منتقل کرده و یا وکالت بدهد. انتقال منابع مالی و همچنین نحوه نظارت محفوظ به حکومت مرکزی را، در هر مورد، قانون پیش بینی خواهد کرد.

بند ۳ - حکومت مرکزی می تواند قوانینی را جهت ایجاد اصول لازم برای هم آهنگی مقررات وضع شده در ایالات خود مختار، حتی در

موارد تحت صلاحیت آن ها، و در صورتی که منافع عمومی ایجاب نماید، تدوین کند. تشخیص چنین ضرورتی به عهده مجالس قانونگذاری با آراء اکثریت مطلق در هر یک از آن مجالس می باشد.

ماده ۱۵۱ – Artículo 151

بند ۱ - گذشت مدت پنج سال، موضوع بند ۲ ماده ۱۴۸، ضرورت نخواهد داشت چنانچه ابتکار پروسه خود مختاری در عرض مدت مقرر^{۱۰۰} در بند ۲ ماده ۱۴۳ به عمل آمده و نه فقط باید به تصویب مجلس استانی و یا ارگان های اداره جزایر رسیده باشد، بلکه به نسبت سه چهارم شهر های هر استان ذینفع و حداقل با اکثریت آمار انتخاباتی در هر یک از آن ها، و با رأی اکثریت مطلق رأی دهندگان هر استان و طی فرآیند و طبق شرایط مقرر در قانون ارگانی مورد تأیید قرار گرفته باشد.

بند ۲ - نحوه تدوین منشور خود مختاری در موارد پیش بینی شده در بند بالا به ترتیب زیر خواهد بود:

- ۱ - دولت تمامی نمایندگان و سناتور های منتخب در حوزه های انتخاباتی واقع در محدوده ارضی مناطق خواهان خود مختاری را احضار می کند تا با تشکیل مجمعی فقط به منظور تهیه پیش نویس منشور خود مختاری و با رأی اکثریت قاطع اعضاء خود، اقدام نمایند.
- ۲ - پیش نویس مزبور پس از تصویب در مجمع یاد شده، به کمیسیون قانون اساسی مجلس نمایندگان ارجاع خواهد شد که آن را با یاری نمایندگان اعضاء مجمع در عرض دو ماه به منظور تهیه متن نهائی توافق شده، بررسی نماید.
- ۳ - در صورت حصول توافق در مورد متن نهائی؛ متن مزبور در میان رأی دهندگان استان های واقع در محدوده ارضی مشمول منشور خود مختاری به فرآیند گذاشته می شود.
- ۴ - پیش نویس منشور پس از تصویب با اکثریت آراء معتبر در هر یک از استان ها، به مجالس قانونگذاری تسلیم می

100 - شش ماه از زمان توافق به عمل آمده در مورد کسب خود مختاری. م

شود. هر یک از مجالس در جلسات عمومی، در باره تصویب آن اتخاذ تصمیم می کنند. پس از تصویب منشور خود مختاری، پادشاه نیز آن را توشیح کرده و دستور نشر آن را به صورت قانون می دهد.

۵ - در صورت عدم حصول توافق موضوع بند ۲ این قسمت؛ پیش نویس منشور به صورت لایحه قانونی در مجالس به بحث گذاشته می شود. و در صورت تصویب در مجالس قانونگذاری، در استان های واقع در محدوده ارضی مشمول منشور خود مختاری به فراندنم گذاشته می شود. در صورت تصویب با اکثریت آراء معتبر در هر یک از استان ها در فراندنم، به نحوی که در پاراگراف قبل اشاره شده است، توشیح و نشر خواهد گردید.

۳ - در موارد موضوع پاراگراف های ۴ و ۵، عدم تصویب پیش نویس منشور خود مختاری در یک و یا چند استان، از نظر تشکیل ایالت خود مختار به نحوی که در قانون ارگانی، موضوع بند ۱ ماده حاضر، پیش بینی شده است، مانعی ایجاد نخواهد کرد.

ماده ۱۵۲ - Artículo 152

بند ۱ - در منشور هایی که طبق ماده قبل به تصویب رسیده باشد، اداره تشکیلات خود مختاری مَحَوَّل خواهد بود به یک مجلس قانونگذاری ایالتی انتخابی، از طریق انجام انتخاباتی عمومی و طبق یک سیستم انتخابی متناسب تضمین کننده نمایندگی نواحی گوناگون واقع در محدوده ارضی آن؛ یک هیأت دولت با وظایف اجرائی و اداری و یک رئیس دولت مُنْتَخَب مجلس ایالتی، که از میان اعضاء آن انتخاب، و منصوب پادشاه بوده و اداره هیأت دولت ایالتی، و نمایندگی عالی ایالت خود مختار و نمایندگی عادی حکومت مرکزی را در آن ایالت به عهده خواهد داشت. رئیس و اعضاء هیأت دولت ایالتی در برابر مجلس ایالتی مسئول خواهند بود.

یک دیوان عالی قضائی، صرف نظر از صلاحیت قضائی دیوان عالی کشور، در رأس تشکیلات قضائی ایالت خود مختار قرار خواهد داشت. در منشور های خود مختاری، موارد و نحوه مباشرت این دیوان ها، در تشکیلات مربوط به حوزه های قضائی ایالات خود مختار،

مُشَخَّص خواهد شد. کلیه این موارد باید منطبق باشد با مفاد قانون ارگانی قوه قضائیه و با رعایت وحدت و استقلال قضائی. صرف نظر از موارد ملحوظ در ماده ۱۲۳، در تقاضا های پژوهش، بایستی سلسله مراتب قضائی در ایالت خود مختاری که دادگاه بدوی ذیصلاح در آن واقع است، رعایت شده باشد.

بند ۲ - پس از توشیح و نشر، منشور های خود مختاری را فقط از طرق مقرر در آن ها و برگزاری فراندم در میان رأی دهندگان ثبت شده در آمار حوزه های انتخاباتی مشمول آن، می توان تعدیل و اصلاح کرد.

بند ۳ - منشور های خود مختاری می توانند، با گروه بندی شهرستان های هم جوار، حوزه های انتخابی مخصوص به خود و برخوردار از شخصیت حقوقی کامل، به وجود آورند.

ماده ۱۵۳ - Artículo 153

نظارت بر فعالیت نهاد های ایالات خود مختار، به شرح زیر خواهد بود:

الف) از طریق دادگاه قانون اساسی، در ارتباط با مصوبات حقوقی هم طراز با قانون و مطابقت و یا مغایرت آن ها با قانون اساسی.
ب) از طریق دولت، و با صلاح دید قبلی شورای تشخیص مصالح کشور، در ایفای وظایف محوله موضوع بند ۲ از ماده ۱۵۰.
ج) با توسل به مراجع حقوقی حل اختلاف اداری^{۱۰۱}، در ارتباط با مقررات اداری ایالت خود مختار.
د) از طریق دیوان محاسبات، در ارتباط با مسائل مالی و بودجه ای.

ماده ۱۵۴ - Artículo 154

¹⁰¹ *Contencioso administrativo = F. contentieux administratif = E. Administrative jurisdictional body.*

در صورت لزوم، نماینده ای منصوب دولت^{۱۰۲}، امور مربوط به حکومت مرکزی را در ایالت خود مختار، با همکاری اداری آن ایالت، اداره و هم آهنگی خواهد کرد.

ماده ۱۵۵ – Artículo 155

بند ۱ – چنانچه ایالتی خود مختار به تعهدات خود در قبال قانون اساسی و سایر قوانین عمل نکرده و یا به نحوی جدی بر منافع عمومی اسپانیا لطمه وارد سازد؛ دولت می تواند با مؤاخذة قبلی رئیس ایالت خود مختار، و در صورت عدم توجه، با رأی اکثریت مطلق در مجلس سنا، اقدامات لازم را در جهت اجرای اجباری تعهدات و حمایت از منافع عمومی مورد بحث به عمل بیاورد.

بند ۲ – در اجرای اقدامات موضوع بند فوق، دولت می تواند به تمامی مقامات ایالت خود مختار دستور های لازم را بدهد.

ماده ۱۵۶ – Artículo 156

بند ۱ – ایالات خود مختار جهت توسعه و اجرای صلاحیت های خود و طبق اصول هم آهنگی با مالیة کشور و همبستگی میان همه اسپانیایی ها، از استقلال مالی برخوردار خواهند بود.

بند ۲ – ایالات خود مختار، طبق قوانین و منشور خود مختاری، می توانند به نمایندگی از طرف حکومت مرکزی و با همکاری با آن، در جمع آوری، اداره و تسویه منابع مالیاتی حکومت مرکزی عمل کنند.

ماده ۱۵۷ – Artículo 157

بند ۱ – منابع مالی ایالات مختار، متشکل خواهد بود از:

102 - *Delegado del Gobierno*: «والی» که در پایتخت ایالت خود مختار، مستقر است. م

الف) مالیات هائی که به صورت کلی و یا جزئی توسط حکومت مرکزی به آن ها تفویض شده است؛ سورشارژ بر مالیات های مملکتی و سایر سهمیه های حاصله از درآمد های حکومت مرکزی.
ب) مالیات و عوارض موضوعه مخصوص به خود.
ج) سهمیه های انتقالی از صندوق کمک های جبرانی مملکتی، و سایر مبالغ تخصیص یافته در بودجه کل کشور.
د) درآمد های حاصله از اموال و درآمد های ناشی از مالکیت خصوصی.
ه) بازدهی عملیات اعتباری.

بند ۲ - ایالات خود مختار، تحت هیچ شرایطی نمی توانند، بر اموال واقع در خارج محدوده خود مالیات وضع کرده و یا از نظر گردش آزادانه کالا و خدمات موانعی ایجاد کنند.

بند ۳ - طبق یک قانون ارگانی، می توان نحوه اجرای صلاحیت های مالی موضع بند ۱ و مقررات مربوط به حل اختلافات احتمالی و انحاء همکاری های مالی بین ایالات خود مختار و حکومت مرکزی را مشخص کرد.

ماده ۱۵۸ - Artículo 158

بند ۱ - در بودجه کل کشور، می توان سهمیه ای را برای ایالات خود مختار، به تناسب حجم خدمات و فعالیت های مربوط به حکومت مرکزی که تقبل کرده باشند، و در تضمین عرضه حداقل خدمات اساسی عمومی در سراسر اسپانیا، تخصیص داد.

بند ۲ - به منظور تعدیل نا برابری های اقتصادی در نقاط مختلف کشور و اجرای اصل همبستگی، صندوقی برای کمک های جبرانی برای هزینه های سرمایه ای تأسیس می شود که منابع آن توسط مجالس قانونگذاری در میان ایالات خود مختار و در صورت لزوم در میان استان ها، توزیع می شود.

بخش نهم در باره دادگاه قانون اساسی

ماده ۱۵۹ – Artículo 159

بند ۱ – دادگاه قانون اساسی، دوازده عضو خواهد داشت که توسط پادشاه به این سمت منصوب می شوند؛ از میان این عده، چهار نفر به پیشنهاد مجلس نمایندگان با اکثریت سه پنجم اعضاء، چهار نفر به پیشنهاد مجلس سنا، با همان اکثریت؛ دو نفر به پیشنهاد دولت و دو نفر به پیشنهاد شورای عالی قضائی، انتخاب خواهند شد.

بند ۲ – اعضای دادگاه قانون اساسی، از میان قضات و دادستان ها، استادان دانشگاه، کارکنان دولت و وکلای دادگستری که همگی باید حقوقدان با صلاحیت بوده و بیش از پانزده سال سابقه شغلی داشته باشند؛ انتخاب می شوند.

بند ۳ – اعضای دادگاه قانون اساسی به مدت نه سال به این سمت گمارده می شوند که هر سه سال، انتخاب سه عضو از اعضاء آن تجدید می شود.

بند ۴ – عضویت در دادگاه قانون اساسی منافات دارد با: کلیه پست های انتخابی، سیاسی و اداری؛ انجام وظایف مدیریتی در یک حزب سیاسی و یا در یک سندیکا و یا انجام وظیفه حرفه ای برای آن ها؛ انجام وظایف قضائی و دادستانی، و هر فعالیت حرفه ای و تجاری دیگر. در سایر موارد، منافات شغلی قوه قضائیه شامل اعضای دادگاه قانون اساسی نیز خواهد بود.

بند ۵ – اعضای دادگاه قانون اساسی، در طول مدت عضویت خود، مستقل و غیر قابل عزل و تغییر خواهند بود.

ماده ۱۶۰ – Artículo 160

رئیس دادگاه قانون اساسی، به پیشنهاد خود اعضای دادگاه در جلسه عمومی، انتخاب و به مدت سه سال توسط پادشاه به این سمت گمارده می شود.

ماده ۱۶۱ – Artículo 161

بند ۱ – دادگاه قانون اساسی، در سراسر خاک اسپانیا مرجعیت قضائی داشته و در موارد زیر صلاحیت خواهد داشت:

الف) رسیدگی به پژوهش خواهی های مربوط به مغایرت قوانین و یا مقررات هم طراز با قانون با قانون اساسی. تشخیص مغایرت یک امر حقوقی هم طراز با قانون، در تفسیر با رویه قضائی^{۱۰۳}، فقط مؤثر بر آن امر بوده و حکم و یا احکام صادره بر اساس آن، نفس قضیه محکوم لها بودن خود را از دست نخواهد داد.

ب) رسیدگی به پژوهش خواهی مربوط به نقض حقوق و آزادی های موضوع بند ۲ از ماده ۵۳ قانون اساسی و در مواردی که قانون مشخص کرده باشد.

ج) رسیدگی به موارد اختلاف صلاحیت بین حکومت مرکزی و ایالات خود مختار و یا در میان آن ایالات.

د) موارد دیگری که در قانون اساسی و یا قوانین ارگانی به آنها اشاره شده باشد.

بند ۲ – دولت می تواند علیه مصوبات و یا اقدامات به عمل آمده توسط ایالات خود مختار، در دادگاه قانون اساسی اقامه دعوا نماید. این اقامه دعوا می تواند موجب تعلیق آن مصوبات و اقدامات شده، ولی در صورت تشخیص، دادگاه قانونی اساسی، در مدت کمتر از پنج ماه باید آن ها را تأیید و یا تعلیق به عمل آمده را رفع نماید.

ماده ۱۶۲ – Artículo 162

بند ۱ – افراد و مقامات زیر واجد شرایط [پژوهش خواهی] می باشند:

¹⁰³ *Jurisprudencia*

الف) رئیس دولت، مدعی العموم، ۵۰ نماینده مجلس نمایندگان، ۵۰ سناتور، ارگان های انتخابی اجرائی ایالات خود مختار، و یا مجالس ایالتی؛ در ارتباط با موارد مغایر با قانون اساسی.
ب) کلیه افراد حقیقی و حقوقی ذی حق، مدعی العموم و دادستان کل جهت دادخواهی.

بند ۲ - در سایر موارد، افراد و ارگان های واجد شرایط [پژوهش خواهی] را قانونی ارگانی مشخص خواهد کرد.

ماده ۱۶۳ - Artículo 163

چنانچه یکی از ارگان های قضائی، در پروسه ای متوجه وجود مقرراتی هم طراز با قانون بشود که وارد بر آن مورد و رأی صادره مبتنی بر اعتبار آن بوده و ممکن است در تغایر با قانون اساسی باشد؛ موضوع را طبق قانون به دادگاه قانون اساسی اطلاع خواهد داد که در هیچ مورد اطلاع مزبور جنبه تعلیقی نخواهد داشت.

ماده ۱۶۴ - Artículo 164

بند ۱ - آراء صادره توسط دادگاه قانون اساسی همراه با آراء مخالف، در صورت وجود؛ در روز نامه رسمی کشور منتشر خواهد شد. آراء یک روز پس از انتشار، قطعیت داشته و غیر قابل پژوهش خواهد بود. آراء صادره در باره موارد مغایرت قانونی با قانون اساسی، و یا مقرراتی هم طراز با قانون و تمامی قوانینی که به تشخیص عینی حقی محدود نباشد، بر کلیه افراد لازم الرعایه خواهد بود.

بند ۲ - آن قسمت از قانون که مغایرتی با قانون اساسی نداشته باشد، لایتغیر می ماند، به استثنای مواردی که در رأی صادره قید شده باشد.

ماده ۱۶۵ - Artículo 165

طرز کار دادگاه قانون اساسی، وضعیّت اعضا، اصول مربوط به نحوه مراجعه به آن و شرایط حاکم بر فعالیّت های آن را، قانونی ارگانی مشخص می کند.

بخش دهم **در باره اصلاح قانون اساسی**

ماده ۱۶۶ – Artículo 166

پیشنهاد اصلاح قانون اساسی، طبق شرایط پیش بینی شده در بند های ۱ و ۲ ماده ۸۷ صورت خواهد گرفت.

ماده ۱۶۷ – Artículo 167

بند ۱ – پیش نویس لوایح مربوط به اصلاح قانون اساسی، بایستی به تصویب اکثریّت سه پنجم از اعضا هر یک از مجالس رسیده باشد. در صورتی که دو مجلس به توافق نرسند، با تشکیل یک کمیسیون حلّ اختلاف متشکل از اعضا مجلس نمایندگان و سنا جهت تنظیم متنی برای تصویب در هر دو مجلس اقدام خواهد شد.

بند ۲ – باز هم در صورت عدم تصویب به نحو مقرر در بند بالا، در صورتی که متن پیش نهادی با آراء موافق و با اکثریّت مطلق در مجلس سنا به تصویب رسیده باشد، مجلس نمایندگان می تواند با اکثریّت دو سوم متن اصلاحی را تصویب نماید.

بند ۳ – در صورت تصویب متن اصلاحی در مجالس قانون گذاری، پانزده روز پس از تصویب، و در صورت تقاضای یک دهم از اعضای هر یک از دو مجلس، جهت تأیید عمومی به فرآیند گذاشته می شود.

ماده ۱۶۸ – Artículo 168

بند ۱ - چنانچه تجدید نظری کلی در قانون اساسی و یا جزئی در مورد بخش مقدمه و یا فصل دوم از بخش یکم و یا بخش دوم در مدّ نظر باشد، جهت تصویب مستلزم اکثریت آراء دو سوم از اعضاء هر یک از مجالس بوده و بلافاصله انحلال پارلمان به دنبال خواهد داشت.

بند ۲ - مجالس انتخابی جدید، بایستی تصمیم متّخذ در مجالس قبلی را تصویب و به تهیه متن جدیدی از قانون اساسی که جهت تصویب نیازمند اکثریت دو سوم آراء در هر یک از مجلسین خواهد بود، اقدام نمایند.

۳ - پس از تصویب متن اصلاحیه در هر دو مجلس، متن مزبور جهت تأیید عمومی به رفراندوم گذاشته خواهد شد.

ماده ۱۶۹ - Artículo 169

در زمان جنگ و یا به هنگام برقراری هر یک از وضعیت های موضوع ماده ۱۱۶، نمی توان نسبت به اصلاح قانون اساسی، اقدام کرد.

ضمیمه الحاقی

یک

قانون اساسی، حقوق تاریخی مناطق «فورال»^{۱۰۴} را به رسمیت شناخته و آن ها را محترم می شمارد.
به روز در آوردن کلی سیستم های فورال، همیشه باید در چهارچوب قانون اساسی و منشور های خود مختاری صورت بگیرد.

104 - مناطق «فورال» (*foral*) به مناطقی گفته می شود که از زمان های قدیم دارای امتیازاتی حقوقی و مالیاتی و همچنین قوانین سنتی مخصوص به خود بوده اند، به مجموعه این گونه قوانین که معادلی حتی در حقوق فرانسه هم ندارد، «فونته روس» (*fueros*) گفته می شود؛ چیزی مشابه «تیول» و «اقطاع» در عصر صفویه و قاجار. م

دو

مطلب اعلام شده در بارهء سنّ قانونی که در مادهء ۱۲ قانون اساسی به آن اشاره شده است، منافی موارد مشمول قوانین «فونّه رو» در محدودهء حقوق خصوصی نیست.

سه

تغییر سیستم اقتصادی و مالیاتی مجمع الجزایر قناری، در هر مورد، مستلزم صلاح دید قبلی ایالت خود مختار و ارگان موقت عهده دار امور خود مختاری خواهد بود.

چهار

در ایالت هائی خود مختار که بیش از یک دادگاه استان^{۱۰۵}، در مرکز آن وجود داشته باشد، طبق منشور خود مختاری آن ایالت، می توان آن ها را حفظ و یا صلاحیت آن ها را فقط طبق مفاد قانون ارگانی قوهء قضائیه و در چهار چوب، استقلال و وحدت قضائی، توزیع کرد.

ضمیمهء موقت

یک

در مناطقی که دارای یک رژیم موقت خود مختاری باشند، ارگان های عالی انتخابی، پس از حصول توافق اعضاء با رأی اکثریت مطلق، می توانند ابتکار عملی را که در بند ۲ مادهء ۱۴۳ به مجالس استانی و یا ارگان های ادارهء جزایر منتسب است، عهده دار شوند.

¹⁰⁵ - *Audiencia Territorial* نوعی دادگاه استان دارای صلاحیت در محاکمات جنائی و حقوقی، و همچنین رسیدگی به فرجام خواهی علیه آراء صادره توسط دادگاه های بدوی جنائی و حقوقی در حوزهء قضائی استان. هیأت های مُنصفه مردمی نیز فقط در محاکمات جنائی متشکله در این دادگاه ها شرکت می کند. م

دو

مناطقى كه در گذشته به پيش نويس منشور خود مختارى خود^{۱۰۶}، رآى مثبت داده اند، و در زمان انتشار اين قانون اساسى داراى رژيم خود مختارى موقت مى باشند؛ مى توانند بلافاصله و به نحو مقرر در بند ۲ ماده ۱۴۸ و در صورت توافق مشترك و با اكثريت مطلق ارگان هاى انتخابى قبل از خود مختارى و با اطلاع دولت به خود مختارى برسند. پيش نويس منشور خود مختارى، طبق مفاد بند ۲ ماده ۱۵۱ و به تقاضاى ارگان انتخابى قبل از خود مختارى تهيه خواهد شد.

سه

انجام ابتكار پروسهء خود مختارى توسط شهردارى ها و يا اعضاى آن، كه در بند ۲ ماده ۱۴۳ اشاره شده است، كلاً تا انجام نخستين انتخابات محلى طبق قانون اساسى حاضر، به تعويق مى افتد.

چهار

بند ۱ - در مورد ناواررا (Navarra) و به منظور ادغام آن در «شوراي عمومى باسك»، و يا حكومت خود مختارى باسك كه جايگزين آن بشود، به جاي مفاد ماده ۱۴۳ قانون اساسى، تصميم ارگان ذىصلاح «فورال» با اكثريت آراء اعضاى آن معتبر خواهد بود. به منظور اعتبار بخشيدن به ابتكار عمل مزبور، علاوه بر تصميم ارگان ذىصلاح «فورال»، لازم است كه طى رفراندى كه به همين منظور برگزار مى شود، به تأييد اكثريت آراء معتبر مردمى برسد.

بند ۲ - چنانچه اين ابتكار عمل به نتيجه نرسد، فقط مى توان در دورهء ديگرى از زمامدارى ارگان معتبر «فورال» و پس از گذشت حد اقل مدت^{۱۰۷} مقرر در ماده ۱۴۳، آن را تكرر كرد.

106 - مانند كاتالونيا و ايالت باسك كه در دورهء جمهورى دوم به خود مختارى رسيده بودند، ولى پس از سقوط جمهورى دوم و روى كار آمدن رژيم فرانكو، حقوق خود مختارى آن ها نا ديده گرفته شد. م

107 - پنج سال. م

پنجم

شهر های سنوتا (Ceuta) و ملیا (Melilla)، در صورت تصمیم شهرداری های خود، با توافقی که با رأی اکثریت مطلق حاصل شده و مجالس قانونگذاری نیز اذن بدهند، پس از تصویب یک قانون ارگانی طبق مفاد مادهء ۱۴۴ می توانند به خود مختاری برسند.

ششم

چنانچه متن های متعددی از منشور های خود مختاری، تسلیم کمیسیون قانون اساسی مجلس بشود، به ترتیب تاریخ ورود مورد بررسی قرار می گیرند و مهلت دو ماهه ای که مادهء ۱۵۱ به آن اشاره می کند، از زمانی احتساب می شود که کمیسیون کار بررسی متن و یا متون دریافتی را به پایان رسانیده باشد.

هفتم

ارگان های موقت خود مختاری در موارد زیر منحل محسوب می شوند:

- الف) به محض تشکیل ارگان های خود مختاری مقرر در منشور خود مختاری و طبق قانون اساسی حاضر.
- ب) در صورت عدم موفقیت ابتکار پروسهء خود مختاری به خاطر فقدان شرایط ملحوظ در مادهء ۱۴۳.
- ج) چنانچه آن ارگان در عرض سه سال از حق موضوع پاراگراف یک از «ضمیمهء موقت» استفاده نکرده باشد.

هشتم

بند ۱ - مجالس قانونگذاری که قانون اساسی حاضر را تصویب کرده اند، به محض قدرت اجرائی یافتن آن، وظایف و صلاحیت های مشخص در آن در مورد مجلس نمایندگان و سنا را عهده دار خواهند شد، بی آنکه مدت نمایندگی آن ها از ۱۵ ژوئن ۱۹۸۱ فراتر رود.

بند ۲ - در اجرای مفاد ماده ۹۹ در باره نشر قانون اساسی، انتشار آن موجد مبانی قانونی جهت اجرای آن خواهد بود. علیهذا، مهلتی به مدت سی روز، از زمان نشر جهت اجرای مفاد ماده مذکور بر قرار می شود.

در طول این مدت، رئیس فعلی مجلس نمایندگان، با عهده دار بودن وظایف و صلاحیت های مربوط به مقام خود و مقرر در قانون اساسی، می تواند تصمیم به استفاده از اختیارات تفویض شده به او، طبق ماده ۱۱۵ گرفته، و یا با استعفای خود راه را برای اجرای مفاد ماده ۹۹ باز کند. در صورت اخیر، شرایط مربوط به ریاست مجلس نمایندگان، با شرایط مقرر در بند ۲ ماده ۱۰۱ منطبق خواهد بود.

بند ۳ - در صورت انحلال مجلس، طبق مفاد ماده ۱۱۵، و در صورتیکه مفاد مواد ۶۸ و ۶۹ جنبه قانونی به خود نگرفته باشد، مقررات قبلی مربوط به انتخابات مجری خواهد بود؛ به استثنای موارد مربوط به عدم واجدیت شرایط و منافات شغلی طبق قسمت ب) از بند ۱ ماده ۱ قانون اساسی که مستقیماً قابل اجرا بوده و همچنین موارد مربوط به سن رأی دادن و موارد ملحوظ در بند ۳ ماده ۶۹.

نهم

سه سال پس از انتخاب اعضاء دادگاه قانون اساسی برای بار اول، چهار عضو به قید قرعه از میان اعضاء انتخابی جهت استعفا و تجدید انتخاب اعضاء جدید برگزیده خواهند شد. فقط در این مورد، این عده چهار نفره متشکل خواهد بود از دو عضو پیشنهادی دولت و دو عضو پیشنهادی شورای عالی قوه قضائیه. پس از گذشت سه سال دیگر، در مورد دو گروه باقی مانده نیز به همین نحو و به قید قرعه عمل خواهد شد. پس از این مدت طبق مفاد بند ۳ از ماده ۱۵۹ عمل می شود.

ضمیمه الغائی

- بند ۱ - بدینوسیله ملغی می شود، قانون «اصلاحات سیاسی» ۱۹۷۷/۱ مورخ ۴ ژانویه؛ و همچنین قوانین مشروحیه زیر در صورتی که هنوز ملغی نشده باشند:
- قانون «مبانی جنبش ملی»، مورخ ۱۷ مه ۱۹۵۸
 - قانون «فونته روی اسپانیایی ها»، مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۴۵
 - قانون «فونته روی کارگری»، مورخ ۹ مارس ۱۹۳۸
 - قانون «مجلس مؤسسان»، مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۴۲
 - قانون «جانشینی مقام رهبری کشور»، مورخ ۲۶ ژوئیه ۱۹۴۷ و همه قوانینی که طبق «قانون ارگانی مملکت» مورخ ۱۰ اکتبر ۱۹۶۷، تعدیل و اصلاح شده باشد. و هم چنین قانون مربوط به «همه پرسه ملی» مورخ ۲۲ اکتبر ۱۹۴۵

ضمیمه نهائی

قانون اساسی حاضر در همان روز انتشار متن رسمی آن در روز نامه رسمی کشور، به مرحله اجرا در می آید. قانون اساسی به زبان های دیگر اسپانیا نیز منتشر می شود.

کاخ مجالس قانونگذاری، به تاریخ بیست و هفتم دسامبر هزار و نهصد و هفتاد و هشت^{۱۰۹}.

108 - این قانون، در واقع قانون اساسی رژیم فرانکو به شمار می آمد. م
109 - متن رسمی قانون اساسی اسپانیا در شماره روز ۲۹ دسامبر ۱۹۷۸ در روز نامه رسمی این کشور منتشر و از همان تاریخ قدرت اجرایی پیدا کرد. م

ترجمه رسمی و گزاره: رسول پدram

محلّ امضاء پادشاه
محلّ امضاء رئیس مجلس نمایندگان
محلّ امضاء رئیس مجلس سنا
محلّ امضاء رئیس دولت

مطابقت ترجمه فارسی، با اصل متن رسمی قانون اساسی
اسپانیا به زبان اسپانیایی کاستیائی گواهی می شود. رسول پدram

Don Rassoul Pedram Nuri, Intérprete Jurado de persa,
CERTIFICA QUE la que antecede es traducción fiel y completa al
persa del texto de la "Constitución Española de 1987" redactado en
castellano.

Madrid, jueves, 02 de octubre de 2003